روزنامه پیام ما
| سال بیست و دوم | شماره پیاپی ۳۴۸۸ | چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ | قیمت ۱۰ هزار تومان |
www.payamema.ir

یک عضو تیم تدوین «سند الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک»: ماهیت توسعه افسارگسیخته تهران و نبود باور به اولویت داشتن کودک باعث شده است رویکرد شهر دوستدار کودک، دست‌کم در تهران به‌راحتی اجرا شدنی نباشد

تهران هنوز کودکان را دوست ندارد

۳

افزایش بدهی بیمه‌ها، داروخانه‌ها را با کمبود نقدینگی و ناتوانی در خرید دارو روبه‌رو کرده است

داروگروگان بدهی بیمه‌ها

بدهی بیمه‌ها به داروخانه‌ها به ۷۷ همت رسیده و هر ماه ۱۲ همت نیز به آن اضافه می‌شود. این در حالی است که به گفته کارشناسان، این مطالبات موجب کمبود نقدینگی داروخانه‌ها، ناتوانی آن‌ها در خرید دارو از شرکت‌های دارویی و در نتیجه، تشدید کمبودهای دارویی شده است. به گفته سخنگوی «انجمن داروسازان ایران»، بخش زیادی از کمبودهای کنونی دارو به این دلیل است که داروخانه‌ها توان خرید دارو را ندارند.

۲

فعالان گردشگری می‌گویند افزایش هزینه سفر و تداوم ناامنی، کسب‌وکارهای قشم را به مرز تعطیلی رسانده است

پروازها برقرار گردشگری زمین‌گیر

۶

زندگی از چشم دیگری

مقاله‌ای تازه بررسی می‌کند که خواندن داستان‌های روایی چطور همدلی ما را افزایش می‌دهد

۸

پرونده

پرونده‌ای درباره دوچرخه‌اشتراکی حمل‌ونقل فعال و شهری که هنوز برای حرکت بدون خودرو آماده نیست

تهران شهر بدون رکاب

| یادداشت |

دوچرخه‌اشتراکی؛ حق دسترسی عادلانه به فرصت‌های شهری

| پویا امین‌لاری |
| پژوهشگر شهرسازی و مدرس دانشگاه |

سلامت جسم و پایداری اقتصادی با ایفای کامل نقش مدیریت شهری

| دل‌آرا صادقی |
| کارشناس شهرسازی، دانشگاه تهران |

حمل‌ونقل فعال؛ کلید تعاملات اجتماعی و کاهش انزوای شهری

| هلیا حجتی |
| کارشناس شهرسازی، دانشگاه تهران |

چرا حمل‌ونقل عمومی تهران بدون دوچرخه‌اشتراکی کامل نیست؟

| سما تاجداری |
| کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تهران |

دانشگاه‌ها و توسعه دوچرخه‌های اشتراکی

| محمد همتی |
| دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی |

۴

| یادداشت |

انسان در آینه زمین

| پدرام رفیعی |
| پژوهشگر علوم زمین |

اگر به یک مشت خاک، یک تکه سنگ یا ذرات جمع‌شده در بستر رودخانه نگاه کنیم، در ظاهر با موادی ساده روبه‌رو هستیم؛ اما هرکدام حاصل فرایندهایی طولانی‌اند. سنگ‌ها در اثر هوازدگی خرد می‌شوند، آب ذرات را جابه‌جا می‌کند و رسوبات در محیط‌های مختلف ته‌نشین می‌شوند. خاک نیز در نتیجه برهم‌کنش سنگ، آب، هوا و موجودات زنده شکل می‌گیرد. آنچه ما سطح زمین می‌نامیم، حاصل همین فرایندهای پیوسته است. انسان از ابتدا در میان این چرخه‌ها زندگی می‌کرد. سنگ را برای ساخت ابزار برداشت، چوب را برای سوخت و سازه به کار گرفت و برای یافتن آب و غذا با ویژگی‌های زمین سازگار شد. با گذشت زمان، این مواد از حالت منابعی که صرفاً در محیط یافت می‌شدند، به موادی تبدیل شدند که انسان آن‌ها را انتخاب و تغییر می‌داد.

آتش یکی از نخستین نمونه‌های این تحول بود. آتش میلیون‌ها سال پیش از انسان در طبیعت وجود داشت و بخشی از چرخه‌های برخی زیست‌بوم‌ها بود. تفاوت زمانی آغاز شد که انسان توانست آن را حفظ و کنترل کند. آتش امکان پخت غذا و تأمین گرما را فراهم کرد و در برخی مناطق، با سوزاندن پوشش گیاهی، ترکیب گیاهان و زیستگاه‌ها را نیز تغییر داد. انسان به این ترتیب، یکی از فرایندهای طبیعی را به ابزاری در زندگی خود تبدیل کرد. در کنار آتش، ابزارها امکان استفاده دقیق‌تر از مواد را فراهم کردند. انسان با شناخت ویژگی‌های سنگ‌ها، آن‌ها را برای بریدن، کوبیدن و شکار شکل داد. اهمیت این فناوری فقط در خود ابزار نبود؛ دانش ساخت و استفاده از آن می‌توانست منتقل شود و در نسل‌های بعد توسعه پیدا کند. همین انباشت تجربه، به انسان اجازه داد فناوری را به‌تدریج پیچیده‌تر کند. این توانایی در شناخت محیط، در انتخاب محل سکونت نیز اهمیت پیدا کرد. نزدیکی به رودخانه‌ها و چشمه‌ها، دسترسی به زمین‌های مناسب و شناخت خطرهایی مانند سیلاب، بخشی از تصمیم‌گیری جوامع انسانی شد. انسان به‌تدریج فقط در یک چشم‌انداز زندگی نمی‌کرد؛ آن را براساس نیازهای خود سازمان می‌داد.

کشاورزی این تغییر را گسترده‌تر کرد. زمین از محلی برای برداشت منابع، به بخشی از نظام تولید تبدیل شد. پوشش گیاهی تغییر کرد، زمین شخم زده شد و آب به‌سوی مزارع هدایت شد. در بعضی مناطق، این تغییرات به شکل‌گیری نظام‌های پایدار تولید کمک کردند و در برخی دیگر، فرسایش خاک، شوری یا کاهش حاصلخیزی را به دنبال داشتند. خاک در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا برخلاف بسیاری از منابع، تشکیل آن بسیار کند است. شکل‌گیری خاک حاصلخیز به اقلیم، سنگ مادر، پوشش گیاهی و زمان وابسته است و در بسیاری از محیط‌ها هزاران سال طول می‌کشد. در مقابل، فرسایش می‌تواند در مدت کوتاه‌تری بخش قابل‌توجهی از خاک سطحی را از بین ببرد. این اختلاف زمانی، یکی از محدودیت‌های مهم در بهره‌برداری از سرزمین است. با افزایش جمعیت و شکل‌گیری شهرها، تغییرات نیز از زمین‌های کشاورزی فراتر رفت. سنگ و خاک برای ساخت‌وساز استخراج و جابه‌جا شدند، مسیر آب تغییر کرد و زمین‌ها برای ایجاد جاده و ساختمان دگرگون شدند. در نتیجه، انسان شروع به جابه‌جایی مواد در مقیاسی کرد که پیش‌تر عمدتاً به فرایندهای طبیعی وابسته بود. بااین‌حال، تا مدت‌ها مقدار انرژی در دسترس، محدودکننده اصلی باقی ماند. نیروی انسان و جانوران، چوب و دیگر منابع زیستی، توان لازم برای جابه‌جایی حجم‌های بسیار بزرگ ماده را فراهم نمی‌کردند. ورود سوخت‌های فسیلی این محدودیت را تغییر داد. زغال‌سنگ، نفت و گاز طبیعی حاصل فرایندهای زمین‌شناختی بسیار طولانی‌اند. ماده آلی در شرایط مناسب دفن شده و طی میلیون‌ها سال، تحت‌تأثیر فشار و دما دگرگون شده است؛ اما انسان توانست این ذخیره انرژی را در زمانی بسیار کوتاه استخراج و مصرف کند. دسترسی به این انرژی، استخراج معادن، ماشین‌آلات سنگین، ساخت سدها، گسترش شهرها و جابه‌جایی حجم عظیمی از سنگ و خاک را ممکن کرد. ماده‌ای که پیش‌تر در محل خود باقی می‌ماند، اکنون می‌توانست از یک قاره به قاره دیگر منتقل شود و وارد چرخه‌های تازه‌ای از تولید و مصرف شود. از دید زمین‌شناسی، اهمیت این تحول فقط در مقدار مواد جابه‌جاشده نیست، بلکه در تغییر مسیر فرایندهاست. هوازدگی، فرسایش، حمل و رسوب‌گذاری همچنان ادامه دارند، اما فعالیت انسانی در بسیاری از مناطق به یکی از عوامل مؤثر بر شدت و مسیر آن‌ها تبدیل شده است. بااین‌حال، زمین همچنان بسیار بزرگ‌تر و قدیمی‌تر از تاریخ انسان است. رودخانه‌ها مسیر خود را تغییر می‌دهند، کوه‌ها فرسوده می‌شوند و رسوبات در حوضه‌های جدید انباشته می‌شوند. آنچه تغییر کرده، جایگاه انسان در میان این فرایندهاست. انسان موجودی با پیشینه‌ای چندصدهزارساله است؛ در مقایسه با عمر زمین، حضوری بسیار کوتاه دارد. بااین‌حال، در همین زمان توانسته است ماده و انرژی را به شکلی سازمان دهد که اثر فعالیتش در مقیاس‌هایی فراتر از محل زندگی‌اش دیده شود.

شاید «آینه زمین» دقیقاً همین را به ما نشان دهد: تاریخ انسان را نمی‌توان جدا از تاریخ ماده، آب، خاک و انرژی فهمید. هرچه بیشتر به زمین نگاه کنیم، بهتر می‌بینیم که داستان انسان، بخشی از داستان بزرگ‌تر سیاره‌ای است که در آن زندگی می‌کند.

| دیدگاه |

امنیت غذایی ایران در گرو سه تصمیم

| علیرضا مرادی |
| رئیس روابط عمومی موسسه جهاد استقلال |

امنیت غذایی ایران در دهه آینده نه با افزایش بی‌محابای سطح زیرکشت، بلکه با سه تغییر بنیادین ممکن خواهد شد. آب باید به مهم‌ترین معیار سیاست‌گذاری کشاورزی تبدیل شود، زنجیره تأمین غذا باید در برابر شوک‌ها تاب‌آور شود و کشاورزی باید از تولید ماده خام به‌سمت فناوری، بهره‌وری و زنجیره ارزش حرکت کند.

امنیت غذایی برای ایران دیگر یک موضوع صرفاً اقتصادی یا کشاورزی نیست، بلکه موضوعی است که به امنیت ملی، ثبات اجتماعی، قدرت خرید خانوار، مدیریت منابع آب، تجارت خارجی و حتی سیاست خارجی کشور گره خورده است.

این واقعیت را کافی است در آمارهای همین سال‌ها جست‌وجو کنیم. براساس آخرین گزارش سامانه جهانی اطلاعات و هشدار زودهنگام «فائو»، تولید غلات ایران در سال ۲۰۲۵ حدود ۱۹.۵ میلیون تن برآورد شده که بیش از ۱۰ درصد پایین‌تر از میانگین پنج‌ساله بوده است. در همان حال، واردات غلات ایران در سال زراعی ۲۶/۲۰۲۵ حدود ۲۲ میلیون تن برآورد شده؛ رقمی نزدیک به ۳۰ درصد بالاتر از میانگین. فائو در عین حال پیش‌بینی کرده است که چشم‌انداز تولید غلات در سال ۲۰۲۶، به‌دلیل شرایط مناسب‌تر بارندگی، به سطحی نزدیک به میانگین برسد.

این اعداد یک نکته مهم را به ما یادآوری می‌کنند: امنیت غذایی با یک سال خوب یا بد کشاورزی تعریف نمی‌شود. امنیت غذایی نتیجه توانایی یک کشور برای تأمین پایدار غذای مورد نیاز مردم در شرایط عادی و بحرانی است.

بنابراین، از همین‌جا باید یک خطای مفهومی را اصلاح کنیم؛ امنیت غذایی الزاماً به‌معنای خودکفایی در تولید همه محصولات نیست، همان‌طور که واردات یک محصول به‌خودی‌خود به‌معنای شکست سیاست کشاورزی نیست.

کشوری مانند ایران که با اقلیم خشک و نیمه‌خشک، محدودیت منابع آب، تغییرات اقلیمی و نوسان‌های اقتصادی و تجاری مواجه است، باید میان تولید داخلی، تجارت خارجی، ذخایر راهبردی و مدیریت مصرف، توازنی هوشمند ایجاد کند.

پس پرسش اصلی این نیست که «چگونه همه‌چیز را در داخل تولید کنیم؟» پرسش درست این است: چگونه کاری کنیم که در ۱۰ سال آینده، غذای کافی، سالم، در دسترس و قابل پرداخت، با کمترین آسیب به آب و خاک و با بیشترین تاب‌آوری در برابر بحران‌ها در اختیار مردم ایران باشد؟

به اعتقاد من، پاسخ این پرسش در سه تصمیم بزرگ نهفته است؛ تصمیم‌هایی که اگر امروز گرفته نشوند، هزینه اصلاح آن‌ها در سال‌های آینده بسیار بیشتر خواهد بود.

تصمیم اول؛ آب باید از «نهاده تولید» به «معیار سیاست غذایی کشور» تبدیل شود

اگر قرار باشد فقط یک مسئله را به‌عنوان مهم‌ترین تهدید بلندمدت امنیت غذایی ایران انتخاب کنیم، نمی‌توان از بحران آب عبور کرد. کشاورزی ایران در شرایطی فعالیت می‌کند که بخش بزرگی از منابع آب کشور در این بخش مصرف می‌شود. فائو سهم کشاورزی از برداشت آب ایران را نزدیک به ۸۰ درصد اعلام کرده و هم‌زمان بر آسیب‌پذیری کشاورزی ایران در برابر کاهش بارندگی، افزایش دما و تبخیر تأکید کرده است.

بنابراین، هر برنامه‌ای که درباره امنیت غذایی ایران نوشته شود، اما مسئله آب را در مرکز خود قرار ندهد، از ابتدا ناقص است. مشکل البته فقط کمبود آب نیست؛ مشکل، رابطه میان آب و نوع تولید کشاورزی است. ممکن است تولید یک محصول در یک سال افزایش پیدا کند، اما اگر این افزایش تولید به قیمت برداشت بیشتر از سفره‌های زیرزمینی یا فشار مضاعف بر منابع آب حاصل شده باشد، آیا واقعاً به امنیت غذایی کمک کرده‌ایم؟

پژوهش‌های جدید نیز دقیقاً بر همین مسئله تأکید دارند. یک مطالعه منتشرشده در سال ۲۰۲۶، با بررسی روندهای تولید محصولات راهبردی در ایران طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۲، نشان می‌دهد که رابطه میان رشد ارزش کشاورزی و ردپای آب در استان‌های مختلف یکسان نیست و تفاوت‌های اقلیمی و سهم آب سبز و آب آبی در مناطق مختلف باید در سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گیرد.

پیش‌تر نیز پژوهش‌های علمی درباره تجارت غذا و «آب مجازی» در ایران نشان داده بودند که در بسیاری از مناطق کشور، مصرف آب برای تولید برخی محصولات با فشار جدی بر منابع آب همراه است و تجارت محصولات کشاورزی می‌تواند از منظر آب نیز پیامدهای مهمی داشته باشد. بنابراین، تصمیم نخست باید تغییری بنیادین در فلسفه سیاست‌گذاری باشد؛ از این پس نباید فقط بپرسیم یک محصول چقدر تولید می‌شود، بلکه باید بپرسیم این محصول با چه میزان آب، در کدام منطقه و با چه بهره‌وری تولید می‌شود. این یعنی الگوی کشت باید از یک سند اداری به یک نظام اقتصادی واقعی تبدیل شود.

اگر دولت از کشاورز می‌خواهد محصولی کم‌آب‌بر تولید کند، باید برای او بازار، قیمت، بیمه، تسهیلات و فناوری مناسب فراهم کند. نمی‌توان از یک سو درباره بحران آب هشدار داد و از سوی دیگر، ساختار اقتصادی را به‌گونه‌ای تنظیم کرد که محصول پرآب‌بر برای کشاورز سودآورتر باشد.

همچنین حمایت‌های دولتی باید از «سطح زیرکشت» به‌سمت بهره‌وری آب، افزایش عملکرد در واحد سطح، کیفیت محصول و حفظ منابع طبیعی تغییر کند.

در چنین شرایطی، ممکن است حتی کاهش تولید یک محصول در یک منطقه، از منظر امنیت غذایی تصمیم درست‌تری باشد؛ اگر در مقابل، آب ذخیره‌شده برای تولید پایدارتر و ضروری‌تر در سال‌های آینده حفظ شود.

فائو نیز در پروژه‌های اخیر خود در ایران بر توسعه محصولات مقاوم به خشکی، بهبود بهره‌وری آب، کشاورزی هوشمند اقلیمی و انتقال فناوری تأکید کرده است. این همان تغییری است که باید از امروز آغاز شود.

بنابراین، معیار موفقیت کشاورزی ایران نباید فقط «تن تولیدشده» باشد، بلکه باید «تن تولیدشده به‌ازای هر واحد آب و هر واحد زمین» باشد.

تصمیم دوم؛ امنیت غذایی را از «تولید غذا» به «تاب‌آوری زنجیره غذا» ارتقا دهیم

دومین اشتباه سیاست‌گذاری این است که امنیت غذایی را در مزرعه جست‌وجو کنیم. امنیت غذایی از بذر آغاز می‌شود، اما در مزرعه تمام نمی‌شود. از بذر، کود، سم و خوراک دام گرفته تا ماشین‌آلات، انرژی، تولید، حمل‌ونقل، انبارش، سردخانه، فرآوری، تجارت، توزیع و در نهایت قدرت خرید مصرف‌کننده، همه حلقه‌های یک زنجیره واحد هستند. اختلال در هر حلقه می‌تواند کل زنجیره را تحت تأثیر قرار دهد.

گزارش‌های جدید فائو نیز نشان می‌دهد که تحولات ژئوپلیتیک و اختلال در مسیرهای تجاری می‌تواند هم‌زمان قیمت انرژی، کود، حمل‌ونقل و مواد غذایی را تحت تأثیر قرار دهد. این مسئله برای ایران اهمیت دوچندان دارد. کشور باید بداند اگر یک مسیر تجاری مختل شد، اگر یک تأمین‌کننده خارجی دچار مشکل شد، اگر قیمت نهاده‌ای مانند کود یا خوراک دام جهش کرد یا اگر یک بحران منطقه‌ای مسیرهای حمل‌ونقل را تحت تأثیر قرار داد، چه برنامه جایگزینی دارد. بنابراین، باید یک نظام ملی تاب‌آوری زنجیره غذا طراحی شود. این نظام باید حداقل چهار ستون داشته باشد: تولید داخلی پایدار، ذخایر راهبردی، تجارت خارجی متنوع و زیرساخت لجستیکی قدرتمند.

در این چارچوب، واردات دیگر نباید در مقابل تولید داخلی تعریف شود. واردات می‌تواند بخشی از سیاست امنیت غذایی باشد، به شرط آنکه وابستگی به یک کشور، یک مسیر یا یک تأمین‌کننده ایجاد نکند. به بیان دیگر، خودکفایی مطلق هدف واقع‌بینانه‌ای نیست، بلکه تاب‌آوری هدفی واقع‌بینانه است.

برای برخی محصولات راهبردی باید تولید داخلی قدرتمند داشت، اما برای برخی محصولات دیگر، به‌دلیل محدودیت آب یا مزیت اقتصادی، تجارت خارجی می‌تواند منطقی‌تر باشد. در بعضی موارد نیز ترکیبی از تولید داخلی و واردات بهترین راه‌حل است. در این میان، ذخایر راهبردی نیز باید از یک نگاه صرفاً کمی خارج شود. مهم نیست فقط چند تن کالا در انبار داریم؛ مهم این است که چه کالایی، در کجا، با چه کیفیتی، با چه سرعتی و با چه امکان جایگزینی در دسترس است.

هم‌زمان باید سرمایه‌گذاری در سیلوها، سردخانه‌ها، انبارهای استاندارد، شبکه ریلی و جاده‌ای، بنادر و سامانه‌های هوشمند پایش بازار افزایش پیدا کند.

نکته مهم این است که امنیت غذایی کشوری که محصول تولید می‌کند، اما آن را به‌دلیل ضعف زنجیره سرد، حمل‌ونقل یا انبارداری از دست می‌دهد، امنیت غذایی کاملی نیست.

تصمیم سوم؛ کشاورزی ایران باید از «تولید ماده خام» به «زنجیره ارزش دانش‌بنیان» حرکت کند تصمیم سوم شاید همان نقطه‌ای باشد که اقتصاد کشاورزی و امنیت غذایی به یکدیگر می‌رسند. کشاورزی آینده دیگر فقط زمین، آب و نیروی انسانی نیست. کشاورزی آینده، داده، فناوری، ژنتیک، هوش مصنوعی، سنجش از دور، ماشین‌آلات هوشمند، صنایع تبدیلی، بسته‌بندی، لجستیک و بازارهای صادراتی است. ایران اگر بخواهد در ۱۰ سال آینده امنیت غذایی پایدار داشته باشد، باید از کشاورزی ماده‌محور عبور کند. تولید گندم مهم است، اما ارزش اقتصادی گندم فقط در مزرعه ایجاد نمی‌شود. تولید شیر مهم است، اما ارزش واقعی آن در زنجیره فرآوری، بسته‌بندی، تولید محصولات متنوع لبنی، استانداردسازی و بازار صادراتی تکمیل می‌شود. تولید میوه نیز زمانی بیشترین ارزش اقتصادی را ایجاد می‌کند که بتوان آن را با حداقل ضایعات، بسته‌بندی مناسب، فرآوری و برند ایرانی به بازارهای داخلی و خارجی رساند.

به همین دلیل، صنایع غذایی باید بخشی از سیاست امنیت غذایی تلقی شوند، نه حلقه‌ای جداگانه از کشاورزی. هر میزان سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید که بدون توجه به صنایع تبدیلی و زنجیره ارزش انجام شود، بخشی از ظرفیت اقتصادی کشور را بلااستفاده می‌گذارد. از سوی دیگر، کاهش ضایعات غذایی یکی از ارزان‌ترین راه‌های افزایش عرضه مؤثر غذاست. محصولی که با مصرف آب، انرژی، زمین و سرمایه تولید شده، اما در مراحل برداشت، حمل، انبارش یا توزیع از بین می‌رود، در واقع بخشی از منابع کشور را بدون ایجاد ارزش از چرخه خارج کرده است.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

طرح: پیام ما

خبر

هشدار درباره افزایش سرطان کبد در ایران

رئیس «انجمن آندوسکوپی گوارشی ایران» با اشاره به تغییر الگوی بروز سرطان‌ها در کشور گفت: میزان ابتلا به سرطان کبد طی ۱۰ سال گذشته حدود ۵۹ درصد افزایش یافته و بخش قابل‌توجهی از موارد ابتلا با کبد چرب تشخیص‌داده‌نشده مرتبط است.

«کامران باقری‌لنکرانی» در نشستی خبری در حاشیه «همایش گوارش و کبد» اظهار کرد: افزایش موارد ابتلا به سرطان، واقعیتی جهانی است که بخشی از آن به سالمندشدن جوامع و بخشی دیگر به تغییر سبک زندگی مربوط می‌شود.

او با بیان اینکه ایران با همه‌گیری چاقی مواجه است، افزود: حدود ۶۰ درصد بزرگسالان ایرانی اضافه‌وزن دارند یا به چاقی مبتلا هستند. مصرف الکل و دخانیات و همچنین استفاده از غذاهای فراوری‌شده مانند کنسرو، سوسیس، کالباس و نوشابه‌های گازدار نیز احتمال ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد.

به گفته این فوق‌تخصص گوارش و کبد، الگوی بروز سرطان‌ها در کشور در حال تغییر است. میزان شیوع هلیکوباکتر که در گذشته حدود ۹۵ درصد بود، اکنون به ۵۰ درصد رسیده و در نتیجه، موارد سرطان معده ناشی از این باکتری کاهش یافته است. در مقابل، سرطان کبد در ایران روندی افزایشی دارد.

لنکرانی توضیح داد: در گذشته هپاتیت B عامل اصلی ابتلا به سرطان کبد بود، اما اکنون درصد قابل‌توجهی از موارد این سرطان ناشی از کبد چرب تشخیص‌داده‌نشده است. افزایش تشخیص بیماری نیز یکی از دلایل رشد آمار سرطان کبد به شمار می‌رود.

به گفته او، افزایش این سرطان در جهان و ایران، ضرورت توجه بیشتر به عوامل خطر و تشخیص به‌موقع بیماری را نشان می‌دهد.

او درباره سرطان روده بزرگ نیز گفت: مصرف الکل، دخانیات و غذاهای فراوری‌شده از عوامل مهم ابتلا به این بیماری هستند. غربالگری سرطان روده بزرگ در کشور در دسترس است و آزمایش خون مخفی در مدفوع به روش FIT انجام می‌شود.

وزیر اسبق بهداشت، ناآگاهی، مشکلات مالی و کمبود وقت را از دلایل مراجعه دیرهنگام بیماران مبتلا به سرطان‌های گوارشی دانست و افزود: بررسی‌ها نشان می‌دهد مصرف تریاک، به‌ویژه تریاک سوخته، در بروز سرطان‌هایی مانند سرطان معده نقش دارد.

لنکرانی با اشاره به تفاوت جغرافیایی شیوع برخی سرطان‌ها اظهار کرد: سرطان سنگ‌فرشی مری در مناطق شمالی کشور بیشتر دیده می‌شود و میزان ابتلا به سرطان معده نیز در نیمه شمالی ایران، از استان اصفهان به بالا، بیشتر است.

او همچنین تغییر الگوی تغذیه از غذاهای تازه و طبیعی به غذاهای مانده، کنسروی و فراوری‌شده را یکی از عوامل افزایش بیماری‌های گوارشی دانست و گفت: برخی ترکیباتی که برای مطلوب‌ترشدن ظاهر مواد غذایی استفاده می‌شوند، می‌توانند بر سیستم ایمنی اثر بگذارند. هرچه جوامع از غذاهای طبیعی و شیوه‌های طبیعی پخت‌وپز فاصله گرفته‌اند، شیوع برخی بیماری‌ها نیز افزایش یافته است.| ایسنا

مهر

افزایش بدهی بیمه‌ها، داروخانه‌ها را با کمبود نقدینگی و ناتوانی در خرید دارو روبه‌رو کرده است

دارو گروگان بدهی بیمه‌ها

بدهی بیمه‌ها به داروخانه‌ها به ۷۷ همت رسیده و هر ماه ۱۲ همت نیز به آن اضافه می‌شود. این در حالی است که به گفته کارشناسان، این مطالبات موجب کمبود نقدینگی داروخانه‌ها، ناتوانی آن‌ها در خرید دارو از شرکت‌های دارویی و در نتیجه، تشدید کمبودهای دارویی شده است. به گفته سخنگوی «انجمن داروسازان ایران»، بخش زیادی از کمبودهای کنونی دارو به این دلیل است که داروخانه‌ها توان خرید دارو را ندارند.

| یاسر مختاری |
روزنامه‌نگار

کمبود دارو در این ایام، که خود مقامات دولتی نیز بر آن صحه می‌گذارند، وضعیت نامناسبی را برای بسیاری از بیماران و حتی داروخانه‌داران به وجود آورده است. کمبود منابع ارزی، تحریم‌ها و محاصره دریایی برای خرید محصول نهایی یا مواد اولیه، بخشی از دلایل کمبودهایی است که در بازار دارویی کشور وجود دارد. بااین‌حال، به گفته داروسازان، بخش زیادی از کمبودها به‌دلیل نبود نقدینگی و ناتوانی داروخانه‌ها در خرید دارو است.

هادی احمدی سخنگوی انجمن داروسازان ایران: نقدینگی در زنجیره تأمین دارو به‌شدت کاهش پیدا کرده است و در شرایطی که داروخانه‌ها برای تهیه بخش قابل‌توجهی از داروها نیازمند پرداخت نقدی هستند، ناتوانی آن‌ها در خرید دارو می‌تواند به کمبود منجر شود

نسخه‌های سرگردان

بسیاری از کارشناسان اقتصاد دارو، انباشت مطالبات از بیمه‌ها و تعلل آن‌ها در پرداخت بدهی‌های خود را از دلایل اصلی کمبود نقدینگی می‌دانند. این موضوع، علاوه بر داروخانه‌ها، برای بیماران نیز مشکلات متعددی ایجاد کرده و به گفته یک نماینده مجلس، برای مردم بسیار نگران‌کننده است.

«سید محمد جمالیان»، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، دراین‌باره اظهار کرد: «امروز به جایی رسیده‌ایم که برخی داروخانه‌ها توان تهیه دارو را ندارند و مردم هنگام مراجعه برای دریافت نسخه خود با کمبود مواجه می‌شوند؛ به‌عنوان مثال، فردی ممکن است پنج قلم دارو در نسخه داشته باشد، اما داروخانه تنها دو قلم را موجود داشته باشد و بیمار مجبور شود برای پیدا کردن سایر اقلام دارویی به چندین داروخانه مراجعه کند.»

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس افزود: «این موضوع علاوه بر ایجاد سرگردانی برای مردم، می‌تواند روند درمان بیماران را نیز با اختلال مواجه کند و در شرایطی که برخی بیماران نیازمند مصرف مستمر دارو هستند، بسیار نگران‌کننده است.»

به گفته این نماینده مجلس، «بیمه سلامت» از سال ۱۴۰۴ نتوانسته مطالبات بخش‌های دولتی و خصوصی را به‌طور کامل پرداخت کند: «بیمارستان‌ها، داروخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها، مراکز فیزیوتراپی و سایر مراکز ارائه‌دهنده خدمات درمانی با انباشت مطالبات از بیمه‌ها مواجه‌اند.»

جمالیان ادامه داد: «سازمان تأمین اجتماعی نیز تا حدود بهمن ۱۴۰۴ مطالبات را پرداخت کرده، اما اکنون حدود هفت ماه در پرداخت مطالبات عقب است و در بخش خدمات نیز با تأخیرهای هشت تا ۹ ماهه مواجه هستیم؛ این در حالی است که طی این مدت، قیمت ارز، دارو، تجهیزات پزشکی و سایر کالاهای موردنیاز نظام سلامت به‌شکل قابل‌توجهی افزایش یافته است.»

عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس تصریح کرد: «وقتی داروخانه باید مبلغی را بابت خدماتی که هشت ماه قبل ارائه کرده دریافت کند، پرداخت همان مبلغ پس از گذشت هشت ماه دیگر، قدرت خرید سابق را برای آن داروخانه ایجاد نمی‌کند؛ بنابراین، صرف پرداخت مطالبات گذشته نیز الزاماً مشکل نقدینگی زنجیره دارو را حل نمی‌کند. وقتی داروخانه پول خود را از بیمه دریافت نمی‌کند، نمی‌تواند مطالبات شرکت‌های پخش را پرداخت کند؛ شرکت توزیع نیز به‌دلیل دریافت نکردن مطالبات خود نمی‌تواند پول تولیدکننده را بدهد و تولیدکننده نیز با کمبود نقدینگی مواجه می‌شود و در نهایت، برای تأمین مواد اولیه و دریافت ارز با مشکل روبه‌رو می‌شود.»

حجم بدهی بیمه‌ها

«هادی احمدی»، سخنگوی انجمن داروسازان ایران، نیز در گفت‌وگو با «پیام ما»، با انتقاد از تأخیر سازمان‌های بیمه‌گر و «سازمان هدفمندی یارانه‌ها» در پرداخت مطالبات داروخانه‌ها، گفت: «مجموع مطالبات داروخانه‌های کشور از این نهادها تا پایان مرداد به حدود ۷۷ هزار میلیارد تومان رسیده است. هر ماه حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان به این رقم افزوده می‌شود و ادامه این وضعیت می‌تواند کمبود نقدینگی در زنجیره تأمین دارو را تشدید کند.»

احمدی درباره وضعیت پرداخت مطالبات داروخانه‌ها اظهار کرد: «از مجموع ۷۷ همت مطالبات داروخانه‌های کشور از سازمان‌های بیمه‌گر و سازمان هدفمندی یارانه‌ها، حدود نیمی مربوط به سازمان هدفمندی و نیم دیگر مربوط به سه سازمان بیمه‌گر است. سازمان تأمین اجتماعی نیز به‌تنهایی ماهانه حدود ۳٫۵ تا چهار همت به بدهی خود به داروخانه‌های سراسر کشور اضافه می‌کند.»

پرداخت بخشی از بدهی، حل مسئله نیست

سخنگوی انجمن داروسازان ایران با اشاره به اظهارات سازمان تأمین اجتماعی درباره پرداخت بخشی از بدهی‌های خود گفت: «اینکه سازمان تأمین اجتماعی یک ماه از مطالبات را پرداخت کرده و آن را به‌عنوان تسویه بدهی مطرح کند، در حالی که چندین ماه از مطالبات همچنان پرداخت نشده، قابل‌قبول نیست. اگر بدهی ماهانه تأمین اجتماعی به داروخانه‌ها را حدود چهار همت در نظر بگیریم، این سازمان اکنون حدود ۲۸ همت به داروخانه‌ها بدهکار است؛ بنابراین، پرداخت یک ماه از بدهی نمی‌تواند به‌معنای حل مسئله مطالبات داروخانه‌ها باشد.»

او با اشاره به الزامات قانونی پرداخت مطالبات مراکز درمانی گفت: «طبق ماده ۳۸ الحاقی قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، سازمان‌های بیمه‌گر موظف هستند بخشی از مطالبات مراکز درمانی را در مهلت قانونی پرداخت کنند و ادامه تأخیر در پرداخت مطالبات، برخلاف الزامات قانونی است.»

احمدی همچنین از سازمان‌های بیمه‌گر خواست درباره علت اجرا نشدن اصلاح قرارداد داروخانه‌ها توضیح دهند و گفت: «حدود دو ماه پیش، رئیس شورای عالی بیمه و وزیر بهداشت موضوع اصلاح قرارداد داروخانه‌ها را ابلاغ کردند، اما تاکنون اقدامی برای اصلاح قراردادها و انعقاد قراردادهای جدید صورت نگرفته است. سؤال مشخص از سازمان‌های بیمه‌گر، از جمله تأمین اجتماعی، این است که چرا با وجود ابلاغ اصلاحیه قرارداد داروخانه‌ها از سوی رئیس شورای عالی بیمه، تاکنون اقدامی برای اصلاح قرارداد و بستن قراردادهای جدید با داروخانه‌ها انجام نشده است؟»

کمبود دارو، نتیجه کمبود نقدینگی

سخنگوی انجمن داروسازان ایران در ادامه، با اشاره به ارتباط مستقیم مطالبات معوق داروخانه‌ها با وضعیت بازار دارو، گفت: «یکی از دلایل کمبود برخی داروها، پرداخت نشدن مطالبات مراکز درمانی و داروخانه‌ها از سوی سازمان‌های بیمه‌گر و سازمان هدفمندی یارانه‌هاست. نقدینگی در زنجیره تأمین دارو به‌شدت کاهش پیدا کرده است و در شرایطی که داروخانه‌ها برای تهیه بخش قابل‌توجهی از داروها نیازمند پرداخت نقدی هستند، ناتوانی آن‌ها در خرید دارو می‌تواند به کمبود در سطح داروخانه‌ها منجر شود.»

احمدی تأکید کرد: «این نوع کمبود به این معنا نیست که دارو در شرکت‌های دارویی وجود ندارد؛ دارو در شرکت‌ها هست، اما داروخانه‌ها توان خرید آن را ندارند.»

او افزود: «وقتی مطالبات داروخانه‌ها به‌موقع پرداخت نشود، نقدینگی از یک حلقه زنجیره تأمین دارو خارج می‌شود و این مسئله در ادامه به سایر حلقه‌ها نیز منتقل می‌شود. در چنین شرایطی، تولیدکننده و شرکت تأمین‌کننده نیز با مشکل نقدینگی مواجه می‌شوند و در نهایت، دسترسی بیمار به دارو تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد.»

احمدی با رد اینکه بتوان تحریم یا شرایط جنگی را به‌عنوان توضیحی دائمی برای کمبود دارو مطرح کرد، گفت: «تحریم‌ها سال‌هاست وجود دارند و کشور نیز در این سال‌ها شرایط مختلفی را تجربه کرده است. نمی‌توان این موارد را مستمسکی برای شانه خالی کردن سازمان‌های بیمه‌گر و هدفمندی یارانه‌ها از مسئولیت خود قرار داد.»

او ادامه داد: «آنچه بیش از همه به وضعیت دارو آسیب می‌زند، ضعف مدیریت و تأمین نشدن نقدینگی در زنجیره دارو است. بخش مهمی از کمبودها به همین مسئله بازمی‌گردد، چراکه وقتی نقدینگی تأمین نشود، تولیدکننده نیز نمی‌تواند منابع لازم برای خرید ارز و تأمین مواد اولیه و سایر نیازهای تولید را فراهم کند.»

سخنگوی انجمن داروسازان ایران با اشاره به منابع سازمان تأمین اجتماعی گفت: «این سازمان ماهانه حدود ۲۰۰ همت از محل حق بیمه دریافت می‌کند و براساس قانون باید بخشی از این منابع را به حوزه درمان اختصاص دهد. با توجه به سهم تعیین‌شده برای درمان، رقم قابل‌توجهی از منابع تأمین اجتماعی باید صرف هزینه‌های درمانی شود که بخشی از آن مربوط به درمان مستقیم و بخشی نیز مربوط به درمان غیرمستقیم، از جمله پرداخت مطالبات داروخانه‌ها و مراکز درمانی است.»

احمدی درعین‌حال، با اشاره به بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی، گفت: «خود این سازمان اعلام کرده است که حدود ۲۰۰ همت از دولت طلب دارد و دولت بدهی خود را به تأمین اجتماعی پرداخت نمی‌کند. در عمل، داروخانه‌های بخش خصوصی در میان مطالبات متقابل دولت و سازمان تأمین اجتماعی گرفتار شده‌اند و مطالبات آن‌ها از بیمه‌ها به‌نوعی گروگان بدهی دولت به تأمین اجتماعی شده است؛ وضعیتی که هزینه آن در نهایت به بیماران تحمیل می‌شود.»

به گفته احمدی، تداوم این چرخه، علاوه بر آسیب به نقدینگی داروخانه‌ها، می‌تواند کمبودهای موجود در بازار دارو را تشدید کند و بیماران را که از یک سو با رنج بیماری مواجه‌اند، با رنج مضاعف جست‌وجوی دارو نیز روبه‌رو کند.

خبر

امدادرسانی به بیش از ۴۰۰ نفر در سیلاب شمال

| پیام ما | بارندگی شدید و جاری‌شدن سیلاب در سه استان گیلان، مازندران و گلستان، ۴۰۷ نفر را نیازمند دریافت خدمات امدادی کرد. نیروهای هلال‌احمر علاوه بر تخلیه آب از ۵۴ منزل مسکونی، ۱۶۴ نفر را اسکان دادند و ۴۵ گرفتار در سیلاب را به مناطق امن منتقل کردند.

معاون عملیات «سازمان امدادونجات جمعیت هلال‌احمر» با اعلام آخرین وضعیت امدادرسانی در مناطق سیل‌زده شمال کشور گفت: از شامگاه دوشنبه تا روز سه‌شنبه، ۴۰۷ نفر در استان‌های گلستان، گیلان و مازندران از خدمات امدادی هلال‌احمر بهره‌مند شدند.

«محمدحسین کبادی» افزود: در جریان این عملیات، امدادگران آب را از ۵۴ منزل مسکونی تخلیه کردند و برای ۱۶۴ نفر اسکان اضطراری فراهم شد. همچنین ۴۵ نفر از افرادی که در سیلاب گرفتار شده بودند، به مناطق امن انتقال یافتند.

به گفته او، نیروهای هلال‌احمر در مناطق بحرانی موفق شدند ۱۲۹ دستگاه خودرو و ۲۲۹ سرنشین آن‌ها را نجات دهند. کبادی از شهروندان استان‌های شمالی خواست از تردد در مناطق پرخطر، حضور در محیط‌های آبی و ارتفاعات و حرکت در جاده‌های در معرض خطر پرهیز کنند و هشدارهای ایمنی را جدی بگیرند.

در همین حال، بارندگی شدید در نوشهر برخی معابر شهری و روستایی را دچار آب‌گرفتگی کرد. فرماندار نوشهر میزان بارش ثبت‌شده در این شهرستان را بیش از ۱۴۴ میلی‌متر اعلام کرد و گفت با وجود شدت بارندگی، مشکل خاصی در تردد ایجاد نشده است.

«شاهرخ جهانشاهی» با اشاره به آماده‌باش دستگاه‌های عضو ستاد مدیریت بحران گفت: بارندگی شدید از شامگاه دوشنبه، ۱۶ شهریور، آغاز شد و برخی معابر را دچار آب‌گرفتگی کرد که نیروهای مسئول برای رفع آن وارد عمل شدند.

به گفته او، ورود آب به پارکینگ ساختمانی در خیابان ستارخان نوشهر نیز با استفاده از پمپ مهار و آب جمع‌شده تخلیه شد. در روستاهای صلاح‌الدین‌کلا، ونوش و پی‌کلا نیز برخی معابر دچار آب‌گرفتگی شدند.

فرماندار نوشهر اعلام کرد گزارشی از قطع برق و گاز دریافت نشده و شبکه برق شهرستان پایدار است. بااین‌حال، یکی از چشمه‌های اسپی‌او به‌دلیل کدورت و تیرگی آب، موقتاً از مدار خارج شد. سطح آب رودخانه‌های منطقه نیز افزایش یافت، اما به گفته جهانشاهی، رودخانه‌ها طغیان نکردند

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
حوزه ثبت ملک شفت

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۱۸۰۱۲۰۰۲۸۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شفت تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم افسانه آزاد فلاح فرزند نبی اله شماره شناسنامه ۴۹۵۶ صادره از تهران در ششدانگ یکبابخانه و محوطه به مساحت ۹۰۸/۷۴ متر مربع می‌باشد. به شماره پلاک ثبتی فرعی ۳۹۳ مجزی شده از پلاک ۱۹ فرعی واقع در قریه شالماء شفت سنگ اصلی ۵ بخش ۲۱ گیلان خریداری از مالکیت رسمی رضا محمدزاده گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۶/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۱۸
نعمت ذوقی - رئیس اداره ثبت‌اسناد و املاک شفت
از طرف ابوذر زرین پورحسن کیاده
شناسه آگهی:۲۲۵۹۰۸۴

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۱۰۳۵۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ابراهیم بهشتی فرزند اسمعیل به شماره شناسنامه ۱۲۱۰ صادره از رشتخوار در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۰۳/۳۰ مترمربع در قسمتی از پلاک شماره ۷۰۳ مجزی شده از ۲۱۲ فرعی از پلاک شماره ۲۲۹ اصلی واقع در اراضی بنی دهستان اربعه در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت‌حیدریه خریداری و انتقال ملک از مالک رسمی آقای رجبعلی رجبی صنوبری محرز گردیده است. لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض و یا عدم ارائه گواهی تقدیم دادخواست وفق مقررات نسبت به ادامه عملیات ثبتی و صدور سند مالکیت اقدام خواهد شد.

تاریخ انتشار:۱۴۰۵/۰۶/۱۸
سید امین موسوی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک
شناسه آگهی:۲۲۷۱۵۳۷ م الف:۴۰۵۶۲۸

نوبت اول

سازمان ثبت‌اسناد املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک محلات

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۱۳۶۴ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۰۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی امیرعباس امیری خورهه فرزند علی شماره شناسنامه ۰۵۶۰۱۱۱۱۴۱۱ به کد ملی ۰۵۶۱۱۱۱۴۱۱ بعنوان مالک ششدانگ یک واحد دامداری به مساحت ۱۳۰۰/۷۶ متر مربع پلاک ثبتی ۵۳۲ فرعی از ۴۲۷۵ اصلی واقع در روستای خورهه (قولنامه عادی از علی امیری خورهه) واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۶/۱۸ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۷/۰۲
علی صالحی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک محلات
شناسه آگهی:۲۲۷۱۷۳۱

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک دلیجان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۴۰۰۲۱۸۴ و ۲۱۸۱ و ۲۱۸۲ و ۲۱۸۳-۱۴۰۵/۰۳/۱۸ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دلیجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقایان ابراهیم و اسماعیل و محمد رفیعی فرزندان غلامعلی هرکدام نسبت به ۳۹۷ مترمربع مشاع از ۲۳۸۲/۶۷ مترمربع ورضا رفیعی فرزند حیدر نسبت به ۷۹۴ مترمربع مشاع از ۲۳۸۲/۶۷ مترمربع در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۵۶ فرعی از ۴۱۹۷ اصلی واقع در مزرعه جرجبش دلیجان تقسیم‌نامه وراث غلامعلی رفیعی مالک رسمی آقای حسن رفیعی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۶/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۱۸
غلامحسن فدایی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک دلیجان
شناسه آگهی:۲۲۵۸۸۵۷

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک دلیجان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۴۰۰۲۵۱۲ - ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دلیجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس ابراهیمی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۵۱۳۱ صادره دلیجان در ششدانگ یک باب انباری به مساحت ۲۴۸/۵۰ مترمربع پلاک ۴۲۰۱ اصلی واقع در آذرآباد دلیجان خریداری از وراث مرحوم غلامعلی ابراهیمی مالک رسمی آقای غلامعلی ابراهیمی

۲- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۴۰۰۲۵۱۴ - ۱۴۰۵/۰۳/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دلیجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس ابراهیمی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۵۱۳۱ صادره دلیجان در ششدانگ یک باب انباری به مساحت ۲۱۲ مترمربع پلاک ۴۲۰۱ اصلی واقع در آذرآباد دلیجان خریداری از وراث مرحوم غلامعلی ابراهیمی مالک رسمی آقای غلامعلی ابراهیمی

۳- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۴۰۰۲۵۱۰ -۱۴۰۵/۰۳/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دلیجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباس ابراهیمی فرزند غلامعلی بشماره شناسنامه ۵۱۳۱ صادره دلیجان در ششدانگ یک باب انباری به مساحت ۲۶۴/۵۰ متر مربع پلاک ۴۲۰۱ اصلی واقع در آذرآباد دلیجان خریداری از وراث مرحوم غلامعلی ابراهیمی مالک رسمی آقای غلامعلی ابراهیمی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۶/۰۳
تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۱۸
غلامحسن فدایی
رئیس ثبت‌اسناد و املاک دلیجان
شناسه آگهی:۲۲۵۸۸۹۳

نوبت دوم

سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک دلیجان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۴۰۰۲۲۱۳ - ۱۴۰۵/۰۳/۱۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سندرسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک دلیجان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محسن جوادی‌پور فرزند علی بشماره شناسنامه ۴۲۰۵ صادره قم در ششدانگ یکباب باغ مساحت ۱۸۱۹/۰۱ مترمربع پلاک ۴۱۹۸ اصلی در مزرعه الوند دلیجان خریداری از سید عباس جلالی مالک رسمی آقای سید عبداله جلالی رسمی محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۶/۰۳ - تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۶/۱۸
غلامحسن فدایی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک دلیجان
شناسه آگهی:۲۲۵۸۸۷۲

تهران هنوز کودکان را دوست ندارد

یک عضو تیم تدوین «سند الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک»: ماهیت توسعه افسارگسیخته تهران و نبود باور به اولویت‌داشتن کودک باعث شده است رویکرد شهر دوستدار کودک، دست‌کم در تهران، به‌راحتی اجراشدنی نباشد

| ایرنا |

تهران بیشتر از بچه‌ها، خودروهایش را دوست دارد. بیشتر از پارک و زمین بازی به فکر اتوبان و خیابان است و بیشتر از کالسکه و دوچرخه، به موتورسیکلت‌هایش توجه دارد. شاهد این گزاره‌ها کودکانی هستند که در فصل فراغت از مدرسه می‌خواهند در شهر وقت‌گذرانی کنند، اما نمی‌توانند. بیش از یک‌ونیم میلیون کودک و نوجوان زیر ۱۵ سال، براساس گزارشی که بازوی مطالعاتی مدیریت شهری منتشر کرده است، «شهروندان نامرئی» هستند و حتی ساختاری مانند «شهر دوستدار کودک»، با مصوبات و ابلاغیه‌های نهادهای بالادستی، نتوانسته است آن‌ها را در نظام برنامه‌ریزی شهری، شهروند کامل به حساب بیاورد.

| سوگل دانائی |
| روزنامه‌نگار |

مفهوم شهرهای دوستدار کودک که نخستین‌بار «یونیسف» آن را ایجاد کرد، حالا ۳۰ ساله است. این ابتکار شهرها را تشویق می‌کند تا برای بهبود زندگی کودکان تلاش کنند. از اصول بنیادین شهرهای دوستدار کودک می‌توان به عدم تبعیض میان کودکان، حق حیات، بقا و رشد، حق مشارکت و قرار دادن منافع کودکان به‌عنوان یک ملاحظه اصلی در تصمیمات و سیاست‌های شهری اشاره کرد. در ایران، نخستین تلاش‌ها برای ایجاد شهر دوستدار کودک متعلق به دهه ۸۰ بود. فعالان شهری در شهر اوز استان فارس، بدون مصوبه و لایحه و دستور، به فکر ایجاد فضاهای امن برای حضور کودکان در شهر افتادند. آن‌ها با دست خالی، فضای سبز را گسترش دادند، زمین ورزش و رمپ ایجاد کردند و حتی آموزش پیمان‌نامه حقوق کودک را هم ترویج کردند. بعد از اوز، در چند سال اخیر، شهرهای دیگری هم به‌عنوان پایلوت شهر دوستدار کودک انتخاب شدند. سال ۹۷، اما نقطه عطفی برای کسانی بود که می‌خواستند برای کودکان فعالیت کنند. «سازمان دهیاری‌ها و شهرداری‌های وزارت کشور»، آیین‌نامه اجرایی شهرهای دوستدار کودک را ابلاغ کرد. البته پیش از آن، در شهرهایی مانند تهران، آیین‌نامه اجرایی شهر دوستدار کودک تصویب شده بود. سرانجام در سال ۱۴۰۰، اتفاق ویژه‌تری برای کودکان در شهر افتاد: «شورای‌عالی شهرسازی و معماری» الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک را تصویب کرد؛ مصوبه‌ای که بر حضور همه کودکان در همه فضاهای عمومی شهرها تأکید داشت، از ایجاد محیطی ایمن و شاد برای بازی و پرورش خلاقیت کودکان نام برده بود و اصرار داشت که باید زیرساخت‌های فنی و عمرانی برای حضور کودکان در شهر ایجاد شود. این مصوبه در آن دوره، بسیاری از فعالان حوزه کودک را خرسند و به آینده کودکان در شهرها امیدوار کرد. اما این مصوبه‌ها، الزامات و آیین‌نامه‌ها تا چه اندازه شهری مانند تهران را دوستدار جمعیت یک‌ونیم میلیون کودک و نوجوان زیر ۱۵ سالش کرده است؟

مطالعات تازه چه می‌گویند؟

«به‌سوی تهران دوستدار کودک؛ تحلیل جامعه‌شناختی، تجارب جهانی و نقشه راه سیاستی» عنوان پژوهش تازه‌ای از «مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران» است که به‌تازگی منتشر شده و سنجیده است که آیا چراغ شهرهای دوستدار کودک در ایران خاموش است یا روشن؟ نویسندگان پژوهش استدلال می‌کنند که مسئله کودک در شهر، نه موضوعی حاشیه‌ای، بلکه شاخصی کلیدی برای سنجش سلامت، عدالت و پایداری کل نظام شهری است.

کالبد تهران خصمانه است. این پژوهش تأکید دارد: «تهران در کلیت خود برای یک شهروند بزرگسال، مذکر، دارای خودروی شخصی با توانایی جسمی کامل طراحی شده است. این طراحی به‌طور سیستماتیک نیازهای گروه‌های دیگر، به‌ویژه کودکان، را نادیده می‌گیرد و محیطی خصمانه برای رشد و حرکت مستقل آن‌ها ایجاد می‌کند.» در قسمت آسیب‌شناسی وضعیت کودکان در شهر تهران، نویسندگان از معابر شهری‌ای می‌گویند که قلمرو خودرو است: «خیابان‌های اصلی و فرعی عمدتاً در تسخیر کامل خودرو هستند و پیاده‌روها که باید امن‌ترین مسیر حرکت کودک باشند، ناپیوسته، باریک و دارای موانعی مانند تیر برق، کیوسک و موتورسیکلت‌های پارک‌شده‌اند.» این مطالعه تأکید دارد کف‌سازی نامناسب نیز حرکت کودک یا کالسکه را دشوار می‌کند. نتیجه آن است که حتی خانواده‌ها برای مسیرهای کوتاه به استفاده از خودرو سوق پیدا می‌کنند. تهران همچنین از شبکه گسترده و ایمن دوچرخه‌سواری و آرام‌سازی ترافیک در مقیاس محله بی‌بهره است.

پارک‌ها بی‌روح‌اند

سرانه فضای سبز پایتخت، آن‌طور که این پژوهش نتیجه گرفته، قابل‌قبول است؛ اما کیفیت و کارایی این فضاها برای کودکان جای فکر دارد. در این مطالعه آمده است: «پارک‌های شهری تهران اغلب از یک الگوی تکراری پیروی می‌کنند: فضای سبز وسیع و تزئینی که عمدتاً برای «تماشا کردن» است، نه «تعامل کردن» و یک یا چند «زمین بازی» محصور و جداشده. این تفکیک شدید، بازی را از بطن فضای پارک جدا می‌کند و مانع از تعامل کودکان با عناصر طبیعی می‌شود. طراحی بسیاری از پارک‌ها فاقد خلاقیت و تنوع است و فضاهایی برای فعالیت‌های مختلف کودکان در سنین گوناگون، از نوپا تا نوجوان، پیش‌بینی نکرده است. کمبود فضاهای دنج و آرام، مکان‌هایی برای بازی‌های گروهی بزرگ و عناصری که تخیل را برانگیزند، مانند تپه‌های کوچک، مسیرهای آبی کم‌عمق یا سازه‌های طبیعی، از دیگر نقاط ضعف این فضاهاست.»

همان‌طور که کیفیت و کارایی فضای سبز برای کودکان جای سؤال داشت، کیفیت زمین‌های بازی هم نیازمند بررسی است. نویسندگان این مطالعه بیش از ۱۰۰ صفحه‌ای می‌گویند: «زمین‌های بازی کودکان در پارک‌های تهران، به‌عنوان اصلی‌ترین فضای تخصیص‌یافته به آن‌ها، خود دچار آسیب‌های جدی هستند.» نخستین آسیب، غلبه تجهیزات استاندارد، پلاستیکی و وارداتی است که در تمام پارک‌ها به شکلی تکراری نصب شده‌اند. این تجهیزات، اگرچه ممکن است استانداردهای اولیه ایمنی را رعایت کنند، فاقد ارزش‌های رشدی و خلاقانه هستند و بازی را به چند حرکت فیزیکی محدود و قابل‌پیش‌بینی تقلیل می‌دهند. در وهله دوم، به نظر می‌رسد که بر ایمنی به شکلی نادرست و افراطی تمرکز شده است. استفاده گسترده از کف‌پوش‌های پلاستیکی (تاتامی) و حذف هرگونه عنصر طبیعی یا چالشی، مفهوم «ریسک مفید» را که برای رشد کودکان ضروری است، نادیده می‌گیرد. این رویکرد به‌جای توانمندسازی کودک برای مواجهه با چالش، او را در محیطی استریل و محافظت‌شده قرار می‌دهد.

پیش‌تر هم پژوهشی با عنوان «طراحی منظر برای کودکان: ارتقای کیفیت فضای بازی کودکان در شهر»، با بررسی کیفیت فضاهای بازی کودکان در پارک‌های «لاله»، «گفت‌وگو»، «قیطریه»، «نیاوران»، «ملت» و «ساعی»، نشان داده بود که بسیاری از زمین‌های بازی پایتخت با نیازهای رشدی کودکان فاصله دارند. کمبود تنوع در تجهیزات، ضعف ارتباط با طبیعت، محدود بودن امکانات بازی‌های گروهی، مشکلات ایمنی و کیفیت پایین طراحی فضایی از مهم‌ترین چالش‌های این فضاهاست.

فاصله گفتار و عمل

سؤال اینجاست که چرا با وجود قوانین بالادستی، تهران هنوز دارای ضعف‌های ساختاری برای کودکان است. مطالعه تازه مرکز مطالعات شهرداری تهران تأکید کرده است که گفتمان شهر دوستدار کودک، اگرچه وارد ادبیات شهری شده، هنوز به تغییرات ساختاری و الزام‌آور در فرایندهای شهرسازی منجر نشده است. برای مثال، پژوهشگران استدلال کرده‌اند که در طرح جامع و تفصیلی نیز کودکان به‌صورت سیستماتیک، گروهی کاربری با نیازهای خاص تلقی نشده‌اند. ضوابط بیشتر بر سرانه‌های کمی تمرکز دارند تا کیفیت محیط از منظر کودک. برای مثال، الزام مشخصی برای فضای بازی ایمن و خلاق در مجتمع‌های مسکونی یا معیارهای کودک‌محور برای پیاده‌رو، کالسکه و ایمنی تقاطع‌ها وجود ندارد. مشکل دیگر، از نگاه این مطالعه، جزیره‌ای عمل‌کردن نهادهاست: «سازمان بوستان‌ها» ممکن است زمین بازی بسازد، اما معاونت حمل‌ونقل مسیر ایمن رسیدن کودک به آن را فراهم نکند؛ معاونت اجتماعی برای کودک برنامه فرهنگی اجرا کند، اما نیاز کودک در مبلمان شهری سازمان زیباسازی لحاظ نشود. یعنی برخلاف شهرهای موفق جهان که حمل‌ونقل، فضای سبز، آموزش، پلیس و جامعه مدنی در قالب یک استراتژی واحد عمل می‌کنند، تهران این هماهنگی‌های نهادی را ندارد.

کنشگران شهری و فعالان حقوق کودک چه می‌گویند؟

برخی از فعالان شهری و حوزه کودک هم با استدلال‌های این مطالعه درباره اینکه چرا تهران دوستدار کودک نشد، موافق‌اند. برای مثال، «مهرناز عطاران»، عضو تیم تدوین سند الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک که این روزها سرپرست معاونت دفتر ستاد ملی بازآفرینی شهری شرکت بازآفرینی شهری ایران نیز هست، به «پیام ما» می‌گوید اساساً تبدیل تهران به شهر دوستدار کودک، به دلیل ماهیت کلان‌شهری آن، دشوار است: «هرچقدر شهرها کوچک‌تر باشند یا حتی در روستاها این موضوع مطرح باشد، امکان دوستدار کودک شدن بیشتر است. ماهیت توسعه افسارگسیخته‌ای که تهران دارد و نبود باور و اولویت برای کودک باعث می‌شود که این رویکرد، حداقل در تهران، به‌راحتی قابل‌پیاده‌سازی نباشد. چه‌بسا همین اکنون نیز می‌بینیم که این مصوبه شورای‌عالی، برای مثال، در شهرهای کوچک بهتر از کلان‌شهرها اجرا شده است.»

او در ادامه از فردمحور بودن اجرای مصوبات این‌چنینی در شهرها می‌گوید و تأکید می‌کند: «در آنجا نیز حتماً فردی حضور داشته است که دغدغه کودک را داشته است. من فکر می‌کنم متأسفانه این موضوع بسیار قائم به فرد است، زیرا هیچ سیستم نظارتی و الزامی برای اجرا وجود ندارد.» از نگاه او، دوستدار کودک شدن به بودجه هم نیاز ندارد: «دوستدار کودک کردن شهر واقعاً به بودجه‌ای نیاز ندارد که بگوییم، برای مثال، بودجه آن وجود ندارد و امکان اجرای آن فراهم نیست. امکان اجرای آن وجود دارد، اما باور به آن وجود ندارد. اگر این باور وجود داشته باشد، می‌توان اتفاقات زیادی را رقم زد. هرچند همان‌طور که گفتم، این کار در تهران بسیار دشوار است و هرچقدر شهرها کوچک‌تر باشند، اجرای آن راحت‌تر است.»

«کریم آسایش»، کنشگر شهری و عضو تیم تدوین سند الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک، هم اعتقاد دارد که مسئله کودکان به امری مجزا از برنامه‌ریزی و سیاست شهری تبدیل شده است: «موضوع کودک به رویداد کودک و بازی تقلیل یافته است. الزاماتی که در اسناد شهر دوستدار کودک وجود دارد، نادیده گرفته می‌شود. برای مثال، براساس ماده ۹ سند الزامات و ضوابط عام شهر دوستدار کودک، یک چک‌لیست وجود دارد که همه طرح‌های شهری باید از سوی انجمن حوزه کودک محلی یا در موارد ملی، از انجمن‌های ملی مربوط تأیید بگیرند؛ اما یک مورد از اجرای آن وجود ندارد، چون جایگاهی برای پاسخ‌گو کردن در این زمینه وجود ندارد و اعتقاد نهادی هم در این زمینه نیست.»

او معتقد است که پایتخت در مسیر دوستدار کودک هم نیست: «چون شهر دوستدار کودک دو بال دارد؛ یکی تجسم فضایی ـ کالبدی کنوانسیون حقوق کودک و دیگری مشارکت کودکان و نوجوانان برای شکل‌دادن به شهر. اما حتی در سطح «مناسب‌سازی شهر برای کودک» هم نیستیم؛ یعنی نه‌تنها با کودک و از طریق کودک نیستیم، بلکه برای کودک هم نیستیم و «شهر دوستدار کودک» به فعالیت‌هایی دکوری تنزل یافته است.»

به اعتقاد او، دلیل این مسئله، رویکرد و نبود اعتقاد به شهر انسان‌محور، پاسخ‌گو و حساس به نیازهای اجتماعی در کل است که در حوزه کودک تشدید شده است: «چون کودکان نسبت به گروه‌های اجتماعی دیگر، صدا و قدرت کمتری دارند و اصولاً عاملیت آن‌ها دیده نمی‌شود؛ درحالی‌که جنبش‌های اجتماعی سال‌های اخیر نقش‌آفرینی نوجوانان را نشان داد و مطالعات شهری هم نشان می‌دهند در تجربه‌های مشارکت محلی و شهری، دو گروه دارای بیشترین نقش هستند: زنان خانه‌دار و نوجوانان.»

این گزارش ۱۰۹ صفحه‌ای در قسمت نقشه راه و سیاست‌گذاری نتیجه گرفته است که موفقیت بلندمدت طرح شهر دوستدار کودک در تهران نیازمند تغییر پارادایم است: «یک گذار پارادایمی از رویکرد تأمین خدمات به رویکرد توانمندسازی.» در این مدل، شهرداری باید از یک مجری مستقیم به یک تسهیلگر و حامی تبدیل شود که منابع و دانش فنی را در اختیار جامعه محلی قرار می‌دهد تا راه‌حل‌های خلاقانه محلی آفریده شوند. در غیر این صورت، احتمالاً دستور و ابلاغ نمی‌تواند تهران را مجبور کند تا کودکانش را از خودروهایش بیشتر دوست داشته باشد!

مهرناز عطاران: هرچقدر شهرها کوچک‌تر باشند یا حتی در روستاها این موضوع مطرح باشد امکان دوستدار کودک شدن بیشتر است ماهیت توسعه افسارگسیخته‌ای که تهران دارد و نبود باور و اولویت برای کودک باعث می‌شود که این رویکرد حداقل در تهران به‌راحتی قابل‌پیاده‌سازی نباشد. چه‌بسا همین اکنون نیز می‌بینیم که این مصوبه شورای‌عالی برای مثال، در شهرهای کوچک بهتر از کلان‌شهرها اجرا شده است

پژوهش «طراحی منظر برای کودکان: ارتقای کیفیت فضای بازی کودکان در شهر» با بررسی فضاهای بازی شش پارک لاله، گفت‌وگو قیطریه، نیاوران، ملت و ساعی نشان داده است که بسیاری از زمین‌های بازی پایتخت با نیازهای رشدی کودکان فاصله دارند

| خبر |

آخرین وضعیت ساخت پناهگاه‌ها در تهران

| پیام ما | رئیس شورای شهر تهران گفت: برای هر جایی که پناهگاه تعریف می‌شود، تابلوی اعلام آماده خواهد شد؛ مردم باید عادت کنند تا در بحران یا شرایط سخت، به‌دنبال پیدا کردن تابلو نروند.

«مهدی چمران» در جلسه دیروز (سه‌شنبه) شورای شهر تهران، با اشاره به دستورهای جلسه اظهار کرد: گزارش حسابرس رسمی شورای شهر تهران درباره «سازمان نوسازی شهر تهران»، «سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران»، «شرکت کنترل ترافیک شهرداری تهران» و «شرکت خاکریزآب» برای سال مالی ۱۴۰۴ بررسی و گزارش کمیسیون اصلی برنامه و بودجه قرائت می‌شود.

او با اشاره به رایگان ماندن مترو و بی‌آرتی گفت: «در جلسه آینده درباره این وضعیت تصمیم‌گیری می‌شود؛ تا وقتی مصوبه جدید اعلام نشود، رایگان ماندن مترو ادامه دارد.»

تابلوهای پناهگاه کجا جانمایی می‌شوند؟

چمران با اشاره به جانمایی تابلوهای پناهگاه در مقابل ایستگاه‌های مترو مطرح کرد: «هر جایی که به‌عنوان پناهگاه عمومی مورد استفاده باشد، این تابلوها جانمایی می‌شوند. مردم باید عادت کنند تا در بحران یا شرایط سخت، به‌دنبال پیدا کردن تابلو نروند. برای جایی که پناهگاه تعریف می‌شود، تابلو آماده خواهد شد. ما در مسیر آماده کردن مترو قرار داریم و فعلاً به‌خاطر استفاده از داشته‌های موجودمان، تابلو قرار داده‌ایم.»

رئیس شورای شهر تهران درباره آخرین وضعیت ورود ناوگان جدید حمل‌ونقل از چین به کشور بیان کرد: «در مورد مترو اتفاقی رخ نداده است. می‌دانید واگن‌ها را سوار کشتی هم کردند، اما به‌خاطر جنگ متوقف شد. هنوز در حال پیگیری آن هستیم؛ ما اصرار داریم نوسازی ناوگان ادامه پیدا کند. در مورد اتوبوس، آن‌گونه که دلم می‌خواست نبود؛ آمار نوسازی سال جدید را ندادند و باید گزارشی در این خصوص به شورا ارائه شود.»

او با اشاره به تغییر ساعت کاری در پاییز گفت: «تعداد زیادی دانش‌آموز و دانشجو از مهرماه وارد شهر می‌شوند و کار سخت‌تری خواهیم داشت. ساعت کار در اختیار استانداری است، اما احتمالاً تغییر می‌کند.»

چمران در پاسخ به این سؤال که چرا ساعت کاری شهرداری با دستگاه‌های دیگر هماهنگ نیست، مطرح کرد: «بیشتر کار شهرداری خدماتی است و شاید نتواند با دستگاه‌ها هماهنگ باشد. این مسئله در اختیار خود شهرداری است. در شورا سعی کردیم با دولت هماهنگ باشیم، اما ساعت بعدازظهر را افزایش دادیم تا با ساعات خدماتی هم هماهنگ شویم. مجلس هم بعدازظهرها مجبور می‌شود جلسه بگذارد.»

رئیس شورای شهر تهران همچنین درباره ساخت ۱۴۰۰ واحد مسکونی «فراجا» بدون مجوز در حریم منطقه ۲۲ گفت: «این ساخت‌وسازهای غیرمجاز از سوی این نهاد، مختص منطقه ۲۲ نیست و در مناطق دیگر هم وجود داشته است؛ هم حضوری و هم غیرحضوری به‌شدت اعتراض کرده‌ایم. این کار گسترش بی‌قانونی است. از ابتدا به آن‌ها اعلام شد اینجا ساخته نشود و وعده‌هایی داده شد، اما عمل نکردند.»

نوبت دوم
شناسه آگهی: ۲۲۷۰۷۹۶

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای یکپارچه

شرکت ملی گاز ایران
شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی پالایشگاه هفتم در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله ای یکپارچه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۵۰۹۶۶۸۳۰۰۰۰۲۸
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای ۰۵ / ۱۴۰۵ مناقصه شماره ۰۴۴۷۰۰۴
موضوع مناقصه / شرح مختصر اقلام درخواستی	STUD BOLT
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۷/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران و مطابق شرایط مندرج در سامانه ستاد می باشد که می‌بایست قبل از تاریخ گشایش پاکتها به صورت فیزیکی تسلیم خریدار و در سامانه نیز بارگذاری گردد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه در سامانه ستاد	۵ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می باشد.
آخرین مهلت بارگذاری پاکات الف،ب،ج و مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می باشد.
آدرس مناقصه گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه-شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی-پالایشگاه هفتم-اداره تدارکات و عملیات کالا

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می پذیرد و به پیشنهاد های خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.
مناقصه گران می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۱۴۵۵-۰۷۷۳۱۳۱۱۴۶۷ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

آگهی مناقصه عمومی
شماره: ۱۴۰۵/۱۵/ ع

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر
GOLGOHAR MINING & INDUSTRIAL COMPANY

شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر (سهامی عام) در نظر دارد" اندازه‌گیری عوامل زیان‌آور محیط کار" مجتمع خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و دارای مجوز سطح ۲ یا ۳ شرکت‌های اندازه‌گیری از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واگذار نماید.

لذا متقاضیان می‌توانند جهت اخذ اسناد مناقصه به وب‌سایت این شرکت به نشانی WWW.GEG.IR بخش مناقصه و مزایده مراجعه نموده و اسناد مذکور را به همراه فرم پرسشنامه ارزیابی تامین کنندگان دانلود نمایند. آخرین مهلت تحویل پاکات ساعت ۱۳:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۹ در محل دفتر کمیسیون معاملات مجتمع و یا دبیرخانه دفتر تهران به آدرس: سعادت‌آباد، خیابان علامه شمالی، کوچه شماره ۱۶ غربی (کوروش)، پلاک ۴۸، طبقه ۴ می‌باشد.

شایان‌ذکر است فرمت ضمانت‌نامه‌های شرکت در مناقصه بایستی عیناً مطابق با فرمت ارائه شده در اسناد مناقصه تهیه گردد. شرکت معدنی و صنعتی گل‌گهر در قبول یارد هر یک از پیشنهادات بدون نیاز به ذکر دلیل و بدون جبران خسارت مختار می‌باشد.

کمیسیون معاملات شرکت معدنی و صنعتی گل گهر

پرونده‌ای درباره دوچرخه‌اشتراکی، حمل‌ونقل فعال و شهری که هنوز برای حرکت بدون خودرو آماده نیست

تهـــران، شهر بدون رکاب

پژوهشگر شهرسازی و مدرس دانشگاه: دوچرخه‌اشتراکی زمانی می‌تواند بخشی از نظام حمل‌ونقل و ابزاری برای تحقق حق به شهر باشد که دسترسی به آن برای همه شهروندان در محله‌های مختلف و با توان اقتصادی متفاوت امکان‌پذیر باشد

| مهدی گوهری |
| روزنامه‌نگار |

تهران شهری است که بخش بزرگی از وقت و انرژی شهروندانش در ترافیک و جابه‌جایی‌های روزانه هدر می‌رود؛ شهری که آلودگی هوا، خودرومحوری و دشواری دسترسی به حمل‌ونقل عمومی، انتخاب‌های شهروندان برای حرکت در آن را محدود کرده است. در چنین شرایطی، دوچرخه‌اشتراکی می‌تواند چیزی فراتر از چند دوچرخه و ایستگاه در خیابان‌های شهر باشد؛ حلقه‌ای میان حمل‌ونقل عمومی و مقصد نهایی، فرصتی برای گسترش حمل‌ونقل فعال و حتی ابزاری برای دسترسی عادلانه‌تر به فرصت‌های شهری.

اما مسئله فقط «داشتن دوچرخه‌اشتراکی» نیست. تجربه‌ها و پژوهش‌های بررسی‌شده نشان می‌دهند که بدون زیرساخت ایمن و پیوسته، قیمت قابل‌پرداخت، توزیع عادلانه در محله‌های مختلف و توجه به نیاز گروه‌های گوناگون، این طرح نمی‌تواند به تحرک عادلانه و تحقق حق به شهر منجر شود. از سوی دیگر، توسعه دوچرخه‌سواری با سلامت جسم و روان، کاهش وابستگی به خودرو و افزایش تعامل شهروندان با فضای شهری نیز پیوند دارد.

در این پرونده، با همین نگاه به سراغ استادان و دانشجویان شهرسازی رفته‌ایم تا از زوایای مختلف بپرسیم دوچرخه‌اشتراکی چه جایگاهی در آینده شهرهای ایران دارد و تهران برای تحقق آن چه کم دارد؟

| یادداشت |

دوچرخه‌اشتراکی؛ حق دسترسی عادلانه به فرصت‌های شهری

| پویا امین‌لاری |
| پژوهشگر شهرسازی و مدرس دانشگاه |

امروزه بخش قابل‌توجهی از سفرهای روزانه در فاصله‌هایی انجام می‌شود که نه آن‌قدر طولانی‌اند که استفاده از خودرو به‌صرفه باشد و نه آن‌قدر کوتاه که بتوان آن‌ها را به‌راحتی پیاده پیمود. از سوی دیگر، فاصله برخی مبدأها و مقصدها از ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی نیز گاهی استفاده از این شبکه را دشوار یا توجیه‌ناپذیر می‌کند. یکی از راهکارهای قابل‌توجه و مؤثر برای پرکردن این خلأ در محیط‌های شهری، دوچرخه‌اشتراکی است؛ شبکه‌ای از دوچرخه‌ها که شهروندان می‌توانند بدون مالکیت شخصی، برای سفرهای کوتاه شهری و معمولاً از طریق ایستگاه یا اپلیکیشن در اختیار بگیرند و پس از پایان سفر تحویل دهند. به‌این‌ترتیب، دوچرخه‌اشتراکی نه‌صرفاً شیوه‌ای برای جابه‌جایی، بلکه بخشی از نظام حمل‌ونقل شهری و حلقه‌ای میان مبدأ، مقصد و شبکه حمل‌ونقل عمومی است.

لازم به ذکر است سیستم دوچرخه‌اشتراکی با مدل سنتی اجاره دوچرخه تفاوت دارد. در مدل سنتی، کاربر یک دوچرخه مشخص را برای مدتی معین از یک مرکز اجاره، با ارائه ضمانت، تحویل می‌گیرد و معمولاً به همان‌جا بازمی‌گرداند. این روش عموماً محدودیت زمانی نیز دارد؛ اما در سیستم دوچرخه‌اشتراکی، آنچه در اختیار کاربر قرار می‌گیرد، دسترسی به شبکه‌ای از دوچرخه‌هاست. کاربر می‌تواند دوچرخه را از یکی از نقاط شبکه بردارد و آن را در نقطه‌ای دیگر تحویل دهد.

ایده دوچرخه‌اشتراکی نخستین‌بار در سال ۱۹۶۵ در آمستردام هلند، با نام «طرح دوچرخه‌های سفید» اجرا شد. در این طرح، تعدادی دوچرخه را به رنگ سفید درآوردند و بدون قفل در سطح شهر قرار دادند تا هر شهروندی بتواند برای سفرهای کوتاه از آن‌ها استفاده کند و سپس آن‌ها را در اختیار نفر بعدی بگذارد. این، درواقع، نخستین نسل دوچرخه‌اشتراکی بود؛ رایگان، بدون ثبت کاربر و بدون زیرساخت کنترلی. در نسل بعد، ایجاد ایستگاه‌های مشخص و دریافت ودیعه، سازوکار کنترل دوچرخه‌ها را تقویت کرد. پس‌ازآن، با ورود فناوری و کارت‌های مغناطیسی، امکان شناسایی کاربر و پرداخت براساس زمان استفاده فراهم شد. ورود اینترنت، جی‌پی‌اس و گوشی‌های هوشمند نیز امکان ثبت لحظه‌ای اطلاعات سفر و کاربر را به سیستم افزود. به‌این‌ترتیب، نسل چهارم دوچرخه‌های اشتراکی بدون نیاز به ایستگاه و متصدی در اختیار کاربران قرار گرفت. دوچرخه‌اشتراکی در تکمیل شبکه حمل‌ونقل عمومی می‌تواند به کاهش وابستگی به خودرو، انعطاف‌پذیری بیشتر و استفاده بهتر از فضای شهر و خیابان کمک کند. از نظر اقتصادی نیز برای شهروندان جذاب است؛ زیرا آن‌ها بدون نیاز به خرید دوچرخه و نگرانی بابت جای پارک، سرقت یا هزینه نگهداری می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. اما در مقابل، این نگرانی‌ها برای شرکت‌های تأمین‌کننده و راه‌انداز دوچرخه‌اشتراکی پابرجاست؛ مواردی نظیر سرقت، تصادف، مدیریت هزینه‌های نگهداری، تعمیر و راه‌اندازی، اتصال دائمی اپلیکیشن و شارژ باتری‌ها. دغدغه مهم دیگر شرکت‌های مذکور و مدیران شهری، عدالت فضایی در محدوده پوشش، توزیع متعادل ناوگان و جابه‌جایی دوچرخه‌ها برای ایجاد تناسب میان تعداد دوچرخه‌های موردنیاز در نقاط مختلف شهر و ساعات شبانه‌روز است. درعین‌حال، باید توجه داشت که دوچرخه‌اشتراکی زمانی می‌تواند جایگزین بخشی از سفرهای خودرویی شود که مسیر و زیرساخت مناسب و ایمن وجود داشته باشد. اگر خیابان برای دوچرخه ناایمن باشد، وجود هزاران دوچرخه‌اشتراکی الزاماً تقاضا ایجاد نمی‌کند. گرچه نمی‌توان دسترسی به دوچرخه‌اشتراکی را به‌خودی‌خود حقی مستقل و الزامی دانست، اما می‌توان آن را یکی از ابزارهای تحقق «حق به تحرک» در چارچوب رویکردهای متأخر «حق به شهر» دانست تا به عدالت حمل‌ونقلی در شهر کمک کند. حق تحرک صرفاً ابزاری برای رسیدن به شهر نیست، بلکه به‌دلیل فراهم‌کردن امکان حرکت، استفاده و حتی مشارکت در تولید فضای شهری، بخشی از حق به شهر محسوب می‌شود. بنابراین، شبکه دوچرخه‌اشتراکی می‌تواند حق استفاده از شهر، تجربه آزادانه و عادلانه آن و مشارکت در شکل‌دهی به زندگی شهری را تقویت کند.

بنابراین، موضوع صرفاً این نیست که شهروند بتواند یک دوچرخه اجاره کند؛ بلکه مسئله این است که آیا این امکان واقعاً به او اجازه می‌دهد به فرصت‌های شهری ـ خدمات، فضاهای عمومی و حمل‌ونقل عمومی ـ دسترسی پیدا کند یا نه. اگر ایستگاه‌ها و دوچرخه‌ها عمدتاً در مناطق مرکزی و برخوردار متمرکز باشند، با وجود اینکه سیستم تعداد زیادی سفر ایجاد می‌کند، لزوماً عدالت شهری را فراهم نکرده است. شهر عادلانه نباید شهروند را به‌دلیل درآمد، محل سکونت، جنسیت، سن یا توانایی جسمی مجبور کند برای هر سفر شهری از خودروی شخصی استفاده کند. در ادبیات جدید عدالت در حمل‌ونقل، دوچرخه‌اشتراکی یکی از ابزارهای گسترش حق انتخاب در شهر است؛ مشروط بر اینکه خود به خدمتی انحصاری برای گروه‌های جوان، برخوردار، دارای گوشی هوشمند و ساکن مناطق مرکزی تبدیل نشود؛ گروه‌هایی که از پیش نیز دسترسی حمل‌ونقلی خوبی داشته‌اند. اینجاست که بحث دسترسی عادلانه به این شبکه و کیفیت زیرساخت‌های شهری اهمیت دوچندان پیدا می‌کند و باید به معیارهای سیاست‌گذاری تبدیل شود تا به پرسش‌هایی از این دست پاسخ درخور داده شود: آیا توزیع و تعداد دوچرخه‌ها و ایستگاه‌ها در همه مناطق، عادلانه و متناسب با جمعیت پیش‌بینی شده است؟ آیا محله‌های غیررسمی و حاشیه‌ای نیز سهمی از این زیرساخت دارند؟ آیا قیمت برای همه گروه‌های درآمدی قابل‌پرداخت است؟ آیا افراد فاقد گوشی هوشمند یا ابزار پرداخت الکترونیکی می‌توانند از آن استفاده کنند؟ آیا برای استفاده کودکان، زنان، سالمندان و افراد دارای معلولیت، امکان یا طراحی ویژه‌ای در نظر گرفته شده است؟

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

| یادداشت |

سلامت جسم و پایداری اقتصادی با ایفای کامل نقش مدیریت شهری

| دل‌آرا صادقی |
| کارشناس شهرسازی، دانشگاه تهران |

براساس گزارش‌ها، بیماری‌های تنفسی و قلبی‌وعروقی در ایران به دلایل مختلفی از جمله آلودگی هوا، تغییرات سبک زندگی و افزایش عوامل خطرزا مانند مصرف دخانیات و تغذیه ناسالم رو به افزایش است. طبق آمار اعلام‌شده، سهم بیماری‌های قلبی‌وعروقی از کل علل مرگ در ایران به بیش از ۴۴ درصد رسیده است. این شرایط در کلان‌شهرهایی چون تهران به‌مراتب وخیم‌تر است. در تهران، شرایط ناسالم هوای شهر، به‌ویژه در فصول سرد سال، منجر به افزایش بیماری‌های تنفسی و تشدید علائم در بیماران قلبی و ریوی شده است. متخصصان هشدار داده‌اند که این شرایط می‌تواند منجر به مرگ زودرس در بیماران دارای شرایط زمینه‌ای شود. از سوی دیگر، هزینه استفاده از خدمات درمانی مناسب برای تمامی اقشار جامعه قابل‌پرداخت نیست و دسترسی به خدمات کافی بهداشت و درمان، نیازمند مراجعه به مراکز درمانی خصوصی با هزینه‌های چندبرابری نسبت به مراکز عمومی است. «مرکز آمار ایران» نیز گزارش داده است که سهم بهداشت و درمان در سبد هزینه خانوارهای شهری به حدود ۱۰ درصد رسیده است. بااین‌حال، این سهم در برخی موارد به‌قدری سنگین است که می‌تواند خانواده‌ها را به زیر خط فقر سوق دهد؛ به‌طوری‌که سالانه حدود دو میلیون ایرانی با هزینه‌های سنگین درمان مواجه می‌شوند. یکی از مهم‌ترین عوامل پیشگیری از چنین بیماری‌هایی، توجه به سبک و کیفیت محیط زندگی است. نحوه جابه‌جایی روزانه ما در شهر، ارتباط مستقیمی با سلامت جسمی و روانی ما دارد. امروزه مدیریت شهری در جهان، توجه خود را برای بهره‌مندی از مزایای فراوان «حمل‌ونقل فعال» در حوزه‌های مختلف به آن معطوف کرده است. منظور از حمل‌ونقل فعال، استفاده از هر نوع وسیله نقلیه‌ای است که بتوان با تحرک بدنی و به‌وسیله آن از مکانی به مکان دیگر جابه‌جا شد.

دوچرخه‌سواری از روش‌های حمل‌ونقل فعال است که مزایای بسیاری با خود به همراه دارد. از مزایای بارز این فعالیت می‌توان به کمک آن در حفظ سلامت روحی و جسمی افراد اشاره کرد. با دوچرخه‌سواری، ضربان قلب بالا می‌رود، جریان خون در بدن بهبود می‌یابد و عضلات قلب تقویت می‌شوند. در نتیجه، خطر ابتلا به بیماری‌های قلبی‌وعروقی کاهش می‌یابد و به‌نوعی تحرک فیزیکی به بخشی از فعالیت‌های روزمره افراد تبدیل می‌شود. با ترویج دوچرخه‌سواری میان ساکنان شهرها، می‌توان نرخ چاقی و اضافه‌وزن را کاهش داد؛ معضلی که براساس آمار، حدود ۷۰ درصد از جمعیت ایران دچار آن هستند. از دیگر فواید این فعالیت برای سلامت بدن، می‌توان به بهبود کارایی دستگاه تنفسی و عملکرد ریه‌ها اشاره کرد. با استفاده از دوچرخه به‌عنوان وسیله حمل‌ونقل، فرد هنگام راندن آن مدام در حال تصمیم‌گیری و تعامل با محیط شهری است و در نتیجه، ذهن خود را فعال نگه می‌دارد. بنابراین، دوچرخه‌سواری شهری تنها یک فعالیت حمل‌ونقلی نیست، بلکه ابزاری برای سلامت جسمی و همچنین تقویت ذهن و افزایش سلامت روان است. نقش مدیریت شهری در این زمینه، توجه به حمل‌ونقل فعال و ایجاد شرایط مناسب برای آن است. بااین‌حال، وضعیت موجود نشان می‌دهد که مدیریت شهری در ایران همچنان توسعه خودرومحوری و افزایش تسهیلاتی همچون پارکینگ را ادامه می‌دهد. این امر منجر به بروز بحران‌های بیشتر در امور شهری می‌شود و مشکلات شهری ما را افزایش می‌دهد. در مقابل، اگر مدیریت شهری مسیر توسعه شیوه‌های حمل‌ونقل پاک و فعال را در پیش گیرد، می‌تواند در بلندمدت بسیاری از مشکلات شهری را حل‌وفصل کند. این توسعه می‌تواند شامل ایجاد و نگهداشت مستمر شبکه مسیرهای اختصاصی دوچرخه باشد تا امنیت لازم و کافی برای دوچرخه‌سواران فراهم شود. همچنین، ایجاد پارکینگ‌های ویژه دوچرخه در مراکز دولتی و ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی ضروری است. این پارکینگ‌ها فضایی فراهم می‌کنند تا دوچرخه‌سواران نگرانی‌ای از بابت قرار دادن دوچرخه خود نداشته باشند و به استفاده از حمل‌ونقل فعال تشویق شوند. از دیگر اشکال این توسعه می‌توان به تشویق و آموزش بیشتر شهروندان برای استفاده از حمل‌ونقل فعال اشاره کرد. اعطای تسهیلات و اجرای طرح‌های تشویقی می‌تواند تمایل به استفاده از این نوع حمل‌ونقل را افزایش دهد. پرواضح است که بدون ایجاد زیرساخت‌های لازم و محدودسازی توسعه خودرومحور، نمی‌توان به تغییر و تحول در حوزه حمل‌ونقل امیدوار بود. این رسالتی است که بیش از هر بخش دیگری، بر عهده مدیریت شهری است.

| یادداشت |

حمل‌ونقل فعال؛ کلید تعاملات اجتماعی و کاهش انزوای شهری

| هلیا حجتی |
| کارشناسی شهرسازی دانشگاه تهران |

«جورج زیمل»، جامعه‌شناس برجسته آلمانی، در جستار خود با عنوان «کلان‌شهر و حیات ذهنی» بیان می‌کند که شهروندان شهرهای بزرگ، به‌دلیل برانگیختگی بسیار زیاد محرک‌های حسی‌شان، رفته‌رفته نسبت به محیط اطرافشان بی‌تفاوت می‌شوند. در شهری مانند تهران که سرعت زندگی در آن بیشتر از سایر شهرهای بزرگ کشور است، این بی‌تفاوتی مشهودتر است. این بی‌تفاوتی شهروندان تنها نسبت به یکدیگر نیست، بلکه نسبت به فضای پیرامون و وقایع اطرافشان نیز هست. این بی‌تفاوتی از حس تعلق و مسئولیت آن‌ها نسبت به افراد و محیط پیرامونشان کاسته و درنهایت، مشارکت اجتماعی آن‌ها را به حداقل می‌رساند. علاوه‌براین، بیماری‌های روحی و جسمی‌ای که در پس این انزوا خوابیده‌اند، نه‌تنها به خود افراد و نزدیکانشان، بلکه به کل جامعه صدمه می‌زنند. حمل‌ونقل فعال، شامل پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و در کل هر فعالیتی که با حرکت مداوم انسان‌ها درآمیخته است، یکی از راه‌های بهبود معضل انزوای اجتماعی است. زمانی که افراد حین رکاب‌زدن یا پیاده‌روی با یکدیگر چهره‌به‌چهره روبه‌رو می‌شوند و گفت‌وگویی هرچند کوتاه برقرار می‌کنند، توجه انسانی بیشتری به مردم و فضای شهری پیرامون خود نشان می‌دهند. وقتی با سرعت کمتری در شهر حرکت و مکث می‌کنند، به محیط پیرامون خود حساس‌تر می‌شوند و زمانی که همین مردم، توسعه ساختارها و زیرساخت‌های انسان‌محور را در شهرشان شاهد باشند، نسبت به مشارکت و مطالبه حقشان به شهر ترغیب می‌شوند. در آمستردام، به‌عنوان یک شهر دوچرخه‌دوست، تحقیقات به بهبود سلامت روان و همچنین افزایش تعاملات اجتماعی به‌واسطه دوچرخه‌سواری و کاهش حس طردشدگی و نگاه‌های نژادپرستانه به‌واسطه افزایش تعاملات اجتماعی اشاره می‌کنند. در بسیاری از شهرهای دیگر نیز با تبدیل فضاهای شهری خودرومحور به فضاهای عمومی که شهروندان و گردشگران بتوانند آزادانه در آن‌ها فعالیت و تعامل کنند، حس تعلق مردم به شهر تقویت و شهر سرزنده‌تر شده است. بااین‌حال، مدیریت شهری در ایران با اجرای پروژه‌های بزرگ خودرومحور، مانند احداث اتوبان‌ها و تونل‌ها و بعضاً تخریب فضاهای عمومی محله‌های گوناگون برای پیشبرد پروژه‌های عمرانی، باعث جدایی فضایی هرچه بیشتر محلات و کاهش تعاملات اجتماعی شده است. این اقدامات به افزایش انزوای اجتماعی و فردگرایی، به‌ویژه در شهر تهران، بیشتر و بیشتر دامن زده‌اند. گسترش خودرومحوری باعث تضعیف فضاهای عمومی موجود نیز شده است. مدیریت شهری تهران نه‌تنها کمکی به افزایش حمل‌ونقل فعال و حرکت به‌سمت حمل‌ونقل پایدار نکرده است، بلکه با تداوم پروژه‌های خودرومحور در سطح شهر و ارائه خدمات بیشتر خودرویی، چون ساخت پارکینگ‌های چندطبقه، در جهت خلاف این راه نیز گام برداشته است. درصورتی‌که مدیریت شهری بودجه‌ای به‌مراتب کمتر را به پروژه‌های حمل‌ونقل فعال اختصاص دهد و موازنه ناعادلانه سرمایه‌گذاری روی توسعه خودرومحور را تغییر دهد، می‌توان هم‌زمان اقداماتی مؤثر برای حل بسیاری از مشکلات شهری انجام داد. مشکلاتی نظیر ترافیک شدید، آلودگی هوا، انزوا و اضطراب اجتماعی و چالش‌های محیط‌زیستی، همگی می‌توانند با اتخاذ رویکردی پایدارتر و انسان‌محورتر حل شوند. اختصاص بودجه بیشتر به پروژه‌های حمل‌ونقل فعال نه‌تنها هزینه‌های کمتری نسبت به پروژه‌های خودرومحور دارد، بلکه اثرات مثبتی نیز در کاهش ترافیک و آلودگی هوا بر جای می‌گذارد. با توسعه مسیرهای پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، شهروندان به استفاده از وسایل حمل‌ونقل غیرموتوری تشویق می‌شوند که این خود منجر به کاهش تعداد خودروها در خیابان‌ها و بهبود کیفیت هوای شهری می‌شود. مدیریت شهری که دهه‌ها به‌عنوان عامل ایجاد بحران‌های شهری شناخته می‌شد، با اتخاذ رویکردهای جدید و پایدارتر می‌تواند نقشی کلیدی در بهبود کیفیت زندگی شهری ایفا کند. با تغییر تمرکز از پروژه‌های خودرومحور به پروژه‌های حمل‌ونقل فعال، نه‌تنها مشکلات موجود حل می‌شوند، بلکه شهری زیست‌پذیرتر، سالم‌تر و پویاتر برای آینده ایجاد می‌شود. این تغییر نیازمند اراده، تعهد و مسئولیت‌پذیری مدیریت شهری است تا با اجرای سیاست‌ها و پروژه‌های مبتنی بر انسان‌محوری و پایداری، شهرهای ما به مکان‌هایی بهتر برای زندگی تبدیل شوند.

| یادداشت |

دانشگاه‌ها و توسعه دوچرخه‌های اشتراکی

| محمد همتی |
| دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی |

در سال‌های اخیر، شهرهای بزرگ با چالش‌های پیچیده‌ای مانند آلودگی هوا، ترافیک، کاهش تحرک روزانه و وابستگی فزاینده به خودروهای شخصی مواجه بوده‌اند. در چنین شرایطی، توسعه شیوه‌های حمل‌ونقل پایدار به یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست‌گذاری شهری تبدیل شده است. در میان راهکارهای موجود، دوچرخه اشتراکی به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر برای گسترش حمل‌ونقل فعال، می‌تواند نقش مهمی در تغییر الگوی جابه‌جایی شهروندان ایفا کند. بااین‌حال، تجربه شهرهای مختلف نشان داده است که موفقیت این سیستم صرفاً با تأمین تعدادی دوچرخه و ایجاد چند ایستگاه محقق نمی‌شود، بلکه نیازمند شناخت دقیق شرایط اجتماعی، کالبدی و رفتاری کاربران است.

در این میان، دانشگاه‌ها می‌توانند یکی از مناسب‌ترین بسترها برای آغاز و توسعه سیستم‌های دوچرخه اشتراکی باشند. محیط‌های دانشگاهی، به‌دلیل حضور جمعیت جوان، سفرهای روزانه منظم، فاصله‌های کوتاه‌تر میان مقصدهای مختلف و آمادگی بیشتر دانشجویان برای پذیرش تغییرات، ظرفیت بالایی برای ترویج شیوه‌های حمل‌ونقل فعال دارند. به همین دلیل، بسیاری از دانشگاه‌های جهان تلاش کرده‌اند با ایجاد زیرساخت‌های مناسب، ارائه خدمات دوچرخه اشتراکی و حمایت از فرهنگ سفرهای غیرموتوری، پردیس‌های خود را به محیط‌هایی انسان‌محورتر تبدیل کنند.

در پژوهشی که در دوره کارشناسی درباره حمل‌ونقل فعال دانشجویان و با مطالعه موردی پردیس «دانشگاه تهران» انجام دادم، تلاش شد عوامل مؤثر بر گرایش دانشجویان به پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری، از دریچه تجربه زیسته آنان بررسی شود. یافته‌های پژوهش نشان داد که اگرچه بسیاری از دانشجویان نگاه مثبتی به استفاده از دوچرخه دارند و آن را روشی سالم، کم‌هزینه و سازگار با محیط‌زیست می‌دانند، اما در عمل، مجموعه‌ای از موانع سبب می‌شود این تمایل به رفتار واقعی تبدیل نشود.

یکی از مهم‌ترین این موانع، کمبود زیرساخت‌های مناسب بود. بسیاری از دانشجویان معتقد بودند که نبود مسیرهای اختصاصی، پارکینگ‌های ایمن و امکانات پشتیبان، استفاده روزمره از دوچرخه را دشوار و پرریسک می‌کند. در کنار آن، یکپارچه‌نبودن شبکه دسترسی نیز به‌عنوان چالشی جدی مطرح شد؛ به این معنا که حتی اگر بخشی از مسیر برای دوچرخه مناسب باشد، گسست مسیرها، تقاطع‌های نامناسب و نبود ارتباط میان خوابگاه‌ها، دانشکده‌ها، ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و سایر مقاصد دانشگاهی، کارایی دوچرخه را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، نگرانی‌های ایمنی، ازجمله سرعت بالای خودروها، نبود امنیت کافی در برخی مسیرها و ترس از وقوع تصادف، یکی از اصلی‌ترین عوامل بازدارنده برای استفاده از دوچرخه بود. علاوه‌براین، موانع فرهنگی و اجتماعی نیز نقش پررنگی در تصمیم دانشجویان داشت. از نگاه برخی مشارکت‌کنندگان، هنوز دوچرخه‌سواری به‌عنوان یک شیوه عادی جابه‌جایی در محیط دانشگاهی پذیرفته نشده است و برخی هنجارهای اجتماعی، به‌ویژه برای دانشجویان دختر، همچنان مانعی برای گسترش این شیوه سفر به شمار می‌رود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که توسعه سیستم‌های دوچرخه اشتراکی دانشجویی را نباید صرفاً به خرید دوچرخه یا ایجاد چند ایستگاه محدود کرد. موفقیت این سیستم زمانی امکان‌پذیر است که بخشی از یک سیاست جامع حمل‌ونقل فعال باشد؛ سیاستی که هم‌زمان به ایجاد شبکه‌ای پیوسته و ایمن، تأمین زیرساخت‌های موردنیاز، اتصال دوچرخه به حمل‌ونقل عمومی و ارتقای فرهنگ استفاده از آن توجه کند. به بیان دیگر، مسئله اصلی تنها «در دسترس بودن دوچرخه» نیست، بلکه فراهم‌کردن شرایطی است که دانشجو بتواند با اطمینان، امنیت و سهولت، دوچرخه را به‌عنوان یکی از گزینه‌های اصلی جابه‌جایی روزانه خود انتخاب کند. دانشگاه‌ها همچنین می‌توانند نقش آزمایشگاه‌های کوچک شهری را ایفا کنند. اجرای موفق یک سیستم دوچرخه اشتراکی در یک محیط دانشگاهی، امکان ارزیابی رفتار کاربران، شناسایی مشکلات و اصلاح سیاست‌ها را پیش از توسعه در مقیاس شهری فراهم می‌کند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

| یادداشت |

چرا حمل‌ونقل عمومی تهران بدون دوچرخه‌اشتراکی کامل نیست؟

| سما تاجداری |
| کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه تهران |

یکی از نقاط ضعف حمل‌ونقل عمومی تهران، شعاع دسترسی مطلوب یا فاصله ایستگاه مترو یا بی‌آرتی تا مقصد نهایی یا مبدأ اصلی مسافر است. این فاصله که معمولاً بین ۵۰۰ متر تا ۲ کیلومتر تعریف می‌شود، باعث شده است بخشی از کاربران حمل‌ونقل عمومی، به‌جای پیمودن مسافت مذکور به‌صورت پیاده، از خودروی شخصی یا حمل‌ونقل ماشینی جایگزین استفاده کنند. این امر موجب اختصاص فضای عمومی اطراف ایستگاه‌ها به احداث پارکینگ یا صرف‌نظرکردن کاربران از استفاده از حمل‌ونقل عمومی می‌شود.

مسافرانی که در فاصله‌ای بیش از ۸۰۰ متر، معادل ۱۰ دقیقه پیاده‌روی، از ایستگاه‌های مترو قرار دارند، به‌دلیل افزایش مسافت پیاده‌روی عملاً از دسترسی به شبکه حمل‌ونقل عمومی محروم می‌شوند. پژوهش‌های انجام‌شده نیز نشان می‌دهد استقرار ایستگاه‌های دوچرخه‌اشتراکی در شبکه حمل‌ونقل شهری، شعاع دسترسی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی را تا سه برابر و مساحت دسترسی به این ایستگاه‌ها را تا ۲۵ برابر افزایش می‌دهد. بنابراین، توجه به یکپارچگی و ادغام شبکه حمل‌ونقل فعال با شبکه حمل‌ونقل عمومی، یکی از اولویت‌های ساماندهی شبکه حمل‌ونقل شهری است.

دوچرخه‌اشتراکی می‌تواند به‌عنوان سیاست شهری مبتنی بر فراگیرسازی حمل‌ونقل فعال، باعث یکپارچگی و ادغام حمل‌ونقل عمومی با شبکه معابر شهر شود؛ مفهومی که با عنوان «حمل‌ونقل یکپارچه» در ادبیات شهرسازی و مهندسی حمل‌ونقل تعریف شده و به‌معنای اتصال شیوه‌های مختلف جابه‌جایی در شبکه‌ای منسجم است. پژوهشگران هلندی در مطالعه‌ای دریافتند که مسافران اغلب از دوچرخه برای دسترسی در مسافت‌های کوتاه و پراکنده و از حمل‌ونقل عمومی سریع‌السیر، مانند مترو، برای مسافت‌های طولانی و متمرکز استفاده می‌کنند. در صورت یکپارچه‌سازی این دو شبکه حمل‌ونقلی، علاوه بر افزایش دسترسی کاربران به تعداد بیشتری از ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی، مسافران حق انتخاب ایستگاه‌هایی با خدمات بهتر و براساس ویژگی‌های شخصی سفر خود را پیدا می‌کنند.

هم‌پوشانی این دو شبکه می‌تواند مشکل دسترسی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی و محدودیت شعاع عملکردی دوچرخه‌سواری را رفع کند. در هلند، ۴۷ درصد از مسافرانی که به‌جز پیاده‌روی، شیوه‌ای دیگر برای رسیدن به ایستگاه‌های قطار انتخاب می‌کنند، از دوچرخه برای دسترسی به ایستگاه‌ها استفاده می‌کنند. این در حالی است که اگر امکان دسترسی به ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی سریع در فاصله زمانی ۲۰ دقیقه، تنها از طریق پیاده‌روی مقدور باشد، فقط ۱۰ درصد از جمعیت هلند امکان دسترسی به حمل‌ونقل عمومی ریلی را دارند؛ اما با افزوده‌شدن امکان دسترسی از طریق دوچرخه به این ایستگاه‌ها در همین فاصله زمانی و افزایش شعاع دسترسی به حدود ۵ کیلومتر، این رقم با رشدی پنج‌برابری به ۴۶ درصد از جمعیت هلند افزایش می‌یابد. نیمی از ۲۰۰ هزار مسافر روزانه ایستگاه مرکزی آمستردام با دوچرخه به این ایستگاه می‌رسند.

روزانه بیش از ۷۴۰ هزار دوچرخه در ایستگاه‌های قطار و متروی توکیو مستقر می‌شوند. این یکپارچگی، ایستگاه‌های حمل‌ونقل عمومی را به نقاط فعال شبکه حمل‌ونقل شهری بدل می‌کند و با افزایش امکان دسترسی شهروندان به خدمات و زیرساخت‌های شهری، به یکی از عوامل مؤثر در کاهش هزینه‌های ناشی از نابرابری در دسترسی به خدمات حمل‌ونقل شهری تبدیل می‌شود.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

انتشار کربن در چین یک درصد کاهش یافت و گذار به انرژی‌های پاک شتاب گرفت

شوک نفتی جنگ ایران به جهان

با سقوط مصرف نفت و جهش فروش خودروهای برقی، تحلیلگران می‌گویند حتی با کاهش قیمت نفت خام، ممکن است تقاضا به سطح قبلی بازنگردد

اپیام ما| شوک انرژی ناشی از جنگ ایران، علاوه بر تأثیر بر بازار جهانی سوخت‌های فسیلی، به تغییر الگوی مصرف انرژی در جهان منجر شده است. واردکنندگان سوخت‌های فسیلی در شش ماه نخست پس از حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، بیش از ۳۳۰ میلیارد دلار هزینه اضافی متحمل شده‌اند و دولت‌ها، شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان به‌سمت انرژی‌های تجدیدپذیر سوق یافته‌اند. در چین، بزرگ‌ترین منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای جهان، این شوک انتشار دی‌اکسید کربن را در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶ یک درصد کاهش داده است. درواقع، این نخستین بار است که کاهش انتشار دی‌اکسید کربن در چین نه با کاهش مصرف زغال‌سنگ، بلکه با افت مصرف نفت رخ می‌دهد.

شش ماه پس از آنکه حملات آمریکا و اسرائیل، تولید سوخت‌های فسیلی در خاورمیانه را مختل کرد و تنگه هرمز را به صحنه رویارویی دریایی تبدیل کرد، اکنون تصویر روشن‌تری از تأثیر جنگ ایران بر اقتصاد انرژی در جهان به دست آمده است.

گزارش‌های اخیر رسانه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که این درگیری، با افزایش چشمگیر قیمت سوخت‌های فسیلی، دولت‌ها، شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان را نیز به‌سمت انرژی‌های تجدیدپذیر سوق داده است؛ در این میان، برندگان و بازندگان این تغییرات نیز به‌تدریج مشخص شده‌اند.

چندی پیش، «مرکز پژوهش انرژی و هوای پاک» (CREA) داده‌هایی منتشر کرد که نشان می‌داد واردکنندگان سوخت‌های فسیلی در سراسر جهان، از زمان حمله آمریکا و اسرائیل به ایران، بیش از ۳۳۰ میلیارد دلار هزینه اضافی متحمل شده‌اند؛ رقمی معادل تولید ناخالص داخلی فنلاند در سال ۲۰۲۵. در همین حال، افزایش قیمت انرژی برای شماری از کشورهای تولیدکننده نفت و گاز خارج از منطقه جنگی سودآور بوده است.

براساس گزارش «ژاپن تایمز»، کشورهایی که پیش از آغاز جنگ روند کنار گذاشتن سوخت‌های فسیلی را آغاز کرده بودند، توانسته‌اند بحران انرژی را بهتر پشت سر بگذارند. برای نمونه، برآورد CREA نشان می‌دهد پروژه‌های انرژی تجدیدپذیری که از سال ۲۰۲۰ در چین به بهره‌برداری رسیده‌اند، بین مارس و ژوئیه به این کشور کمک کرده‌اند تا از واردات نزدیک به ۸ میلیارد دلار سوخت فسیلی جلوگیری کند.

«تینگ سو»، تحلیلگر ارشد مؤسسه «کلایمیت تریس»، می‌گوید: «روند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر همچنان ادامه دارد و این می‌تواند خبر خوبی باشد. بااین‌حال، نوسان و بی‌ثباتی ناشی از اختلال در تردد از تنگه هرمز، پیش‌بینی روندهای بلندمدت را دشوار کرده است.»

چین؛ برنده تغییرات بازار انرژی

بیایید به مورد چین برگردیم که از تغییرات اخیر در بازار انرژی منتفع شده است؛ این کشور، در شرایطی که افزایش چشمگیر قیمت نفت و گاز، تقاضا برای پنل‌های خورشیدی، باتری و خودروهای برقی را افزایش داده، از جایگاه مسلط خود در تولید فناوری‌های سبز بهره می‌برد.

بررسی «Carbon Brief»، رسانه تخصصی حوزه اقلیم و انرژی، نشان می‌دهد در سه‌ماهه دوم سال ۲۰۲۶، انتشار دی‌اکسید کربن چین، هم‌زمان با افت شدید مصرف نفت در پی بحران تنگه هرمز، یک درصد کاهش یافته است. مصرف نفت در چین، پس از اختلال در عرضه نفت از کشورهای حاشیه خلیج فارس از مسیر تنگه هرمز، در مجموع ۹ درصد و در بخش حمل‌ونقل ۱۶ درصد کاهش یافت. طبق این گزارش، این نخستین بار است که کاهش مصرف نفت به کاهش انتشار کلی دی‌اکسید کربن منجر می‌شود؛ در موارد قبلی، کاهش مصرف زغال‌سنگ عامل اصلی افت انتشار کربن محسوب می‌شد، اما این بار کاهش انتشار با وجود ادامه روند افزایشی تولید برق از نیروگاه‌های زغال‌سنگ‌سوز رخ داده است.

این گزارش نقش انرژی پاک را در تعدیل شوک‌های قیمتی ناشی از بحران تنگه هرمز برای بزرگ‌ترین واردکننده نفت جهان نشان می‌دهد. «گاردین» ماجرا را این‌طور تعبیر کرده است که این تغییرات «امیدها به اینکه چین، بزرگ‌ترین منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای جهان، ممکن است به نقطه عطفی در مسیر کربن‌زدایی اقتصاد خود نزدیک شده باشد، تقویت می‌کند».

براساس داده‌های انرژی سه‌ماهه دوم که «اداره ملی آمار چین» منتشر کرده و مرکز پژوهش انرژی و هوای پاک آن را برای Carbon Brief تحلیل کرده است، چین با وجود کاهش ۳۲ درصدی واردات نفت، توانست میزان استفاده از حمل‌ونقل را در مجموع افزایش دهد.

کاهش مصرف نفت در بزرگ‌ترین مصرف‌کننده نفت جهان، معادل حدود یک میلیون بشکه در روز، به تثبیت قیمت جهانی نفت کمک کرد؛ هرچند قیمت نفت در هفته‌ها و ماه‌های پس از نخستین حملات هوایی آمریکا در اواخر فوریه، حدود ۶۰ درصد افزایش یافت.

در چین چه تغییری رخ داده است؟

چگونگی تحقق این کاهش، به موضوع گمانه‌زنی‌های بسیاری تبدیل شده است. این تحلیل نشان می‌دهد حدود دوسوم کاهش واردات نفت ناشی از کاهش ذخایر نفت راهبردی بوده است، نه افزایش آن‌ها. یک‌سوم باقی‌مانده هم با کاهش تقاضا جبران شده است.

مصرف نفت در چین در مجموع ۹ درصد و در بخش حمل‌ونقل ۱۶ درصد کاهش یافته است. اگرچه شمار زیادی از خودروهای بنزینی و دیزلی از تردد در جاده‌ها بازمانده‌اند، استفاده از خودروهای برقی، اتوبوس‌ها، قطارها و کامیون‌های برقی به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.

البته روند برقی‌شدن مدت‌ها پیش از بحران تنگه هرمز آغاز شده بود. چین با فاصله‌ای چشمگیر، بزرگ‌ترین تولیدکننده، مصرف‌کننده و صادرکننده باتری، خودروهای برقی، توربین‌های بادی و پنل‌های خورشیدی در جهان است. اما اختلال در عرضه نفت از کشورهای حاشیه خلیج فارس، ضرورت اقتصادی و راهبردی کاهش وابستگی به نفت را بیش‌ازپیش تقویت کرده است.

در نیمه نخست سال ۲۰۲۶ نیز گذار چین به خودروهای برقی، به کاهش مصرف نفت به میزانی معادل کل مصرف نفت بریتانیا در یک دوره شش‌ماهه منجر شد.

برقی‌سازی، بهترین راه مقابله با شوک انرژی

تحلیلگران می‌گویند حتی اگر قیمت جهانی نفت کاهش پیدا کند، بخش زیادی از این تقاضا دیگر به سطح قبل برنمی‌گردد. «لائوری میلی‌ویرتا»، تحلیلگر ارشد مرکز پژوهش انرژی و هوای پاک، می‌گوید: «از نظر کیفی، تردیدی نیست که روند کربن‌زدایی بخش حمل‌ونقل شتاب گرفته است. این اتفاق نشان می‌دهد راهبرد امنیت انرژی چین که از قبل در پیش گرفته شده، کارآمد بوده است... کاملاً روشن است که برقی‌سازی بهترین راه برای مقابله با چنین شوک‌هایی است.»

به گفته او، این نخستین بار است که انتشار کل گازهای گلخانه‌ای چین در نتیجه کاهش مصرف نفت، و نه کاهش مصرف زغال‌سنگ، افت کرده است. بااین‌حال، تولید برق از زغال‌سنگ در سه‌ماهه دوم افزایش یافت؛ چراکه تغییر مشوق‌های اقتصادی و تأخیر در اصلاح شبکه برق چین باعث شد بخش قابل‌توجهی از برق تولیدشده از انرژی خورشیدی و بادی بلااستفاده بماند. با وجود این، ناظران معتقدند چین همچنان به‌سمت کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی پیش می‌رود.

«مویی یانگ»، تحلیلگر ارشد مؤسسه «اِمبر» ـ اندیشکده و مرکز پژوهشی داده‌های مربوط به انرژی و تغییر اقلیم ـ معتقد است نشانه‌های نزدیک‌شدن به اوج مصرف سوخت‌های فسیلی در سطح استان‌ها و بخش‌های مختلف اقتصاد چین در حال نمایان‌شدن است. او می‌گوید: «بحران ایران این روند را تقویت می‌کند. اینکه چین توانسته آثار این بحران را جذب کند، اعتماد به ادامه این مسیر و کاهش بیشتر وابستگی به سوخت‌های فسیلی را افزایش می‌دهد.» از نگاه او، خطر وابستگی به واردات نفت بیش‌ازپیش از حوزه ژئوپلیتیک ناشی می‌شود و هیچ کشوری نمی‌تواند به‌طور مؤثری چنین خطری را مدیریت کند. «از همین رو، راهبرد مؤثرتر این است که میزان این وابستگی کاهش یابد. تجربه چین نشان می‌دهد که این راهبرد می‌تواند نتیجه‌بخش باشد.»

چه کسی بازنده است؟

این روند لزوماً در همه کشورها به نفع گذار به‌سمت انرژی‌های پاک پیش نرفته است. ژاپن تایمز از عربستان سعودی و قطر به‌عنوان بازندگان شوک انرژی در جهان پس از حمله به ایران یاد کرده است. بر پایه برآورد «دانشگاه رایس»، خسارت جنگ به تأسیسات کلیدی این کشورها، از جمله بزرگ‌ترین پالایشگاه نفت عربستان و یکی از پایانه‌های مهم صادرات گاز طبیعی مایع‌شده (LNG) در قطر، در کنار اختلال در حمل‌ونقل دریایی، باعث شد صادرات کشورهای حاشیه خلیج فارس در ماه مارس، در مجموع روزانه نزدیک به ۲ میلیارد دلار کاهش یابد.

جنگ علاوه بر کاهش درآمدها، به زیرساخت‌های انرژی نیز آسیب زده است؛ برآورد مؤسسه مشاوره‌ای «ریستاد انرژی» در ماه آوریل نشان می‌دهد ارزش این زیرساخت‌های آسیب‌دیده به ۵۸ میلیارد دلار می‌رسد و تعمیر آن‌ها هزینه‌های سنگینی در پی دارد. این درگیری همچنین می‌تواند روند گذار منطقه به اقتصادی سبزتر را متوقف یا کند کند. چنان‌که تحلیلگران «بلومبرگ نیو انرژی فایننس» (BNEF) در گزارش خود نوشته‌اند: «جنگ هزینه تأمین مالی در منطقه را افزایش داده و در کوتاه‌مدت، توجیه اقتصادی پروژه‌های انرژی پاک را تضعیف کرده است.»

از سوی دیگر، اقتصادهای وابسته به واردات انرژی، مانند ژاپن و کره‌جنوبی، نیز از تبعات این بحران در امان نمانده‌اند. این دو کشور آسیایی که پیش از آغاز جنگ ایران بخش عمده نفت مورد نیاز خود را از طریق تنگه هرمز وارد می‌کردند، ناچار شدند افزایش قیمت سوخت را بپذیرند.

در آفریقا، جایی که بسیاری از کشورها واردکننده خالص فرآورده‌های نفتی هستند، افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها بحران اقتصادی را تشدید کرده است. برای مثال، در اتیوپی فشارهای اقتصادی اخیر به کاهش ارزش «بیر»، پول ملی این کشور، انجامید و دولت را ناچار کرد برای حمایت از ارزش آن، میلیاردها دلار از ذخایر ارزی خود برداشت کند.

کشورهای درحال‌توسعه بیش از کشورهای ثروتمند از افزایش قیمت انرژی آسیب دیده‌اند. براساس یافته‌های مرکز پژوهش انرژی و هوای پاک، کشورهای فقیرتر برای جبران آثار این شوک قیمتی، هزینه‌ای معادل یک درصد تولید ناخالص داخلی خود متحمل شده‌اند؛ بیش از دو برابر فشاری که این افزایش قیمت‌ها بر اقتصاد کشورهای ثروتمند وارد کرده است.

گذار پرشتاب

کشورهای آفریقایی هم‌زمان با تلاش برای کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر را شتاب داده‌اند. داده‌های BNEF نشان می‌دهد واردات تجهیزات خورشیدی از چین به این قاره در نیمه نخست سال ۲۰۲۶، نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۳۷ درصد افزایش یافته است. این روند در سراسر آفریقا، از آفریقای جنوبی و نیجریه گرفته تا جمهوری دموکراتیک کنگو و مصر، گسترش یافته است.

به گفته «ایتان زیندلر»، تحلیلگر BNEF، در کشورهایی که حمایت کافی از مصرف‌کنندگان در برابر افزایش قیمت سوخت وجود ندارد، مردم با سرعت زیادی الگوی مصرف انرژی خود را تغییر می‌دهند.

این روند در کشورهای درحال‌توسعه آسیا نیز دیده می‌شود. برای نمونه، واردات تجهیزات خورشیدی چین به فیلیپین در ماه مارس، نسبت به سال گذشته ۲۶۲ درصد افزایش یافت. استفاده از خودروهای برقی نیز شتاب گرفته است؛ فروش ماهانه این خودروها در فیلیپین و اندونزی در ژوئن و ژوئیه تقریباً دو برابر مدت مشابه سال ۲۰۲۵ شد.

این تحولات در حالی رخ داده است که برخلاف نگرانی‌ها درباره افزایش شدید استفاده از زغال‌سنگ در پی اختلالات بازار انرژی، چنین افزایشی در مقیاس مورد انتظار رخ نداده است. در مقابل، به گفته تحلیلگران کلایمیت تریس، انرژی‌های تجدیدپذیر در شش ماه نخست سال با سرعت بیشتری توسعه یافته‌اند.

کشورهای فقیرتر برای جبران آثار این شوک قیمتی، هزینه‌ای معادل یک درصد تولید ناخالص داخلی خود متحمل شده‌اند بیش از دو برابر فشاری که افزایش قیمت انرژی بر اقتصاد کشورهای ثروتمند وارد کرده است

کاهش ۳۲ درصدی واردات نفت چین در سه‌ماهه دوم، در حالی رخ داد که این کشور توانست استفاده از حمل‌ونقل را افزایش دهد؛ افزایش استفاده از خودروهای برقی اتوبوس‌ها، قطارها و کامیون‌های برقی بخشی از کاهش مصرف نفت را جبران کرد

| دیدگاه |

مروری بر چالش‌های سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران

| اسپیده رحمن‌پور |
| پژوهشگر حوزه تغییراقلیم |

در شرایط کنونی، مسائلی مانند بحران منابع آبی، اعم از خشکسالی‌های شدید و کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، گردوغبار و ریزگردها، آلودگی هوای کلان‌شهرها، تخریب تنوع زیستی و همچنین پیامدهای تغییراقلیم، که می‌تواند به همه معضلات موجود شدت بخشد، بحث سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران را به مسئله‌ای حیاتی بدل کرده است.

به‌علاوه، معضلاتی مانند مهاجرت‌های اجباری، فرونشست زمین در مناطق استراتژیک، تهدید امنیت غذایی و امنیت آبی و سایر پیامدهای تغییراقلیم، به محیط‌زیست وجه یک مسئله ملی و امنیتی داده است.

موارد مذکور بر اهمیت سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران دلالت دارد؛ هرچند بحث سیاست‌گذاری در این حوزه با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است.

چالش‌های نهادی و حاکمیتی، چالش‌های قانونی و نظارتی، چالش‌های اقتصادی و مالی، چالش‌های اجتماعی و فرهنگی و چالش داده و دانش، در زمره مهم‌ترین چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران قرار می‌گیرند.

چالش نهادی و حاکمیتی به ساختاری بازمی‌گردد که به‌رغم وجود قوانین نسبتاً جامع، در عمل دچار تمرکزگرایی و نبود یکپارچگی و هماهنگی مؤثر است و موجب شکل‌گیری شکاف اجرا شده است؛ به‌نحوی‌که سرمایه‌گذاری دولتی به بهبود محسوس وضعیت محیط‌زیست منجر نمی‌شود. سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران عمدتاً بر مبنای مدل فرماندهی و کنترل و به‌صورت متمرکز طراحی شده است. دولت و نهادهایی مانند «سازمان حفاظت محیط‌زیست» و «وزارت نیرو» متولیان اصلی هستند، اما این تمرکز باعث طرد سایر بازیگران مؤثر شده است؛ به‌طوری‌که بخش خصوصی، جامعه مدنی و نهادهای علمی نقشی حاشیه‌ای ایفا می‌کنند و از ظرفیت آن‌ها برای حل مسائل پیچیده استفاده نمی‌شود.

شاخص‌های شبکه‌ای (تحلیل شبکه‌های اجتماعی) نشان می‌دهد همکاری میان نهادهای مرتبط بسیار ناچیز است. برای مثال، در بخش آب ۹.۹ دهم و در تصمیم‌گیری‌های مشترک صرفاً ۸.۲ دهم درصد همکاری مشاهده می‌شود. همچنین عملکرد جزیره‌ای نهادها، که نمونه بارز آن در کاهش آلودگی هوای تهران و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر رؤیت می‌شود، قابل‌توجه است.

از سوی دیگر، پراکندگی مسئولیت میان سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت نیرو، «وزارت نفت» و «وزارت جهاد کشاورزی»، در کنار تضاد منافع و نظارت ناکارآمد، از ریشه‌های اصلی شکاف اجرا در سطوح مختلف است. علاوه بر این، مدل بازیگران ناهماهنگ نیز یکی از ضعف‌های ریشه‌دار در این حوزه محسوب می‌شود.

این ناهماهنگی را می‌توان در رابطه میان مجری، ناظر و تنظیم‌گر مشاهده کرد؛ به این ترتیب که مجری (پیمانکار) به‌دنبال حداکثر سود و حداقل هزینه برای محیط‌زیست است، ناظر (نماینده وزارت نفت) نیز اغلب به‌دلیل مشوق‌های تولیدی و نه نظارتی، با مجری همسو می‌شود و در نهایت، تنظیم‌گر (سازمان حفاظت محیط‌زیست) با قدرت بازرسی پایین و جرایم ناچیز، توان بازدارندگی کافی ندارد.

در کنار چالش‌های نهادی، مقوله رانت‌های انرژی، تضعیف اقتصاد سبز و سیاست‌های کلان اقتصادی، بزرگ‌ترین موانع بر سر راه تحول محیط‌زیستی محسوب می‌شوند.

قیمت پایین حامل‌های انرژی (سوخت و آب)، مصرف بی‌رویه را تشویق کرده و انگیزه سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پاک را کاهش می‌دهد. وابستگی شدید بودجه کشور به نفت نیز جلوی اقدامات جسورانه را می‌گیرد. ورای آن، سیاست‌گذاری در ایران فاقد سازوکار اصلاح و یادگیری مستمر است. ارزیابی برنامه‌های اول تا ششم توسعه نشان می‌دهد که توانایی یادگیری از اشتباهات و انطباق‌پذیری منفی بوده است و به‌جای حل ریشه‌ای بحران‌هایی مانند ریزگردها یا فرونشست زمین، سیاست‌ها عمدتاً کوتاه‌مدت و واکنشی هستند و پروتکلی برای حل تضاد وجود ندارد.

در کنار این مسائل، سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری، تقنینی و اجرایی مواجه است که مانع اجرای مؤثر قوانین موجود می‌شوند. تعدد و هم‌پوشانی نهادی، با توجه به وجود نهادهای متعددی مانند سازمان حفاظت محیط‌زیست و وزارت نفت که مسئولیت‌های هم‌پوشان دارند، به تمرکزگرایی ضعیف و تعارض منافع ذاتی منجر می‌شود. جرایم ناچیز و احتمال پایین کشف تخلف، به‌دلیل نبود پایش مستقل و وجود مشوق‌های تولیدی نادرست، رعایت‌نکردن قوانین، به‌ویژه از سوی دولت و شرکت‌ها، و حاکمیت متمرکز، مانع مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی شده است و انعطاف‌پذیری لازم برای مدیریت مسائل پیچیده را ندارد. ادبیات قانونی تنبیهی عمدتاً متوجه شهروندان عادی است؛ درحالی‌که نهادهای دولتی، که نقش پررنگی در این مسئله دارند، مشمول رویکرد غیرتنبیهی می‌شوند.

علاوه بر این، قوانین قدیمی و پراکنده، مانند «قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست» که مربوط به سال ۱۳۵۳ است، رسماً منسوخ شده و قوانین پراکنده بعدی وحدت رویه را از بین برده‌اند. جرایم در مقایسه با منافع اقتصادی تخلف بازدارنده نیستند و سازوکارهای جبران خسارت توسعه نیافته‌اند.

چالش‌های اقتصادی و مالی در سیاست‌گذاری محیط‌زیست ایران نیز عمدتاً حول سه محور یارانه‌های انرژی، ساختارهای مالی ناکارآمد و اولویت‌دهی به منافع کوتاه‌مدت متمرکز است. این عوامل باعث شکل‌گیری شکافی پایا شده‌اند که در آن، ردپای اکولوژیک کشور بیش از ظرفیت محیط‌زیست است. اتکای شدید به سوخت‌های فسیلی، به‌نحوی‌که ۸۰ درصد انرژی ایران از منابع فسیلی تأمین می‌شود و سهم تأمین انرژی از طریق انرژی‌های تجدیدپذیر حدود یک درصد است، در کنار وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی، باعث افزایش مصرف انرژی، کاهش انگیزه توسعه فناوری‌های پاک و تشدید آلودگی شده است. همچنین چالش‌های کلیدی دیگری، شامل کمبود منابع مالی پایدار، موانع بوروکراتیک و ناکارآمدی در تخصیص سرمایه‌ها، مطرح هستند.

پروژه‌های کلان، مانند سدسازی‌ها، اغلب بدون توجه به پیامدهای محیط‌زیستی اجرا می‌شوند. اجرای برخی سیاست‌ها، مانند تغییر قیمت آب، صرفاً برای پرکردن کسری بودجه دولت است و هدف اصلی، یعنی مدیریت مصرف و حفاظت از منابع، را به حاشیه می‌راند. پروژه‌های بزرگ آبی و انتقال منابع، تحت تأثیر منافع گروه‌های خاصی قرار دارند که گاه می‌توان آن‌ها را مافیای آب نامید؛ گروه‌هایی که به‌جای بازدهی بلندمدت، به‌دنبال سود کوتاه‌مدت هستند. به‌علاوه، نبود سیاست‌های جامع و پایدار، ریسک سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر را افزایش داده و مانع ورود سرمایه‌گذاران به این عرصه می‌شود. تحریم‌های بین‌المللی نیز دسترسی ایران به منابع مالی بین‌المللی و فناوری‌های روز را محدود کرده است. در کنار این موارد، پرداختن به چالش‌های اجتماعی و فرهنگی در سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران، که عمدتاً معطوف به شکاف میان دانش و عمل است، نیز خالی از لطف نخواهد بود.

به هر روی، در خیل کثیری از موارد، توسعه اقتصادی بر ملاحظات محیط‌زیستی تقدم دارد. این نگاه سرمایه‌محور و معطوف به رشد اقتصادی همواره بر سیاست‌گذاری‌ها مسلط است و غالباً محیط‌زیست را مانعی در برابر پروژه‌های سودآور صنعتی، عمرانی یا کشاورزی معرفی می‌کند و آن را اولویتی ملی نمی‌داند. این رویکرد سبب می‌شود قوانین محیط‌زیستی به‌درستی اجرا نشوند و سیاست‌های مفید در این عرصه تدوین نشوند.

چه‌بسا بتوان گفت بحران اصلی محیط‌زیست ایران، بحران اجراست. سازمان حفاظت محیط‌زیست قدرت کافی برای توقف پروژه‌های مخرب را ندارد، موازی‌کاری میان دستگاه‌های صاحب مسئولیت نیز بارز است و بستری جامع‌نگر برای مدیریت یکپارچه وجود ندارد. فرهنگ عمومی نیز هنوز به درک کاملی از تأثیر مستقیم تخریب محیط‌زیست بر کیفیت زندگی نرسیده است. مصرف بی‌رویه آب و انرژی، تولید انبوه پسماند و... نشان می‌دهد آموزش برای حفاظت از محیط‌زیست و اصلاح این رفتارها کافی نبوده است. گاه نیز برای برخی از مردم، میان منافع معیشتی و اهداف محیط‌زیستی تقابل وجود دارد.

چالش داده و دانش در سیاست‌گذاری محیط‌زیستی ایران شامل پراکندگی و ناهماهنگی داده‌ها و اطلاعات ارائه‌شده از سوی سازمان‌های متولی است. دسترسی آزاد و شفاف برای عموم و پژوهشگران وجود ندارد و این مسئله فرایند تصمیم‌گیری مبتنی بر شواهد را دشوار می‌کند. ایستگاه‌های پایش آلودگی هوا، آب و خاک، از منظر دقت، تعداد و پراکندگی جغرافیایی ناکارآمد هستند. توان فنی و نرم‌افزاری برای شبیه‌سازی متقابل منابع و اکوسیستم و... محدود است. پژوهش‌های محلی و میدانی بودجه کافی ندارند و مقالات پژوهشگران عمدتاً به زبان فارسی منتشر نمی‌شوند. داده‌ها نیز اغلب به‌دلیل اولویت‌های کوتاه‌مدت مربوط به پروژه‌های نفتی، سدسازی و... تعدیل می‌شوند.

نظام پایش و ارزشیابی مستمر پس از تصویب سیاست‌ها، سازوکار قابل‌دفاعی برای جمع‌آوری داده از نتایج و بازخوردهای روزبه‌روز ندارد و اصلاح سیاست‌ها با تأخیر و عدم قطعیت همراه است. در روش‌های آموزش علم داده و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد در دانشگاه‌ها و بدنه کارشناسی دولت نیز ضعف وجود دارد.

در مجموع، آنچه در بررسی چالش‌های پنج‌گانه مبرهن است، این است که سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران در چرخه‌ای معیوب و بسته، گرفتار بحرانی ساختاری است.

تمرکزگرایی ناهماهنگ، قوانین پراکنده و غیربازدارنده، یارانه‌های انرژی مشوق مصرف، نظام مالی ناکارآمد، نبود داده‌های شفاف و مهم‌تر از همه، نبود یک نظام یادگیری و پاسخ‌گویی مستمر، دست‌به‌دست هم داده‌اند تا شکاف اجرا به ویژگی پایدار این حوزه بدل شود. شاید تا زمانی که حکمرانی محیط‌زیست از مدل متمرکز «فرماندهی و کنترل» خارج نشود، نقش بخش خصوصی و جامعه مدنی نهادینه نشود، جرایم به حد بازدارنده نرسند و منافع کوتاه‌مدت اقتصادی بر امنیت ملی بلندمدت محیط‌زیستی ترجیح داده شوند، هیچ سیاستی، هرچند خوب تدوین شده باشد، به نتیجه ملموس و پایدار نخواهد انجامید؛ چراکه بحران اصلی محیط‌زیست ایران، پیش از هر چیز، بحران «حکمرانی و اراده ساختاریافته برای اجرا» است.

تمرکزگرایی ناهماهنگ قوانین پراکنده و غیربازدارنده یارانه‌های انرژی مشوق مصرف، نظام مالی ناکارآمد و نبود داده‌های شفاف، دست‌به‌دست هم داده‌اند تا شکاف اجرا به ویژگی پایدار سیاست‌گذاری محیط‌زیستی در ایران بدل شود

| نشان |

فعالان گردشگری می‌گویند افزایش هزینه سفر و تداوم ناامنی، کسب‌وکارهای قشم را به مرز تعطیلی رسانده است

پروازها برقرار، گردشگری زمین‌گیر

پروازهای قشم پس از ماه‌ها وقفه از سر گرفته شده‌اند، اما هنوز مسافری برای گردشگری جزیره نیاورده‌اند. جنگ و ناامنی از یک سو و جهش قیمت بلیت و کاهش قدرت خرید از سوی دیگر، قشم را از فهرست مقصدهای سفر بسیاری از خانوارها خارج کرده است. فعالان گردشگری می‌گویند اقامتگاه‌ها، دفاتر، رستوران‌ها و دیگر کسب‌وکارهای وابسته، ماه‌هاست بدون درآمد مانده‌اند، درحالی‌که هزینه‌های جاری و بدهی‌هایشان همچنان پابرجاست. آن‌ها هشدار می‌دهند در غیاب حمایت‌های دولتی، ادامه این رکود می‌تواند به تعطیلی گسترده کسب‌وکارها و خاموشی گردشگری جزیره بینجامد.

| اصبا رضایی |
| روزنامه‌نگار |

مجتبی اسماعیلی رئیس جامعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی قشم: در همین ایام جنگ برای اقامتگاه‌ها قبض‌های سنگین برق صادر شد. برای بعضی از مجموعه‌ها قبض برق بسیار سنگینی آمد و حتی امروز، به‌دلیل بدهی، برق بسیاری از آن‌ها را قطع کردند هیچ‌گونه مهلت یا کمکی هم در نظر گرفته نشد

پروازها هیچ تأثیری بر گردشگری نداشته است

«علی پوزن»، فعال گردشگری قشم، درباره وضعیت گردشگری این جزیره پس از توقف پروازها می‌گوید: «مدتی پروازها به قشم متوقف شده بود و به‌تازگی از سر گرفته شده است. دلیل توقف پروازها، جنگ و حمله به قشم بود که در جریان آن فرودگاه مورد حمله قرار گرفت و برای مدتی پروازها لغو شد.»

او می‌افزاید: «اکنون با توجه به اینکه به پایان شهریور و پیک گردشگری نزدیک می‌شویم، همچنان نمی‌توان امیدوار بود که گردشگری قشم از رکود خارج شده باشد. تا زمانی که جنگ تمام نشود، مردم آن دل‌ودماغ سفر را، به آن شکلی که باید، ندارند. از سوی دیگر، هزینه سفر نیز برای مردم بسیار بالاست. برای مثال، هزینه بلیت پرواز درحال‌حاضر حدود ۱۳ تا ۱۴ میلیون تومان برای هر نفر است و با چنین هزینه‌ای، بسیاری از مردم توان سفر به قشم را ندارند.»

پوزن ادامه می‌دهد: «درآمدهای فعلی گردشگری نمی‌تواند پاسخ‌گوی سرمایه‌گذاری‌هایی باشد که در قشم در حوزه گردشگری انجام شده است. بخش قابل‌توجهی از این سرمایه‌گذاری‌ها در شرایط فعلی با کاهش تقاضا و افت درآمد مواجه شده‌اند.»

او درباره هزینه اقامت در قشم نیز می‌گوید: «هزینه اقامت در قشم بالاست، اما این موضوع بستگی دارد که مسافر چه نوع اقامتی را انتخاب کند. از هتل‌های دو تا پنج‌ستاره گرفته تا اقامتگاه‌های بوم‌گردی، قیمت‌ها متفاوت است. در اقامتگاه‌های بوم‌گردی حتی می‌توان گزینه‌هایی با شبی حدود یک میلیون تومان پیدا کرد، اما هزینه آن برای یک خانوار گران می‌شود.»

این فعال گردشگری درباره مقایسه وضعیت امسال با سال گذشته بیان می‌کند: «وضعیت گردشگری قشم نسبت به سال گذشته همچنان تحت‌تأثیر شرایط جنگی قرار دارد. سال گذشته اما پس از اتمام جنگ ۱۲روزه، وضعیت گردشگری کمی متعادل شد. آثار جنگ ۴۰روزه و پس از آن، حملاتی که اخیراً به جنوب ایران رخ داد، همچنان ادامه دارد.»

او می‌افزاید: «زمستان سال گذشته فصل پیک گردشگری بود و همان زمان این اتفاقات رخ داد. از آن زمان تاکنون، گردشگری قشم همچنان تحت‌تأثیر این شرایط قرار گرفته است. بنابراین نمی‌توان گفت شرایط به حالت عادی بازگشته و آثار رکود برطرف شده است.»

پوزن درباره خسارت‌های واردشده به فعالان گردشگری می‌گوید: «این شرایط باعث ضرر مالی، بیکاری و حتی تعطیلی برخی بنگاه‌های اقتصادی شده است. اقامتگاه‌های گردشگری، رستوران‌ها، هتل‌ها و مجموعه‌های خدماتی دیگری که در حوزه گردشگری فعالیت می‌کنند، همگی از این وضعیت متأثر شده‌اند. اسکله‌ها و سایر بخش‌هایی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به گردشگری وابسته‌اند نیز تحت‌تأثیر کاهش گردشگر قرار گرفته‌اند.»

او درباره راهکار جبران این خسارت‌ها و اینکه آیا می‌توان معیشت جایگزینی برای فعالان این حوزه در نظر گرفت، بیان می‌کند: «در شرایط فعلی، مهم‌ترین امید ما این است که جنگ تمام شود و ثبات به کشور بازگردد. تا زمانی که ثبات وجود نداشته باشد، نمی‌توان انتظار داشت مردم بتوانند سیستم درآمدی خود را دوباره شکل دهند.»

پوزن در پایان تأکید می‌کند: «زنجیره اقتصاد قطع شده است و وقتی این زنجیره قطع شود، تمام بخش‌هایی که به گردشگری وابسته‌اند نیز تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند. بازگشت ثبات می‌تواند زمینه را برای شکل‌گیری دوباره این زنجیره اقتصادی و فعالیت مجدد کسب‌وکارهای گردشگری فراهم کند.»

هیچ حمایتی از اقامتگاه‌های قشم صورت نگرفته است

باوجود تمام وعده‌هایی که به اقامتگاه‌های قشم داده شده بود، هیچ حمایت و تسهیلاتی در اختیارشان قرار نگرفت.

«مجتبی اسماعیلی»، رئیس «جامعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی قشم»، درباره وضعیت هتل‌ها و مراکز اقامتی این جزیره پس از جنگ به خبرنگار «پیام ما» می‌گوید: «ما در خط مقدم جنگ بودیم و متأسفانه شرایط بسیار سختی را پشت سر گذاشتیم. شنیده‌های ما حاکی از آن است که در سرزمین اصلی، تسهیلات و وام‌هایی به مراکز گردشگری، اقامتگاه‌ها و هتل‌ها پرداخت شده، اما در قشم هیچ کمکی به اقامتگاه‌ها و هتل‌ها نشده است.»

او می‌افزاید: «از هفتم دی‌ماه سال گذشته، یعنی از همان روزهای ابتدایی که اعتراضات و ناآرامی‌ها در کشور آغاز شد، گردشگری قشم دچار رکود شده و دیگر مسافری به جزیره نیامده است. این شرایط همچنان ادامه دارد و علاوه بر آن، گرانی و جنگ نیز به مشکلات ما اضافه شده است.»

او ادامه می‌دهد: «بسیاری از اقامتگاه‌های ما در قشم و حتی جزیره هنگام در جریان جنگ آسیب دیده‌اند. به برخی از اقامتگاه‌ها موشک یا پهپاد اصابت کرده و خسارت‌های زیادی به آن‌ها وارد شده است. علاوه بر خسارت مستقیم، این مجموعه‌ها مدت زیادی نیز بدون مسافر بودند و حتی تبلیغات منفی علیه حضور گردشگران در قشم، شرایط را برای آن‌ها سخت‌تر کرد.»

او می‌گوید: «بسیاری از اقامتگاه‌ها در ایام جنگ ۴۰روزه و حتی تا دو ماه پس از آن، در اختیار رزمندگان قرار داشتند. به‌دلیل پراکندگی نیروها در مناطق مختلف، تعدادی از آن‌ها در اقامتگاه‌های قشم مستقر شدند. همچنین زمانی که روستای «مسن» مورد حمله قرار گرفت، بسیاری از همکاران ما در اقامتگاه‌های بوم‌گردی، مردم بومی روستای مسن را به‌صورت رایگان اسکان دادند. بااین‌حال، هیچ‌کدام از این اقدامات دیده نشد و هیچ کمکی به این اقامتگاه‌ها صورت نگرفت.»

اسماعیلی با اشاره به ادامه محدودیت‌ها و لغو برنامه‌های گردشگری می‌افزاید: «باوجود تمام این شرایط، ما همچنان کار خود را ادامه دادیم. اما با توجه به درگیری جدیدی که هفته گذشته اتفاق افتاد، «شورای امنیت استان» جلسه برگزار کرد و تمام برنامه‌ها لغو شد. نگاه بسیار سردی به قشم وجود دارد؛ درحالی‌که در کنار ما جزیره کیش شرایط متفاوتی دارد.»

او ادامه می‌دهد: «در کیش قیمت پرواز تا ۱۸ میلیون تومان هم بالا رفت و بعد دوباره پروازها لغو شد. نمی‌دانم درنهایت برنامه‌هایشان برگزار شد یا نه، اما اکنون، برای مثال، «گروه لیان» در کیش اجرا دارد. در قشم اما هیچ خبری نیست. در چنین شرایطی واقعاً هیچ امیدی به آینده نداریم.»

اسماعیلی درباره درخواست‌های فعالان این حوزه از مسئولان می‌گوید: «باوجود تمام این شرایط، از مسئولان خواستیم دست‌کم کمکی به اقامتگاه‌ها و مراکز اقامتی شود. حتی حداقل کاری که می‌توانستند انجام دهند این بود که برای یک دوره، از اقامتگاه‌ها حق مجوز دریافت نکنند، اما همین کار هم انجام نشد.»

او می‌افزاید: «ما هر سال برای تمدید مجوز سرمایه‌گذاری خود مبلغی را به «منطقه آزاد قشم» پرداخت می‌کنیم. دوستان ما برای تمدید مجوزهایشان درخواست کردند که در این شرایط، این هزینه‌ها بخشوده شود، اما به آن‌ها گفته شد نمی‌توانیم از این درآمد سازمان بگذریم. سؤال ما این است که وقتی مجموعه‌های گردشگری یک سال است درآمدی ندارند، چرا دست‌کم برای مدتی این هزینه‌ها بخشوده نمی‌شود؟»

اسماعیلی با اشاره به مشکلات معیشتی ساکنان و فعالان اقتصادی قشم عنوان می‌کند: «برخی از صاحبان اقامتگاه‌های ما حتی شغل دومشان را از دست داده‌اند. تعدادی از آن‌ها ماهیگیری می‌کردند، اما دریا در شرایط جنگی خطرناک است. ماهیگیران لارک به دریا می‌روند و حتی مواردی از شهادت آن‌ها اتفاق افتاده است. بنابراین نه می‌توانند ماهیگیری کنند و ماهی بفروشند و نه امکان فعالیت عادی در حوزه صادرات و واردات وجود دارد. هرمز نیز درگیر شرایط جنگی است و از طرف دیگر، مسافری به قشم نمی‌آید.»

او هشدار می‌دهد: «اگر به این افراد کمک نشود، بسیاری از آن‌ها دیگر نمی‌توانند ادامه دهند. برخی از فعالان عملاً کار را رها کرده و به شهرستان‌های خود برگشته‌اند و بحث ورشکستگی جدی شده است. واقعیت این است که جنگ در حال از بین بردن بسیاری از کسب‌وکارها و زندگی مردم است.»

اسماعیلی می‌افزاید: «اگر به اقامتگاه‌های بوم‌گردی و مراکز اقامتی جزیره کمک نشود، بسیاری از آن‌ها از بین می‌روند. این‌ها مجموعه‌هایی هستند که سال‌ها برایشان سرمایه‌گذاری شده است و اگر تعطیل شوند، بازگرداندنشان به چرخه فعالیت بسیار دشوار خواهد بود.»

اسماعیلی با اشاره به افزایش هزینه‌های جاری مراکز اقامتی می‌گوید: «در همین ایام جنگ، برای اقامتگاه‌ها قبض‌های سنگین برق صادر شد. برای بعضی از مجموعه‌ها قبض برق بسیار سنگینی آمد و حتی امروز، به‌دلیل بدهی، برق بسیاری از آن‌ها را قطع کردند. هیچ‌گونه مهلت یا کمکی هم در نظر گرفته نشد.»

او می‌گوید: «ما یک سال کار نکرده‌ایم و درآمدی نداشته‌ایم، اما همچنان باید هزینه‌ها را پرداخت کنیم. بعضی‌ها مجبور شده‌اند قرض کنند یا حتی طلای همسرشان را بفروشند تا بتوانند قبض برق را پرداخت کنند. این شرایط درست نیست. مجموعه‌های گردشگری ماه‌ها تعطیل یا بدون مسافر بوده‌اند؛ به همین روی، باید برای پرداخت هزینه‌های جاری آن‌ها مهلت و حمایت در نظر گرفته شود، نه اینکه در چنین شرایطی برق آن‌ها را هم قطع کنند.»

هیچ امیدی به حضور مسافران نداریم

با اینکه پروازها از سر گرفته شده، تعداد مسافران قشم بر مدار صفر است. هیچ مسافری در این جزیره مشاهده نمی‌شود و افرادی که به قشم سفر می‌کنند، یا به دلایل کاری به این جزیره می‌آیند یا برای دیدوبازدید با اقوام.

«طیب اسلامی»، مدیر یک آژانس گردشگری در جزیره قشم، درباره اینکه با ازسرگیری پروازها به قشم چه تعداد پرواز انجام می‌شود و آیا می‌توان انتظار ورود مسافر و گردشگر داشت، به خبرنگار پیام ما می‌گوید: «مسافری در کار نیست.»

او با اشاره به گرمای هوا، تورم و جنگ می‌گوید: «اول جنگ و بعد هزینه سفر موجب شده مردم جزیره قشم را از فهرست سفرهایشان خط بزنند. باوجود جنگ و کاهش چشمگیر قدرت خرید مردم، طبیعتاً سفر در اولویت آن‌ها نیست.»

اسلامی درباره افزایش قیمت بلیت هواپیما نسبت به دوره‌ای که پروازها انجام می‌شد و سپس متوقف شد، می‌گوید: «قیمت بلیت پروازها نسبت به قبل از جنگ دو برابر و حتی بیشتر شده است.»

او درباره شرایط ادامه فعالیت مجموعه‌های گردشگری در قشم بیان می‌کند: «در چنین شرایطی چه کاری از دست ما برمی‌آید؟ باید شرایط کشور تغییر کند و مسئولان ما مقداری باوجدان‌تر و مهربان‌تر باشند و بیشتر به فکر مردم باشند.»

اگر امیدمان به مسئولان باشد، باید تعطیل کنیم

اسلامی در پاسخ به این پرسش که برای تاب‌آوری مجموعه‌های گردشگری چه راهکاری دارد، می‌گوید: «اگر امیدمان به وعده‌ها و صحبت‌های مسئولان باشد، باید از همین حالا تعطیل کنیم و برویم. هیچ راهکاری وجود ندارد. آنچه گفته می‌شود بیشتر شعار است و نوعی گفتاردرمانی است. شرایط به‌صورت پلکانی سخت‌تر می‌شود و درنهایت می‌تواند به یک مرگ خاموش منجر شود.»

او می‌افزاید: «تا زمانی که هر فرد در جای خودش قرار نگیرد و مسئولیت خود را به‌درستی انجام ندهد، نمی‌توان انتظار داشت راهکاری برای حل مشکلات پیدا شود.»

اسلامی بیان می‌کند: «ما از بزرگ‌ترهایمان شنیده‌ایم که در هشت سال «دفاع مقدس»، باوجود جنگ، مردم امکان تأمین معیشت خود را داشتند. دلیل اصلی هم این بود که مسئولان خودشان در جبهه بودند و فرزندانشان نیز در جبهه حضور داشتند. امروز اما شرایط متفاوت است؛ فرزندان برخی مسئولان خارج از کشور هستند و خود مسئولان نیز تصمیم‌هایی می‌گیرند که به باور من، به نفع مردم نیست. برخی به فکر مردم نیستند و علت بخش زیادی از مشکلات همین است.»

اسلامی می‌گوید: «من کار تبلیغاتی انجام داده‌ام و برای معرفی گردشگری همه کار کرده‌ام؛ از ساخت فیلم مستند گردشگری گرفته تا فیلم سینمایی و تولید آهنگ و موسیقی درباره قشم و گردشگری. اما یک جمله معروف داریم که می‌گوید: «یک دست صدا ندارد.» واقعاً هم یک دست نمی‌تواند کاری از پیش ببرد.»

او با اشاره به وضعیت اقتصادی فعالان گردشگری قشم بیان می‌کند: «امروز گردشگری و خدمات گردشگری در قشم به شغل دوم و سوم و حتی شغلی زیان‌ده تبدیل شده است. من درحال‌حاضر ماهانه حدود ۱۰۰ میلیون تومان حقوق پرسنل پرداخت می‌کنم و حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان نیز هزینه بیمه می‌دهم. یعنی فقط برای اینکه بتوانم پرسنل خود را نگه دارم، هر ماه هزینه سنگینی پرداخت می‌کنم.»

اسلامی درباره راهکارهای تاب‌آوری در شرایط کنونی می‌گوید: «من از درآمدهای قبلی‌ام استفاده می‌کنم و با آن دوام می‌آورم، اما دیگر ادامه این وضعیت امکان‌پذیر نیست. به تعطیلی فکر کرده‌ام و حتی برای بچه‌ها بیمه بیکاری رد کرده‌ام.»

او ادامه می‌دهد: «هنوز دفتر کار را به‌طور کامل تعطیل نکرده‌ام. در گذشته ماهانه حدود ۱۵۰ میلیون تومان هزینه داشتیم و این هزینه از محل فعالیت مجموعه تأمین می‌شد، اما حالا درآمدی وجود ندارد و ماهانه حدود ۵۰ تا ۶۰ میلیون تومان هزینه به ما تحمیل می‌شود. این هزینه را پرداخت می‌کنیم تا شاید بتوانیم چند ماه بیشتر دوام بیاوریم، اما با ادامه این شرایط، دوام آوردن بسیار سخت است.»

او در پایان درباره تسهیلاتی که برای فعالان گردشگری اعلام شده است، می‌گوید: «وامی هم که از طرف حوزه گردشگری اعلام شد، تا این لحظه به دست ما نرسیده و عملاً کمکی به مجموعه‌های گردشگری نشده است.»

ازسرگیری پروازهای قشم

مدیرکل «فرودگاه بین‌المللی قشم» از ازسرگیری پروازهای بین‌المللی این فرودگاه پس از شش ماه وقفه خبر داد و گفت: «پروازهای مسیر دبی ـ قشم ـ دبی از ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۵ با یک فروند هواپیمای ایرباس A۳۲۰ برقرار می‌شود.»

«محمد توکلی» با اعلام این خبر اظهار کرد: «پس از وقفه‌ای شش‌ماهه در برقراری پروازهای بین‌المللی به‌دلیل شرایط حاکم، شرکت هواپیمایی «قشم‌ایر» از روز سه‌شنبه ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۵ پروازهای مسیر دبی ـ قشم ـ دبی را از سر می‌گیرد.»

او افزود: «این پرواز در روزهای سه‌شنبه ۱۷ و ۲۴ شهریورماه انجام می‌شود و در صورت تداوم برنامه، زمینه برای توسعه و استمرار پروازهای بین‌المللی از فرودگاه قشم فراهم می‌شود.»

مدیرکل فرودگاه بین‌المللی قشم ادامه داد: «پرواز شماره ۲۲۰۰ از دبی وارد فرودگاه بین‌المللی قشم می‌شود و پرواز شماره ۲۲۰۱ نیز مسیر بازگشت قشم به دبی را طی می‌کند.»

| خبر |

مقبره «نگهبان اسرار» فرعون کشف شد

باستان‌شناسان از کشف مقبره‌ای باستانی متعلق به «نگهبان اسرار فرمان‌های سلطنتی» در سقاره مصر خبر دادند.

«لایو ساینس» نوشت این آرامگاه مجلل متعلق به مقامی به نام «سخنتیوپتاه» (Sekhentio-Ptah) است که در دوران پادشاهی کهن (۲۶۴۹ تا ۲۱۵۰ پیش از میلاد)، دوره‌ای که به ساخت اهرام از جمله اهرام جیزه شهرت دارد، زندگی می‌کرد.

اگرچه عنوان «نگهبان اسرار فرمان‌های سلطنتی» ممکن است مرموز به نظر برسد، اما به‌گفته «آن میسی راث» (Ann Macy Roth)، استاد بالینی مصرشناسی در «دانشگاه نیویورک» که در این کاوش مشارکت نداشته است، این عنوان احتمالاً بیشتر عنوانی اداری بوده است.

راث در ایمیلی به لایو ساینس گفت: «این عنوان احتمالاً صرفاً به این معناست که او به‌عنوان کسی که مسئول اسناد سلطنتی و کاتبان آن‌هاست، به اطلاعات محرمانه دسترسی داشته است. این عنوانی رایج در میان کاتبان سلطنتی است.»

به‌گفته نمایندگان «وزارت گردشگری و آثار باستانی مصر»، این مقام، یعنی سخنتیوپتاه، براساس کتیبه‌های مقبره‌اش، عناوین دیگری از جمله «ناظر بر تمامی کارهای پادشاه» و «ناظر بر اسناد سلطنتی» نیز داشته است.

باستان‌شناسان با کاوش درون این مقبره، یک میز پیشکش، یک حوض تطهیر و دو درِ کاذب پیدا کردند. درِ کاذب، دری نمادین است که معمولاً در مقبره‌های باستانی مصر کشف می‌شود؛ چراکه اعتقاد بر این بود که به روح امکان می‌دهد به اختیار از مقبره خارج و وارد شود. به‌گفته راث، طراحی این درهای کاذب نشان می‌دهد که قدمت آن‌ها به اواخر سلسله پنجم یا اوایل سلسله ششم، یعنی حدود ۴۳۵۰ سال پیش، بازمی‌گردد. ا ایسنا

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه عمومی (یک‌مرحله‌ای)

مناقصه‌گزار: شرکت توزیع نیروی برق غرب مازندران

موضوع مناقصه: تجدید مناقصه تبدیل سیم شبکه توزیع برق فشار ضعیف هوایی به کابل خود نگهدار و ترمیم شبکه مسروقه به شرح ذیل:

ردیف	شماره مناقصه	شرح مناقصه	مبلغ پایه به ریال	مبلغ تضمین شرکت در مناقصه (فرایند ارجاع کار) به ریال
۱	۱۴۰۵/۱۵۴-۰۳	تجدید مناقصه تبدیل سیم شبکه توزیع برق فشار ضعیف هوایی به کابل خودنگهدار و ترمیم شبکه مسروقه مرزن آباد	۲۸,۵۰۰,۳۶۷,۴۱۲	۱,۴۲۵,۰۱۸,۳۷۱
۲	۱۴۰۵/۱۵۴-۰۶	تجدید مناقصه تبدیل سیم شبکه توزیع برق فشار ضعیف هوایی به کابل خودنگهدار و ترمیم شبکه مسروقه بخش نشتارود	۳۱,۰۰۴,۹۷۵,۷۴۱	۱,۵۵۰,۲۴۸,۷۸۷
۳	۱۴۰۵/۱۵۴-۰۸	تجدید مناقصه تبدیل سیم شبکه توزیع برق فشار ضعیف هوایی به کابل خودنگهدار و ترمیم شبکه مسروقه بخش خرم آباد	۳۶,۵۰۰,۰۲۲,۰۵۰	۱,۸۲۵,۰۰۱,۱۰۳

مهلت خرید و نحوه دریافت اسناد مناقصه:
داوطلبان می‌توانند از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ لغایت روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ به‌منظور دریافت اسناد به سامانه الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

مبلغ خرید اسناد مناقصه: مبلغ ۳.۵۰۰.۰۰۰ ریال به‌ازای خرید هر اسناد در مدت‌زمان تعیین شده در بند فوق به‌حساب سپهر (شماره: ۰۱۰۱۸۵۳۷۶۵۰۰۵) بانک صادرات کد ۲۰۰۸

نوع تضمین شرکت در مناقصه (فرایند ارجاع کار) به شرح زیر می‌باشد:
- ضمانت‌نامه بانکی حداقل با اعتبار سه ماه و قابل‌تمدید به مدت سه ماه دیگر
- اصل فیش واریز وجه به‌حساب جام به شماره ۱۶۷۲۰۴۰۵/۵۰ بانک ملت شعبه مرکزی چالوس
- ضمانتنامه صادره توسط موسسات بیمه‌گر دارای مجوز لازم برای فعالیت و صدور ضمانت‌نامه از سوی بیمه مرکزی ایران
- کسر از محل مطالبات به‌صورت سند حسابداری از محل مطالبات قطعی تایید شده از سوی امور مالی

تاریخ بارگزاری پاکات مناقصه:
روز شنبه (ساعت ۰۸:۰۰) مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۴

تاریخ گشایش پاکات مناقصه:
زمان بازگشایی ساعت ۰۹:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۴ در محل حوزه ستاد - دفتر کمیسیون مناقصه و مزایده

سایر شرایط:
- هزینه آگهی هر دو نوبت بر عهده دستگاه مناقصه‌گزار می‌باشد.
- به پیشنهادهای فاقد امضاء/ مشروط/ مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از مدت انقضاء مقرر در فراخوان واصل می‌شود/ مطلقاً ترتیب اثر داده نمی‌شود.
- اعتبار موضوع مناقصه از محل منابع داخلی می‌باشد.
- حضور یک نفر از طرف مناقصه‌گران با ارائه معرفی‌نامه کتبی در جلسه گشایش پاکات آزاد می‌باشد.
- سایر اطلاعات و جزییات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

چاپ نوبت اول روز سه‌شنبه مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ - چاپ نوبت دوم روز چهارشنبه مورخ: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
روابط‌عمومی شرکت توزیع نیروی برق غرب مازندران

شناسه آگهی: ۲۲۷۰۱۹۴

نوبت دوم

فراخوان مناقصه عمومی

شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

توجه: اعلام آمادگی جهت شرکت در این مناقصه صرفاً بصورت الکترونیکی (توکن) و از طریق سامانه ستاد به نشانی www.setadIran.ir می‌باشد.
مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای شماره م م/۰۵/۰۱۶۹ مربوط به احداث جاده و محل چاه شرق ۰۸۹ جنوب (ج) گچساران

الف- شرح مختصر خدمات
انجام عملیات تخریب، عملیات خاکی، عملیات بنایی با سنگ، اندود و بندکشی، قالب‌بندی و چوب‌بست، کارهای فولادی، بتن‌ریزی، زیراساس، اساس و بالاست، نصب علائم و تجهیزات ایمنی، مرمت محوطه چاه، مرمت سلر، مرمت گودال آبگل، مرمت گودال سوخت، ژئومبراین، احداث آبرو و پل بتنی در طول مسیر و جاده دسترسی مدنظر می‌باشد.

ب- محل اجرای خدمات و مدت انجام کار
محل اجرای خدمات در ۵۰ کیلومتری گچساران و مدت انجام آن ۱۰ ماه می‌باشد.

ج- برآورد کارفرما
برآورد کارفرما جهت انجام خدمات -/۵۰۷,۵۰۷,۵۳۵,۲۱۳ ریال و تعدیل‌پذیر می‌باشد

د- شرایط مناقصه‌گران متقاضی
- داشتن ظرفیت آزاد (تعدادی و ریالی) در رشته مربوطه
مناقصه‌گران دارای حداقل پایه ۵ گرایش ساختمان و ابنیه و حداقل پایه ۵ گرایش راه‌وترابری - در تعیین برنده مناقصه و در شرایط برابر، الویت با شرکت‌های بومی استانی می‌باشد.- توانایی ارائه تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ -/۲۵,۳۷۵,۳۷۶,۷۶۱ ریال که بایستی به یکی از دو صورت زیر ارائه گردد:
الف: ارائه رسید وجه صادره از سوی حسابداری کارفرما مبنی بر واریز مبلغ فوق الذکربه شماره‌حساب IR940100004001111604022067 نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران شعبه مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اهوازکد ۰ حساب - بنام شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب
ب: ارائه ضمانتنامه بانکی به میزان مبلغ فوق‌الذکر طبق فرم نمونه که ابتدا برای مدت (۹۰ روز) معتبر بوده وپس از آن نیز با اعلام کارفرما برای مدت (۹۰ روز) دیگر قابل‌تمدید باشد.
- توانایی ارائه ۵٪ مبلغ پیمان (در صورت برنده‌شدن) بعنوان تضمین انجام تعهدات - صورت‌های مالی حسابرسی شده، می‌بایست در زمان انعقاد قرارداد در سامانه پردیس ثبت شده باشد. مناقصه‌گر جهت تحویل تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار علاوه بر بارگذاری تصویر تضمین از طریق سامانه لازم است بصورت حضوری به دفتر کمیسیون مناقصات در اهواز، کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان طرح‌های راه و ساختمان در مهلت مقرر مراجعه و تضمین را تسلیم‌نمایند.
توجه: ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار و انجام تعهدات صادره توسط بانک پاسارگاد قابل‌پذیرش نمی‌باشد.

هـ- محل و مهلت دریافت مدارک مناقصه‌گران
از کلیه متقاضیان واجد شرایط دعوت به عمل می‌آید ظرف مهلت مقرر در این فراخوان جهت دریافت اسناد و اعلام آمادگی از طریق سامانه ستاد و به نشانی www.setadIran.ir مراجعه نمایند تا ارزیابی‌های لازم وفق آیین‌نامه اجرایی بند ج ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات (ارزیابی ساده) بر روی مدارک ارسالی مناقصه‌گران به عمل آید.

* مهلت اعلام آمادگی: بصورت الکترونیکی (غیرحضوری) از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۸ لغایت ساعت ۱۹:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۸

• محل، زمان تحویل وگشایش پیشنهادها
متقاضیان مکلفند پیشنهادات خود را حداکثر تا ساعت ۱۲:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ به‌صورت الکترونیکی و از طریق سامانه ستاد تسلیم نمایند. ضمناً پیشنهادات در ساعت ۰۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۸/۰۴ گشایش و قرائت خواهد شد و حضور نماینده مناقصه‌گران با معرفی‌نامه و کارت شناسایی معتبر بلامانع است. همچنین مناقصه‌گران می‌بایست ضمن بارگذاری الکترونیکی تصویر تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار در سامانه تا ساعت ۱۲:۳۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۲۹ اصل تضمین مذکور را به‌صورت فیزیکی به کمیسیون مناقصات شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب در آدرس: اهواز - کوی فدائیان اسلام مجتمع تندگویان، واقع در روبروی بلوک دو، ساختمان سابق طرح‌های راه و ساختمان تسلیم نمایند.
همزمان ارائه معرفی‌نامه و کارت ملی برای متقاضیان شرکت در مناقصه و نمایندگان شرکت‌ها در همه مراحل لازم و ضروری می‌باشد.
تذکر: حسب مورد ارائه یک نسخه اصلی از اساسنامه شرکت‌ها، آگهی تاسیس، آخرین تغییرات ثبتی و هرگونه گواهی مبنی بر واجد شرایط بودن شرکت مطابق با مفاد آگهی الزامی می‌باشد.

WWW.NISOC.IRhttp://iets.mporg.ir

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۷ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸

امور حقوقی و قراردادها - شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب

شناسه آگهی: ۲۲۷۶۹۱۹

خراسان جنوبی

مدیریت هوشمند و رفع بیش از ۲۴ هزار حادثه شبکه آب در خراسان جنوبی

براتی - مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب خراسان جنوبی از فعالیت شبانه‌روزی اکیپ‌های عملیاتی برای رفع حوادث شبکه آب‌وفاضلاب و پایداری جریان آب در استان خبر داد.
حسین توکلی با بیان اینکه پایداری شبکه توزیع آب و جلوگیری از هدررفت منابع، از اولویت‌های اصلی این شرکت است، گفت: «اکیپ‌های واکنش سریع حوادث و اتفاقات آبفای خراسان جنوبی، به طور مستمر و در کمترین زمان ممکن، نسبت به شناسایی و رفع نقاط بحرانی در شبکه اقدام می‌کنند.»
وی با ارائه آمار عملیاتی این بخش اظهار داشت: «در بازه زمانی اخیر، ۲۴ هزار و ۴۹۸ مورد حادثه در شبکه‌های آب‌وفاضلاب استان با موفقیت رفع گردیده است.»
مدیرعامل آبفای خراسان جنوبی جزئیات این عملیات را این‌گونه تشریح کرد: «از مجموع حوادث ثبت‌شده، ۲۴ هزار و ۱۱۶ مورد مربوط به حوادث شبکه توزیع و انشعابات آب بوده و ۳۸۲ مورد نیز به حوادث مرتبط با شبکه فاضلاب اختصاص داشته است که با اعزام به‌موقع اکیپ‌های فنی به محل‌های اعلامی، تمامی این موارد دراسرع‌وقت برطرف و شبکه به حالت پایدار بازگشته است.»
توکلی در پایان ضمن قدردانی از تلاش‌های میدانی نیروهای عملیاتی خاطرنشان کرد: «حفظ پایداری شبکه، خط قرمز ماست و تیم‌های فنی شرکت با تجهیزات کامل در سراسر استان برای مقابله با حوادث احتمالی آمادگی کامل دارند تا آرامش و آسایش مردم تأمین گردد.»

هرمزگان

مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب هرمزگان:

مخزن ذخیره آب مناسب در منازل، ضرورتی برای عبور از زمان‌های افت فشار و قطعی آب است

قاسمی-مدیرعامل شرکت آب‌وفاضلاب هرمزگان با تأکید بر ضرورت تجهیز منازل به مخزن ذخیره آب گفت: استفاده از مخزن ذخیره، نقش مهمی در تأمین آب موردنیاز خانوارها در زمان قطعی، مدیریت فشار شبکه و ساعات اوج مصرف دارد.
به گزارش روابط عمومی شرکت آب‌وفاضلاب هرمزگان، عبدالحمید حمزه‌پور اظهار کرد: باتوجه‌به شرایط تأمین و مصرف آب، شهروندان باید برای مدیریت شرایطی مانند قطعی موقت آب، افت یا مدیریت فشار شبکه و افزایش مصرف در ساعات پیک، نسبت به‌پیش بینی مخزن ذخیره مناسب در منازل اقدام کنند.
وی افزود: وجود مخزن ذخیره آب موجب می‌شود خانوارها در زمان بروز اختلالات موقت در شبکه، وابستگی کمتری به فشار شبکه داشته باشند و آب موردنیاز خود را از ذخیره موجود تأمین کنند. حمزه‌پور با اشاره به الزامات مبحث شانزدهم مقررات ملی ساختمان در زمینه تأسیسات بهداشتی و ذخیره‌سازی آب، بیان کرد: در این مقررات، ذخیره‌سازی آب برای جلوگیری از قطع آب ساختمان هنگام قطع ورودی از شبکه شهری، جلوگیری از انتقال حداکثر مصرف ساختمان به شبکه و همچنین واپایش فشار آب پیش‌بینی‌شده است.
مدیرعامل آبفای هرمزگان ادامه داد: مخزن ذخیره آب باید متناسب با نیاز ساختمان، به‌صورت استاندارد و با رعایت الزامات بهداشتی نصب شود تا ضمن تأمین آب موردنیاز خانوار در شرایط قطعی یا افت فشار، از آلودگی و هدررفت آب نیز جلوگیری شود.

چهارمحال‌وبختیاری

«مهندس شفیعی» در نشست هیئت‌مدیره شرکت گاز استان تأکید کرد

تکیه بر مدیریت پیش‌دستانه و افزایش تاب‌آوری زیرساخت‌های گازرسانی در چهارمحال‌وبختیاری

شاه وردی- مهندس شفیعی، رئیس هیئت‌مدیره شرکت گاز استان چهارمحال‌وبختیاری، در نشست اخیر هیئت‌مدیره، رویکردهای نوین این شرکت در حوزه مدیریت پیش‌دستانه و ارتقای تاب‌آوری تجهیزات و زیرساخت‌های گازرسانی را مطلوب و عالی ارزیابی کرد.
به گزارش روابط عمومی شرکت گاز استان چهارمحال‌وبختیاری، مهندس شفیعی در این جلسه با تأکید بر ضرورت آینده‌پژوهی در صنعت گاز، اظهار داشت: «رویکرد شرکت گاز استان در عبور از مدیریت انفعالی به سمت مدیریت پیش‌دستانه، گامی راهبردی برای صیانت از دارایی‌های فیزیکی و تداوم پایدار خدمات‌رسانی به مردم شریف استان است. افزایش ضریب تاب‌آوری تجهیزات و زیرساخت‌ها در برابر حوادث احتمالی، اولویت اصلی ما در برنامه‌ریزی‌های کلان است.» رئیس هیئت‌مدیره شرکت گاز استان در ادامه به اهمیت فرهنگ‌سازی و اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف اشاره کرد و افزود: «اجرای طرح‌های مؤثر و نوآورانه در راستای ترویج فرهنگ مصرف بهینه گاز طبیعی در میان مشترکین، نه‌تنها منجر به پایداری شبکه در فصول سرد سال می‌شود، بلکه یک مسئولیت اجتماعی مهم است که خوشبختانه با استقبال و همراهی هم‌داستانی‌های عزیز نیز همراه بوده است.» وی عملکرد مجموعه در این حوزه‌ها را «عالی» توصیف کرد و افزود: «تلفیق دانش فنی و استفاده از فناوری‌های نوین در نگهداری پیش‌دستانه شبکه، در کنار اجرای طرح‌های تشویقی و آموزشی برای بهینه‌سازی مصرف، نشان‌دهنده پویایی و بلوغ سازمانی در شرکت گاز استان چهارمحال‌وبختیاری است.»

خبر

دیدار استاندار مرکزی با مدیرعامل «پتروشیمی شازند»

آزاده فراهانی - مهدی زندیه وکیلی، استاندار مرکزی، با حضور در دفتر مرکزی شرکت پتروشیمی شازند، با عباس کریمی مدیرعامل و عضو هیئت‌مدیره این شرکت، دیدار و گفتگو کردند.
به گزارش روابط‌عمومی و امور بین‌الملل، در این دیدار کریمی ضمن قدردانی از حمایت‌های استاندار مرکزی از شرکت پتروشیمی شازند و حضور ایشان، گزارشی از مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های این شرکت، به‌ویژه عملکرد پتروشیمی شازند در جریان دو جنگ تحمیلی اخیر، ارائه کرد.
مدیرعامل پتروشیمی شازند با تأکید بر تداوم فعالیت‌های تولیدی شرکت اظهار داشت: باوجود تهدیدات دشمن آمریکایی - صهیونیستی، مدیران، کارکنان و کارگران تلاش‌گر پتروشیمی شازند با حضور و تلاش شبانه‌روزی خود، از هرگونه وقفه در فرایند تولید جلوگیری نموده و با استمرار تولید، نقش مؤثری در تأمین نیازهای کشور در شرایط جنگی ایفا کردند.
در ادامه، زندیه وکیلی با تأکید بر نقش شرکت پتروشیمی شازند در تأمین نیازهای اساسی مواد اولیه صنایع پایین‌دستی و اقتصاد کشور، از تلاش‌ها و زحمات مدیریت و همه کارکنان و کارگران پتروشیمی شازند در راستای حرکت در مسیر صعودی و روبه‌رشد این شرکت تقدیر و بر حمایت همه‌جانبه مدیریت استان مرکزی با فعالیت‌ها و اقدامات پتروشیمی شازند تأکید نمود.

گلستان

پیش‌گامی گلستان در کشف مزارع غیرمجاز رمزارز

جرم‌انگاری و محرومیت یک‌ساله متخلفان از یارانه برق در دستور کار است

مؤمنی - سید احمد موسوی، مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان، در جلسه کارگروه مقابله با مفاسد استخراج رمزدارایی‌ها که با حضور کیایی، معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان و جمعی از مدیران دستگاه‌های اجرایی استان برگزار شد، از برخورد قاطع، بدون تسامح و همه‌جانبه با سوداگران انرژی خبر داد.
به گزارش روابط‌عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان، سید احمد موسوی با اشاره به اقدامات فنی و هوشمند این شرکت در شناسایی مراکز غیرمجاز اظهار داشت: «با به‌کارگیری ابزارهای نوین، فناوری‌های روز و پایش مستمر شبکه موفق شدیم ۳۵۸ دستگاه ماینر غیرمجاز را در سطح استان کشف و جمع‌آوری کنیم. این آمار نشان‌دهنده رشد ۱۴ درصدی کشفیات نسبت به سال گذشته است و استان گلستان را در ردیف استان‌های برتر و پیشرو کشور در زمینه صیانت از بار شبکه و مقابله با سودجویان قرار داده است.»
وی با تأکید بر بازدارندگی تدابیر قانونی جدید افزود: «در حال حاضر مجازات کشف هر مرکز غیرمجاز استخراج رمزدارایی مشمول پرداخت جریمه نقدی و پرداخت خسارت و بهای خدمات مصرفی غیرمجاز است؛ اما به‌زودی و با پیگیری‌های ویژه وزارت نیرو در مجلس شورای اسلامی تشدید مجازات جهت برخوردهای قضایی محکم‌تر با مرتکبین این جرائم صورت خواهد گرفت.»
مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق گلستان در ادامه به ابعاد گوناگون تخلفات حوزه انرژی اشاره کرد و گفت: «طبق سازوکار ابلاغی وزارت نیرو، با هرگونه استفاده غیرمجاز از شبکه از جمله استخراج غیرمجاز رمزارز، دست‌کاری کنتور، ایجاد انشعاب‌های غیرمجاز و مصارف خارج از محدوده پروانه و مجوز، برخوردی قاطع و قانونی صورت می‌پذیرد.»
موسوی با تشریح ضمانت اجراهای تنبیهی برای متخلفان تصریح کرد: «افرادی که اقدام به استفاده غیرمجاز از انرژی کنند، علاوه بر پرداخت جرایم قانونی، به مدت یک سال از دریافت هرگونه یارانه انرژی محروم می‌شوند و بهای برق مصرفی آنان طی این مدت بر اساس تعرفه آزاد محاسبه و اخذ خواهد شد.»
وی در پایان هدف اصلی از این تصمیمات راهبردی را تحقق عدالت در توزیع انرژی، حفظ پایداری شبکه سراسری برق و صیانت از حقوق مشترکان قانون‌مدار عنوان کرد و یادآور شد که هیچ‌گونه مماشاتی با تضییع‌کنندگان حقوق عمومی انجام نخواهد شد.
روابط‌عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان گلستان

خوزستان

پیشرفت ۸۵ درصدی طرح‌های توسعه‌ای آغاجاری برای افزایش ظرفیت فرآورش و تولید نفت و حدود ۶۵ درصدی پروژه‌های کاهش گازسوزی

عامری - مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری از پیشرفت ۸۵ درصدی پروژه‌های مهم نمک‌زدایی و توسعه فرآورش و ۶۵ درصدی جمع‌آوری گازهای مشعل این شرکت خبر داد و گفت: اجرای این طرح‌ها ضمن افزایش ظرفیت فرآورش و پایداری تولید، زمینه کاهش گازسوزی و بازگشت گازهای همراه به چرخه مصرف را فراهم می‌کند.
به گزارش روابط‌عمومی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، محسن دهبان‌پور در جلسه پیگیری طرح‌های توسعه‌ای این شرکت اظهار کرد: پروژه‌های توسعه‌ای شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری در بخش‌های نمک‌زدایی، افزایش ظرفیت فرآورش و جمع‌آوری گازهای همراه با جدیت در حال اجراست.
وی افزود: علاوه بر اجرای پروژه‌های در پنج ماه نخست سال، برای نگهداشت و افزایش تولید در مجموع ۴۵۹ روز دستگاه عملیات، روی ۶۵ حلقه چاه فعالیت داشته شامل تزریق حلال، مشبک‌کاری و تولید با استفاده از دستگاه‌های عملیاتی از جمله این اقدامات بوده است.
مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری میزان تولید گاز این شرکت را حدود ۷۸۲ میلیون فوت مکعب در روز اعلام کرد و گفت: از این میزان، ۳۷۱ میلیون فوت مکعب در روز جمع‌آوری و ۴۱۱ میلیون فوت مکعب به مشعل ارسال می‌شود که با بهره‌برداری از طرح‌های جمع‌آوری گاز، حجم گازسوزی کاهش خواهد یافت.
دهبان‌پور با اشاره به پیشرفت ۸۵ درصدی پروژه احداث بنک نمکی رگ سفید ۱ بیان کرد: این پروژه با ظرفیت ۷۰ هزار بشکه در روز شامل ۶۰ هزار بشکه نفت و ۱۰ هزار بشکه آب همراه در حال اجراست.
وی همچنین از پیشرفت ۸۵ درصدی پروژه نصب نمک‌گیر برقی انتقالی از شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مسجدسلیمان خبر داد و افزود: با راه‌اندازی این پروژه که برای پایان شهریورماه سال جاری هدف‌گذاری شده است، حدود ۲۵ هزار بشکه به ظرفیت نمک‌زدایی افزوده می‌شود.
مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز آغاجاری ادامه داد: پروژه اصلاحیه واحد بهره‌برداری رامشیر برای افزایش ظرفیت واحد نیز با حدود ۹۰ درصد پیشرفت فیزیکی در حال اجراست و با تکمیل آن، ظرفیت فرآورش این واحد از ۶۰ هزار به حدود ۷۵ هزار بشکه در روز افزایش می‌یابد.
دهبان‌پور همچنین از اجرای برنامه گسترده تعمیرات اساسی تجهیزات و تأسیسات خبر داد و گفت: تعمیرات اساسی تجهیزات ثابت، مخازن و کارخانه‌ها و اجرای حدود پنج هزار مورد ساپورت‌گذاری روی خطوط لوله از جمله اقدامات انجام‌شده در این بخش است.
وی تأکید کرد: مجموعه این طرح‌ها باهدف افزایش ظرفیت تولید و فرآورش، کاهش گازسوزی، ارتقای ایمنی و پایداری تأسیسات و فراهم‌کردن زمینه استمرار و افزایش تولید اجرا و در حال تکمیل است.

خوزستان

تحقق ۱۰۰ درصدی برنامه تولید «نفت و گاز مارون»

جمع‌آوری گازهای مشعل شتاب گرفت

عامری - مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون از تحقق ۱۰۰ درصدی برنامه تولید نفت و گاز این شرکت در سال ۱۴۰۴ خبر داد و گفت اقدامات مؤثری در راستای استمرار و افزایش تولید شرکت در حال اجرا است.
به گزارش روابط‌عمومی شرکت ملی مناطق نفت‌خیز جنوب، قباد ناصری در جلسه پیگیری طرح‌های توسعه‌ای این شرکت در حضور حمید بورد، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران، با اشاره به آفتاب‌گرفتن روند جمع‌آوری گازهای مشعل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون تصریح کرد: با انجام اقدامات اصلاحی توسط این شرکت و راه‌اندازی طرح‌های جمع‌آوری گاز (توسط بخش خصوصی)، در سال گذشته بیش از ۵۰ میلیون فوت مکعب در روز گازهای مشعل جمع‌آوری شد که در نتیجه آن میزان گاز سوزی به کمتر از ۶ درصد کاهش یافت.
وی افزود: با راه‌اندازی طرح‌های جدید در سال جاری و سال آینده، این میزان گاز نیز جمع‌آوری خواهد شد که علاوه بر جنبه‌های زیست‌محیطی، تأمین گاز موردنیاز شبکه سراسری و خوراک صنایع پتروشیمی، سود و صرفه اقتصادی قابل‌توجهی را نیز به همراه خواهد داشت.
ناصری با اشاره به میدان شادگان و مخزن کوپال آسماری گفت: توسعه این میدان و مخزن در قالب قراردادهای IPC به دو شرکت خارجی واگذار و باتوجه به یکپارچگی تأسیسات و مجتمع‌های عملیاتی موجود، واگذاری توسعه‌بخش تنگستان میدان کوپال نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.
مدیرعامل شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در خصوص وضعیت تزریق گاز در مخازن تحت سرپرستی این شرکت تأکید کرد که با انجام تعمیرات اساسی و دوره‌ای علاوه بر آماده‌سازی تجهیزات دوار، ظرفیت تزریق به دوبرابر افزایش‌یافته که این مهم نیز نقش مؤثری را در نگهداشت تولید صیانتی از مخازن ایفا می‌کند.
وی در پایان خواستار رسیدگی و توجه ویژه نسبت به حل مسائل مرتبط با سرمایه‌های انسانی به‌عنوان ارزشمندترین سرمایه سازمان شد

صیانت از شبکه تا جذب سرمایه برای جهش انرژی خورشیدی

مهدی پاک‌طینت، مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق استان سمنان، صیانت از شبکه، مدیریت مصرف و تسهیل سرمایه‌گذاری در انرژی‌های تجدیدپذیر را سه محور مکمل برای تأمین برق پایدار و عبور از ناترازی انرژی این استان دانست.
وی با اشاره به اقدامات مقابله با مصارف غیرمجاز، از اجرای طرح‌های پایش شبکه، جمع‌آوری مراکز استخراج غیرمجاز رمزارز، توسعه کنتورهای هوشمند و ادامه طرح ملی «مهتاب» برای کاهش هدررفت انرژی خبر داد.
پاک‌طینت با تأکید بر اینکه صیانت از شبکه، صیانت از حقوق مشترکان و سرمایه‌های صنعت برق است، تصریح کرد: مدیریت مصارف خارج از الگو، زمینه توزیع عادلانه‌تر انرژی را فراهم می‌کند.
وی در ادامه با اشاره به ظرفیت‌های کم‌نظیر سمنان، تابش مناسب خورشید و اراضی مستعد را عامل توسعه نیروگاه‌های خورشیدی دانست و گفت: جهش در تولید برق خورشیدی نیازمند حضور جدی بخش خصوصی است و شرکت توزیع، آمادگی تسهیل فرایند اتصال نیروگاه‌های تجدیدپذیر به شبکه را دارد.
مدیرعامل توزیع برق سمنان توسعه نیروگاه‌های خورشیدی را در کنار تولید پراکنده و خودتأملی صنایع مؤثر در کاهش فشار شبکه در ساعات اوج دانست و تأکید کرد: جذب سرمایه فقط با توسعه هم‌زمان زیرساخت‌های شبکه نتیجه می‌دهد؛ لذا آینده صنعت برق، در گرو شبکه‌ای پایدار، مصرفی بهینه و تولیدی تنوع‌یافته و پاک است.

وزیر نیرو در عسلویه خبر داد

سهم مردم از خورشید

عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، در حاشیه آئین آغاز عملیات اجرایی پست ۱۳۲.۲۰ کیلوولت چاه مبارک در شهرستان عسلویه، ضمن پیگیری چالش‌های صنعت برق استان بوشهر و کشور، بر لزوم تداوم همکاری مردم در مدیریت مصرف تأکید کرد. وی با بیان اینکه کشور در مسیر رسیدن به شرایط پایدارتر قرار دارد، تصریح کرد: باهمت متخصصان داخلی و پیگیری‌های مستمر، مشکلات حوزه برق به‌زودی مرتفع می‌شود؛ اما کماکان از مردم تقاضا داریم با مدیریت بهینه انرژی، خادمان خود در وزارت نیرو را در ارائه خدمات مطلوب یاری کنند.
علی‌آبادی در ادامه با اشاره به عرضه سهام «صندوق پروژه نیروگاه‌های خورشیدی نور»، این اقدام را گامی مهم در مردمی‌سازی اقتصاد انرژی برشمرد و افزود: عواید حاصل از نیروگاه‌های خورشیدی احداث‌شده، از طریق این صندوق به سفره مردم راه‌یافته است. وی با ابراز خرسندی از استقبال پرشور هم‌وطنان از این عرضه، خاطرنشان کرد: تمامی سهام ارائه‌شده در اندک ساعاتی توسط مردم با سرمایه‌های خرد خریداری شد. این رویکرد، ضمن ایجاد فرصت سرمایه‌گذاری برای عموم، مشارکت اجتماعی در توسعه نیروگاه‌های پاک را تقویت می‌کند. وزیر نیرو در پایان تأکید کرد که چنین اقداماتی در کنار تقویت زیرساخت‌های شبکه، عملکردی درخور شأن ملت ایران در مقابله با چالش‌های انرژی رقم خواهد زد و مسیر توسعه را برای نسل‌های آینده هموارتر می‌سازد.

بوشهر

پاسخ ملت ایران به تهدیدها

افتتاح آب‌شیرین‌کن در عسلویه

عباس علی‌آبادی، وزیر نیرو، در آیین افتتاح فاز نخست آب‌شیرین‌کن هوشمند عسلویه در استان بوشهر، بهره‌برداری از این پروژه زیربنایی را پاسخی قاطع از سوی ملت ایران به تهدیدها، تحریم‌ها و فشارهای دشمنان، به‌ویژه ترامپ، خواند و تأکید کرد که ایران، تمدنی کهن و پایدار است که هرگز تسلیم تهدیدات پوچ نخواهد شد. وی این اقدام را پیامی روشن به بدخواهان دانست که مسیر توسعه و خدمت به مردم، حتی در شرایط محاصره و تحریم، متوقف‌شدنی نیست.
علی‌آبادی با اشاره به لفاظی‌ها و تهدیدهای ترامپ علیه زیرساخت‌های آب و برق کشور، اظهار داشت: ایران کشوری متمدن و سربلند است و از این تهدیدهای کوچک هراسی ندارد؛ افتتاح طرح‌های آب‌شیرین‌کن مشت محکمی بر دهان کسانی است که خیال باطل به‌زانودرآوردن ملت ایران را در سر می‌پرورانند.
وی با قدردانی از ایستادگی آگاهانه مردم و کاهش مصرف در اوج گرما، تصریح کرد: فشارها و رجزخوانی‌های دشمن، عزم ملت ما را برای مقابله و همراهی دوچندان کرده و آینده روشن از آنِ این ملت خواهد بود. وزیر نیرو با تأکید بر جایگاه ویژه استان بوشهر، «بوشهر قلب ماست» را شعار خدمت‌رسانی بی‌وقفه به مردم این خطه و پاسخ به مطالبات آنان در حوزه آب و انرژی، اولویت اساسی وزارت نیرو دانست.

فارس

کلاری:

غربالگری آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان فارس از بدو ثبت‌نام انجام می‌شود

مدیرکل آموزش‌وپرورش استان فارس اعلام کرد که فرایند غربالگری آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان به‌طورجدی و از همان آغاز ورود آن‌ها به مدرسه آغاز می‌شود و در قالب طرح نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان با نام نماد اجرا می‌شود. برای نخستین‌بار، نمونه برگ‌های غربالگری این طرح هم‌زمان با ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدرسه تکمیل می‌شود تا شناسایی و مراقبت از دانش‌آموزان از ابتدای سال تحصیلی امکان‌پذیر و با کارایی بیشتری دنبال شود. این رویکرد جدید، باهدف کاستن از آسیب‌های اجتماعی و بهبود مسیرهای مداخله، به‌عنوان نقطه عطفی در کاوش و پاسخگویی به نیازها و خطرات پیشروی دانش‌آموزان محسوب می‌شود.
محسن کلاری، مدیرکل آموزش‌وپرورش فارس، روز سه‌شنبه ۱۷ شهریور در نشست استانی طرح نماد در شیراز با تأکید بر اینکه مراقبت از دانش‌آموزانی که در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند مسئولیتی فراتر از توان یک دستگاه است، گفت: آموزش‌وپرورش به‌تنهایی نمی‌تواند این وظیفه را بر عهده بگیرد و برای پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی، مشارکت گسترده دستگاه‌ها و نهادهای گوناگون ضروری است. او افزود این طرح با ایجاد میز نماد، امکان استفاده از ظرفیت‌های متنوع دستگاه‌های اجرایی و نهادهای مختلف را فراهم می‌کند تا در قالب یک برنامه هماهنگ به سمت پیشگیری حرکت کنیم.
کلاری تصریح کرد که کاهش آسیب‌های اجتماعی در میان دانش‌آموزان از محورهای اصلی فعالیت آموزش‌وپرورش است. تمام تمرکز مجموعه آموزشی بر این است که آسیب‌های اجتماعی در دانش‌آموزان به حداقل برسد و در این راستا، اقدامات پیشگیرانه و حمایتی باید با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادها انجام پذیرد. به گفته او، غربالگری از ابتدای ورود دانش‌آموز به مدرسه این فرصت را می‌دهد تا وضعیت فردی و خانوادگی هر دانش‌آموز بهتر ارزیابی شود و از همان مراحل نخست به برنامه‌ریزی برای مداخلات لازم اقدام شود.
در توضیح بیشتر، وی گفت که در سال‌های گذشته پرونده غربالگری آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در قالب طرح نماد در طول سال تحصیلی انجام می‌شد، اما امسال برای نخستین‌بار نمونه برگ‌های غربالگری نماد به طور هم‌زمان با ثبت‌نام تکمیل می‌شود تا امکان پیگیری و مدیریت سریع‌تر وجود داشته باشد. اجرای این فرایند از همان زمان ثبت‌نام، توجه به وضعیت دانش‌آموزان را زودتر و با دقت بیشتری فراهم می‌کند و به برنامه‌ریزی بهتری برای اقدامات پیشگیرانه و حمایتی در طول سال تحصیلی منتهی می‌شود.

در سال‌های گذشته پرونده غربالگری آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان در قالب طرح نماد در طول سال تحصیلی انجام می‌شد اما امسال برای نخستین بار نمونه برگه‌ای غربالگری نماد به طور هم‌زمان با ثبت‌نام تکمیل می‌شود تا امکان پیگیری و مدیریت سریع‌تر وجود داشته باشد

کلاری همچنین اشاره کرد که اجرای طرح نماد به معنای یک مداخله محدود نیست؛ بلکه هم شامل اقدامات فوری و اورژانسی است و هم نیازمند اقدامات فرهنگی، آموزشی و اجتماعی مستمر است. به باور وی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی نیازمند مجموعه‌ای از برنامه‌ها و فعالیت‌های هماهنگ است تا به نتایج پایدار دست یابد. در این راستا، ضرورت مشارکت شدید از سوی دستگاه‌های مختلف برای تأمین هزینه‌های اجرای طرح نماد مطرح شد تا ارائه خدمات در سطح استان با کیفیت و دوام بیشتری استمرار یابد.
در این نشست، معاون قضایی، اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری استان فارس نیز بر ضرورت مشارکت همه‌جانبه دستگاه‌ها و نهادهای مختلف در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان تأکید کرد و گفت که تمامی فعالیت‌های پیشگیری و مداخلات باید در قالب طرح نماد ساماندهی شود تا به‌صورت منظم و کارآمد دنبال گردد. استفاده از ظرفیت‌های گوناگون برای حمایت از برنامه‌های پیشگیرانه، همکاری میان سازمان‌های مسئول و آموزش‌وپرورش را به یک رویکرد واحد تبدیل می‌کند. همچنین، معاون دادستانی و دادستانی مرکز استان فارس به نقش مؤثر مدرسه در شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌آموزان اشاره کرد و گفت که مدرسه به‌عنوان بستر اصلی تربیت اجتماعی و مهارت‌آموزی است و بنابراین ارائه آموزش‌های مهارت زندگی و توانمندسازی این دانش‌آموزان از اهمیت بالایی برخوردار است. رویکرد جدید طرح نماد که بر پیشگیری قبل از بروز آسیب تأکید دارد، می‌تواند به کاهش قابل توجه آسیب‌های اجتماعی منجر شود و با تمرکز بر مهارت‌های رفتاری و اجتماعی دانش‌آموزان، به ارتقای تاب‌آوری آنان کمک کند.

روزنامه پیام ما

www.payamema.ir

چهارشنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۵ ● سال بیست و دوم ● شماره پیاپی ۳۴۸۸

روزنامه سیاسی - اجتماعی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: روح‌الله خدیشی
زیر نظر شورای سردبیری
دبیر ویژه‌نامه‌ها: شبنم شکوریان
مدیر هنری: تیوا صمدیان
دبیر عکس: یاسر خدیشی

دبیر محیط زیست: فاطمه باباخانی
دبیر گزارش: مهتاب جودکی
دبیر میراث و گردشگری: صبا رضایی
دبیر خبر: یاسر مختاری
دبیر صفحه‌آخر: صدف سرداری

دبیر فرهنگ و هنر: علی ملازاده
صفحه‌آرایی: آتنا شریف‌زاده
کارتونیست: مجتبی ملازاده
بازاریابی و تبلیغات: محمد زز
اداری: فاطمه آقاملایی، شیوا کرمی

رتبه روزنامه پیام ما: ۲

نظرات نویسندگان دیدگاه شخصی آنان بوده و لزوما دیدگاه روزنامه نیست.

تماس دفتر تهران: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
شماره نمابر: ۷۴۲۲ ۷۱۰۵-۰۲۱

تحریریه: داخلی ۱
استان‌ها: داخلی ۲

برگزاری رویداد: داخلی ۳
مدیرمسئول: داخلی ۴

آگهی استان‌ها: عرفانه بهرامجردی ۰۹۰۵۲۸۱۲۵۵۹
آگهی‌های تهران: لی‌لی میرافضل ۰۹۳۹۴۳۷۴۴۶۰

آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای پیام‌ما:
www.payamema.ir/akhlagh

توزیع تهران: نشرگستر (۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰)
توزیع استان‌ها: جراری (۰۹۱۲۲۱۳۱۰۸۹)
چاپ: شاخه سبز (۰۲۵۳۳۴۴۲۵۶)

تهران - خیابان شریعتی - ابتدای شهید بهشتی - پلاک ۱۲ - طبقه اول / تلفن: ۲۸۴۲۱۹۱۰-۰۲۱
نشانی: کرمان، میدان آزادی، خیابان شهید بهشتی، شهید بهشتی ۱۰، نبش شرقی ۲ / تلفن: ۳۲۴۴۸۰۸۶-۰۳۴

ایمیل سازمان آگهی ها: payamema.adv@gmail.com
ایمیل تحریریه: Khabar.payamema@gmail.com

@payamema
@payamema
۰۹۰۳ ۳۳۳ ۸۴۹۴
www.payamema.ir

| پیام ما دیروز |

| سینما |

اکران فیلم‌های کیارستمی در جشنواره‌ای با محوریت طبیعت

شش فیلم از آثار زنده‌یاد «عباس کیارستمی»، فیلم‌ساز برجسته سینمای ایران، در یازدهمین «جشنواره فیلم کوهستان اولسان‌اولجو» در کره جنوبی به نمایش درمی‌آید.

در یازدهمین جشنواره فیلم کوهستان اولسان‌اولجو که با تمرکز بر فیلم‌هایی با موضوع کوهستان، طبیعت، ماجراجویی، محیط‌زیست و تجربه انسانی برگزار می‌شود، سه فیلم «نان و کوچه»، «به ترتیب یا بدون ترتیب» و «همسرایان» از تولیدات «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان»، در کنار فیلم‌های «مرا به خانه ببر» محصول سال ۱۳۹۵، «نه» محصول سال ۱۳۸۹ و «ده» محصول سال ۱۳۸۰، از آثار عباس کیارستمی به نمایش درمی‌آیند.

انتخاب این شش فیلم، نگاهی به مسیر چنددهه‌ای فعالیت سینمایی کیارستمی دارد و طیفی از آثار اولیه تا دوره‌های متأخر فیلم‌سازی او را دربرمی‌گیرد.

دست‌اندرکاران جشنواره این مجموعه را به‌صورت مسیری سینمایی از «نان و کوچه» تا «مرا به خانه ببر» طراحی کرده‌اند؛ دو اثری که به‌ترتیب در آغاز و پایان این مسیر قرار گرفته‌اند و به‌نوعی پیوند میان «کوچه»، «حرکت» و «راه» را در جهان سینمایی کیارستمی بازتاب می‌دهند.

حضور این آثار در جشنواره فیلم کوهستان اولسان‌اولجو، فرصتی برای معرفی بخشی از میراث سینمایی عباس کیارستمی و تولیدات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در عرصه بین‌المللی است.

یازدهمین جشنواره فیلم کوهستان اولسان‌اولجو از ۲۷ تا ۳۱ شهریور ۱۴۰۵، برابر با ۱۸ تا ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۶، در کره جنوبی برگزار می‌شود.

عکس: سارا عامری

این تصویر یکی از آخرین قاب‌هایی است که «جواد مجابی»، شاعر، نویسنده، منتقد ادبی و هنرهای تجسمی، نقاش، طنزپرداز و روزنامه‌نگار را در کنار «بهزاد شیشه‌گران» و «محمود دولت‌آبادی»، در مراسم رونمایی از کتاب «شاملو؛ صد پرتره»، اثر بهزاد شیشه‌گران، در دی‌ماه سال گذشته ثبت کرده است. مجابی چهاردهم شهریورماه امسال از دنیا رفت. محمود دولت‌آبادی پس از درگذشت او، درباره این دوست دیرینش نوشت: «من یک رفیق شادخوی و نومیدی‌شکن را از دست دادم.»

عکس نوشت

| قفسه |

چرا «یادداشت‌های زیرزمینی» همچنان پرفروش است؟

در زیرزمینِ ذهن یک انسان

| زهره مداح |
| کتابدار |

«یادداشت‌های زیرزمینی» از آن دسته کتاب‌هایی است که گذشت زمان به‌سادگی نمی‌تواند از اهمیت و جذابیتشان کم کند. سال‌ها از انتشار این اثر گذشته، نسل‌های مختلفی آن را خوانده‌اند و بارها ترجمه و تجدیدچاپ شده است؛ بااین‌حال، همچنان جزو کتاب‌های پرفروش است و مخاطب خودش را پیدا می‌کند. اما چرا؟ راز ماندگاری این کتاب را شاید بتوان در این ویژگی مهم جست‌وجو کرد که داستایفسکی در این اثر درباره آدمی حرف می‌زند، نه درباره یک دوره تاریخی خاص.

راوی «یادداشت‌های زیرزمینی» انسانی است گرفتار تناقض؛ کسی که هم از دیگران فاصله می‌گیرد و هم عمیقاً به دیده‌شدن و ارتباط با آن‌ها نیاز دارد. او از جامعه، عقلانیت، پیشرفت و حتی از خودش خشمگین است، اما درعین‌حال نمی‌تواند از میل به دوست داشته شدن، تأیید شدن و معنا پیدا کردن دست بکشد. همین تضادهاست که باعث می‌شود خواننده، با وجود فاصله تاریخی و فرهنگی بسیار، گاهی احساس کند با بخشی از ذهن و زندگی خودش روبه‌رو شده است.

همچنین نویسنده به این پرسش اساسی درباره انسان نزدیک می‌شود که آیا ما واقعاً آن‌طور که تصور می‌کنیم، عقلانی و پیش‌بینی‌پذیر هستیم؟ یا بخشی از وجودمان همیشه میل دارد برخلاف عقل و حتی برخلاف مصلحت خودش عمل کند؟

شاید دلیل این‌که هنوز «یادداشت‌های زیرزمینی» خریده و خوانده می‌شود، همین باشد. این کتاب تاریخ مصرف ندارد، چون موضوعش جامعه‌ای خاص نیست؛ موضوعش انسانی است که هنوز، با همه تغییرات جهان، در جست‌وجوی خویش و درگیر تناقض‌های خودش است.

یادداشت‌های زیرزمینی برخلاف بسیاری از آثار کلاسیک، صرفاً متعلق به قرن نوزدهم نیست؛ درباره اضطراب، خودآگاهی افراطی، انزوا، تحقیر، خشم و ناتوانی انسان در برقراری ارتباط است؛ مسائلی که در جهان امروز، با وجود شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات گسترده، حتی پررنگ‌تر شده‌اند.

راوی کتاب مردی بی‌نام است که خودش را «مرد زیرزمینی» می‌نامد. او کارمند سابقی است که از جامعه فاصله گرفته و در تنهایی زندگی می‌کند؛ مردی که از آدم‌ها دل خوشی ندارد، اما هم‌زمان به توجه آن‌ها نیاز دارد. دوست دارد با دیگران ارتباط برقرار کند، اما وقتی فرصتی برای نزدیک شدن پیدا می‌کند، خودش آن را از بین می‌برد. همین تناقض‌هاست که او را به شخصیتی عجیب و درعین‌حال تأمل‌برانگیز تبدیل می‌کند.

ادامه مطلب را در سایت پیام ما بخوانید.

| ادبیات |

مقاله‌ای تازه بررسی می‌کند که خواندن داستان‌های روایی چطور همدلی ما را افزایش می‌دهد

زندگی از چشم دیگری

| پیام ما | خواندن داستان شاید یکی از معدود تجربه‌هایی باشد که به انسان اجازه می‌دهد برای ساعاتی وارد ذهن و تجربه انسانی دیگر شود و جهان را از چشم او ببیند. پژوهش‌های روان‌شناختی نشان می‌دهند که داستان‌خوانی، فراتر از تقویت مهارت خواندن، می‌تواند بر نحوه درک ما از دیگران، روابط اجتماعی و حتی کیفیت زندگی اثر بگذارد. مقاله «مزایای خواندن داستان‌های روایی» که به‌تازگی در یک مجله روان‌شناسی منتشر شده، مجموعه‌ای از یافته‌های پژوهشی درباره تأثیر داستان بر ذهن و زندگی اجتماعی انسان را بررسی کرده است؛ از جمله نقشی که داستان می‌تواند در پرورش همدلی و توانایی دیدن جهان از منظر دیگری ایفا کند.

این مقاله که به‌تازگی در مجله «Current Opinion in Psychology» منتشر شده است، مجموعه‌ای از پژوهش‌های چند سال اخیر درباره فواید خواندن داستان را مرور کرده است. مقاله مزایای خواندن داستان‌های روایی (The Benefits of Reading Narrative Fiction)، نوشته «ریموند مار» و همکارانش، نشان می‌دهد که داستان‌خوانی ممکن است بسیار بیشتر از یک سرگرمی یا راهی برای گذران وقت باشد. این مقاله در سال ۲۰۲۶ به‌صورت آنلاین منتشر شده و برای شماره فوریه ۲۰۲۷ مجله فهرست شده است.

یکی از ایده‌های اصلی مقاله این است که داستان را می‌توان نوعی تمرین اجتماعی دانست. وقتی داستان می‌خوانیم، مدام باید بفهمیم شخصیت‌ها چه می‌خواهند، چه احساسی دارند، چرا کاری را انجام می‌دهند و چه چیزی را از دیگران پنهان می‌کنند. به‌این‌ترتیب، خواندن داستان نوعی شبیه‌سازی ذهنی زندگی اجتماعی است. پژوهش‌هایی که نویسندگان مرور کرده‌اند، نشان می‌دهند افرادی که بیشتر داستان می‌خوانند، به‌طور متوسط در همدلی، درک دیدگاه دیگران و بعضی جنبه‌های شناخت اجتماعی عملکرد بهتری دارند. نکته مهم این است که این اثر بیشتر محصول عادت طولانی‌مدت به خواندن به نظر می‌رسد تا مواجهه با یک یا چند داستان.

| رکنا |

نویسندگان ادعا می‌کنند که با تقویت همدلی، داستان‌ها ممکن است به خوانندگان کمک کنند افرادی را که با خودشان تفاوت دارند، بهتر درک کنند و درنتیجه، بالقوه از پیش‌داوری بکاهند. اگرچه پیش‌داوری گاهی می‌تواند پس از تماس مستقیم میان گروه‌ها شکل بگیرد، داستان‌های روایی نوع دیگری از ارتباط را فراهم می‌کنند؛ زیرا خوانندگان را به ذهن و تجربه‌های شخصیت‌هایی از گروه‌های بیرون از گروه خودشان وارد می‌کنند.

طبیعتاً صرف مواجهه با یک کتاب باعث کاهش پیش‌داوری نمی‌شود. این موضوع هم به ویژگی‌های متن و هم به نحوه درگیر شدن خوانندگان با آن بستگی دارد. داستان‌هایی که به‌صورت اول‌شخص نوشته شده‌اند، برای مثال با استفاده از «من»، ممکن است احساس واقعی‌بودن و حضور شخصیت‌ها را افزایش دهند و از این طریق، احساس همدلی را هم بیشتر کنند. نویسندگان همچنین می‌گویند داستان‌های ادبی معمولاً روایت‌های غیرقابل‌پیش‌بینی‌تر، تجربه‌های انسانی غنی‌تر و پرسش‌های بیشتری در مقایسه با پاسخ‌های قطعی ارائه می‌کنند و با جهان‌بینی پیچیده‌تر ارتباط دارند. خواننده مجبور می‌شود هم‌زمان چند تفسیر را در ذهن نگه دارد و بپذیرد که آدم‌ها را همیشه نمی‌توان به «خوب» و «بد» تقسیم کرد. شاید به همین دلیل، خواندن ادبیات جدی با انعطاف شناختی، پیچیدگی بیشتر در نگاه به دیگران و حتی بدبینی سالم‌تر نسبت به نابرابری‌های اجتماعی مرتبط شده است.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش‌ها این است که ما می‌توانیم از خلال یک شخصیت با مرگ، خیانت، عشق، تنهایی، بی‌عدالتی یا انتخاب‌های اخلاقی دشوار روبه‌رو شویم، بدون اینکه خودمان مستقیماً هزینه آن تجربه را بپردازیم. بعضی پژوهش‌هایی که مقاله مرور کرده است، نشان می‌دهند خوانندگان از همین امکان برای بازنگری در تجربه‌های شخصی خود و کنار آمدن با بحران‌های زندگی استفاده می‌کنند.

البته مقاله ادعا نمی‌کند که خواندن یک رمان ناگهان ما را همدل‌تر، باهوش‌تر یا سالم‌تر می‌کند. اما تصویر برآمده از مجموع پژوهش‌ها جذاب است؛ داستان شاید یکی از معدود نقاطی باشد که می‌توانیم زندگی دیگری را برای چند ساعت از درون خودمان تجربه کنیم و به خودمان اجازه دهیم جهان را موقتاً با ذهنی غیر از ذهن خودمان ببینیم. مقاله به یافته‌های قابل‌توجه دیگری هم اشاره می‌کند. در یک فراتحلیل شامل ۲۱ مطالعه مداخله‌ای و هزار و ۹۸۶ کودک، خواندن کتاب‌های داستانی مرتبط با همدلی باعث افزایش همدلی شد؛ جالب اینکه این اثر در کودکانی که به‌تنهایی یا با یک نفر دیگر می‌خواندند، از خواندن در گروه‌های بزرگ‌تر بیشتر بود. در مطالعه‌ای روی بیش از ۱۴ هزار دانش‌آموز نیز فواید اجتماعی مطالعه در افرادی که در مناطق روستایی بزرگ شده بودند یا والدین کم‌تحصیل‌تری داشتند، بیشتر دیده شد. در پژوهشی دیگر، نوجوانانی که در خانه کتاب بیشتری داشتند، نه‌فقط همدلی و رفتارهای اجتماعی بیشتری نشان می‌دادند، بلکه انعطاف شناختی بالاتری نیز داشتند. داستان همچنین ممکن است بر نحوه مواجهه‌مان با کسانی که با ما متفاوت‌اند، اثر بگذارد. پژوهش‌های مرورشده نشان می‌دهند خواندن داستان درباره اعضای گروه‌های دیگر می‌تواند با تعصب کمتر و نگرش مثبت‌تر نسبت به گروه‌های به‌حاشیه‌رانده‌شده همراه باشد؛ اما صرف حضور یک شخصیت متفاوت در داستان کافی نیست. میزان درگیری عاطفی خواننده، همانندسازی با شخصیت و توانایی دیدن جهان از چشم او اهمیت دارد. همچنین در مطالعه‌ای درباره خوانندگان ادبیات خارجی، ارتباط میان مطالعه و نگرش مثبت‌تر به گروه‌های دیگر عمدتاً از مسیر افزایش همدلی فرهنگی توضیح داده می‌شد. شواهدی وجود دارد که رابطه خواندن و همدلی احتمالاً یک‌طرفه نیست؛ خواندن می‌تواند به رشد توانایی‌های اجتماعی کمک کند، اما کودکانی که از ابتدا در فهم احساسات دیگران بهترند نیز ممکن است بعدها خوانندگان بهتری شوند.

بقای بیشتر کتاب‌خوان‌ها

بخشی از مقاله درباره ارتباط طول عمر با کتاب‌خوانی است. در یک مطالعه بزرگ در آمریکا، بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ فرد سالمند بررسی شدند. کسانی که کتاب می‌خواندند، در مقایسه با افرادی که کتاب نمی‌خواندند، احتمال بقای بیشتری داشتند. در نقطه‌ای از دوره پیگیری که ۲۰ درصد شرکت‌کنندگان فوت کرده بودند، کتاب‌خوان‌ها حدود ۲۳ ماه مزیت بقا نشان می‌دادند. نکته جالب این بود که این ارتباط برای خواندن کتاب قوی‌تر از خواندن روزنامه و مجله بود. اگرچه پژوهش مشخص نمی‌کرد افراد دقیقاً چه نوع کتابی می‌خوانند، حدود ۸۷ درصد کتاب‌خوان‌ها گفته بودند که داستان می‌خوانند.

مطالعه دیگری روی بیش از ۶ هزار و ۵۰۰ فرد فنلاندی، با حدود ۱۹ سال پیگیری، نیز نتیجه‌ای مشابه پیدا کرد: «افرادی که بیشتر کتاب می‌خواندند، میزان مرگ‌ومیر پایین‌تری داشتند.» عامل مهم دیگر در کاهش مرگ‌ومیر نیز «گوش دادن به موسیقی» عنوان شده است. پژوهشگران در هر دو مطالعه عواملی مانند سن، جنسیت، وضعیت اقتصادی، تحصیلات، سلامت اولیه و سبک زندگی را کنترل کرده بودند. بااین‌حال، خود نویسندگان مقاله محتاطانه تأکید می‌کنند که این مطالعات هنوز ثابت نمی‌کنند کتاب خواندن مستقیماً باعث طول عمر بیشتر می‌شود.

پس چه چیزی ممکن است این رابطه را توضیح دهد؟ یکی از فرضیه‌های اصلی، حفظ فعالیت شناختی است. مطالعه منظم و طولانی، حافظه، توجه، زبان و دنبال کردن روابط میان شخصیت‌ها و اتفاقات را درگیر می‌کند. در مطالعه آمریکایی نیز بخشی از ارتباط میان کتاب‌خوانی و طول عمر با عملکرد شناختی بهتر توضیح داده شد. ممکن است کتاب‌خوانی با کاهش استرس، حفظ کنجکاوی، ایجاد احساس معنا و حتی نوعی مشارکت اجتماعی ذهنی نیز همراه باشد. اما دقیقاً کدام‌یک از این سازوکارها مهم‌تر است؟ هنوز مشخص نیست.

نوبت اول

سازمان ثبت اسناد املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان مرکزی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک محلات

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۵۰۰۵۰۰۱۶۳۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محمد تیموری فرزند علی شماره شناسنامه ۵۱ به کد ملی ۰۵۶۹۹۷۱۷۳۱ بعنوان مالک ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۶۱/۴۶ مترمربع در پلاک ثبتی ۴۱۴۱- اصلی واقع در باقرآباد (قولنامه عادی از محمود براتی) واقع در بخش محلات محرز گردیده است.

لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود درصورتی‌که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۷/۰۲
علی صالحی
رئیس ثبت‌اسناد و املاک محلات
شناسه آگهی: ۲۲۷۱۷۲۸

"آگهی تجدید مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای"

به شماره مرجع ۱۴-۱۴۰۵

وزارت نیرو
شرکت برق منطقه‌ای فارس

شرکت برق منطقه‌ای فارس در نظر دارد "آهن‌آلات برج‌های ورود و خروج خط ۴۰۰ کیلوولت یاسوج - سورمق در پست سرحد" را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به شماره ثبت سامانه ستاد "۲۰۰۵۰۰۱۰۴۶۰۰۰۰۵۸" خریداری نماید. کلیه مراحل فرایند مناقصه از دریافت اسناد مناقصه، ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و گشایش پاکت‌ها از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. لذا مناقصه‌گران در زمینه موضوع مناقصه می‌توانند جهت اخذ اسناد به ترتیب اطلاعات زمانی ذکر شده در ذیل به سامانه ستاد مراجعه و اسناد مربوطه را دریافت و پس از تکمیل، همراه با اسناد و مدارک خواسته شده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند. لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی در سامانه، مراحل ثبت‌نام در سامانه و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند. به پیشنهادهای واصله خارج از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت و همچنین به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهادهایی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد. سایر اطلاعات موردنیاز به شرح ذیل اعلام می‌گردد.

۱-تاریخ اولین انتشار اسناد مناقصه در سامانه: از ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۱۸
۲-آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه از سامانه: تا ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۶/۲۳
۳-آخرین مهلت بارگذاری اسناد مناقصه در سامانه: تا ساعت ۱۳ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۵/۷/۲
۴- آخرین مهلت تحویل پاکات پیشنهاد به‌صورت فیزیکی: ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۷/۴
۵-تاریخ گشایش پاکات پیشنهادها: ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۵/۷/۵ خواهد بود .
۶-نوع کمیت و کیفیت خدمات موردنظر: وفق اسناد مناقصه خواهد بود
۷- نحوه برگزاری مناقصه: عمومی - یک‌مرحله‌ای همراه با ارزیابی ساده
۸- مدت انجام کار: ۵ ماه هجری شمسی
۹-مبلغ برآورد انجام کار: ۱۴۰,۴۱۳,۲۴۰,۳۹۲ ریال
۱۰- نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: به‌صورت یک یا ترکیبی از تضامین بندهای الف، ب، پ، ج، چ، ح و خ ماده ۴ آئین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۹۴/۹/۲۲ و اصلاحیه شماره ۵۲۱۱/ت ۵۷۵۹۲ هـ مورخ ۱۴۰۰/۱/۲۲ مصوب هیات وزیران به مبلغ هفت میلیارد و بیست میلیون و ششصد و شصت و دو هزار و بیست (۷,۰۲۰,۶۶۲,۰۲۰) ریال می‌باشد. به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۱- مدت اعتبار پیشنهادها: پیشنهادها باید از هر حیث برای مدت ۹۰ روز بعد از تاریخ تعیین شده برای صدور ضمانتنامه معتبر باشند و این مدت برای ۹۰ روز دیگر قابل تمدید می‌باشد.
۱۲- نشانی این شرکت جهت ارسال پاکت‌های "الف"، "ب" و "ج": شیراز - خیابان زند - نبش خیابان فلسطین - شرکت برق منطقه‌ای فارس - دبیرخانه مرکزی (تذکر مهم، ارسال یک نسخه از اصل پاکت‌های "الف (اصل ضمانتنامه)" و "ب به‌صورت CD" و "ج (برگ پیشنهاد قیمت موجود در اسناد به‌صورت فیزیکی و جداول مقادیر و قیمت‌ها به‌صورت CD) به‌صورت لاک‌ومهر شده الزامی است)
۱۳- محل برگزاری مناقصه: شیراز، خیابان زند، نبش خیابان فلسطین، شرکت برق منطقه‌ای فارس، امور تدارکات و قراردادها
۱۴- نام و نشانی مشاور: شرکت سهامی خدمات مهندسی برق (مشانیر) به نشانی: تهران - خیابان شهید خدامی روبروی هتل هما - کوچه شادی پلاک (۱)
۱۵- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است. ضمناً چنانچه در مورد مفهوم قسمتی از اسناد مناقصه ابهام یا سؤالی وجود داشته باشد می‌توانند با شماره فکس ۳۲۳۵۹۰۴۷-۰۷۱ دبیرخانه مرکزی شرکت برق منطقه‌ای فارس (امور تدارکات و قراردادها) مکاتبه نمایند.
۱۶- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضاء مدت مقرر واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۷-اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: تلفن مرکز راهبری و پشتیبانی سامانه ۱۴۵۶ می‌باشد.

شناسه آگهی: ۲۲۷۱۷۰۷

شرکت برق منطقه‌ای فارس

آگهی مفقودی

کلیه مدارک سواری پژو PARSXU7P رنگ: سفید، مدل: ۱۴۰۲ شماره موتور: 125K0141967 و شماره شاسی: NAANA15E5PH238587 با شماره پلاک ۱۲ ق ۳۱۵ ایران ۷۵ متعلق به آقای علیرضا سنجری فرد مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط گردیده است .

رودبار جنوب

آگهی مفقودی

سند و برگ سبز خودرو، خودرو سواری: سواری، سیستم: پژو، تیپ: 405SLX-TU5 به رنگ: سفید - روغنی، مدل: ۱۴۰۰ به شماره موتور: 181B0138335 و شماره شاسی: NAAM31FE8MK652806 به شماره پلاک: ۶۸۸ ل ۶۷ ایران: ۶۵ به نام: حسین محمدیان ندیک مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

شهربابک

آگهی مفقودی

برگ سبز وانت پیکان ۱۶۰۰OHV رنگ: سفید شیری - روغنی، مدل: ۱۳۹۳ شماره موتور: 118P0113997 و شماره شاسی: NAAA36AA2EG703134 با شماره پلاک ۱۷ ج ۱۹۷ ایران ۷۵ متعلق به آقای داد محمد فرامرزی نمداد مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط گردیده است .

رودبار جنوب